





سالها دل طلب جام جم از ما می کرد  
آنچه خود داشت زیگانه تمنا می کرد

## آنچه خود داشت ...

شناسنامه کتاب:

عنوان کتاب : آنچه خود داشت

مؤلف : سید حسن موسوی خراسانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴



## فهرست مطالب:

مقدمه.....	۱۰
آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد.....	۱۴
مرغ همسایه غاز است!.....	۲۰۲۰
چرا به جای تبلیغ، تقلید می کنیم؟.....	۲۳
ادکلن زده‌های بدسابقه!!.....	۲۵
ارمغان مضر غرب:.....	۲۸
ارمغان اسلام:.....	۳۰
مسلمین و گسترش علوم مختلف:.....	۳۲
یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم.....	۳۵
دست و دل از سفره‌ی نامرد می باید کشید.....	۳۸
مسلمین و گسترش علم پزشکی در اروپا.....	۳۹
طب گیاهی.....	۴۳
طیبیان زن:.....	۴۵
مسلمانان و داروسازی.....	۴۸
بیمارستان سازی مسلمانان.....	۵۲
گسترش هنر و حرفه توسط مسلمانان.....	۵۶
در میان خانه گم کردیم صاحبخانه را.....	۵۹
اکتشافات مسلمانان:.....	۶۲
تئوری نور:.....	۶۲۶۲
اسلحه‌ی گرم مصنوع مسلمانان است:.....	۶۳
قطب نما:.....	۶۳
ساعت:.....	۶۴
کشف اتم:.....	۶۵



- ۶۷..... ساخت هواپیما:
- ۷۸..... اختراع ماشین.....
- ۶۹..... اختراع ابزار جراحی.....
- ۶۹..... اختراع بمب اتمی.....
- ۷۰..... کشف آمریکا:
- ۷۱..... نقش اسلام در تمدن بشری.....
- ۷۲..... آبادی بتخانه ز ویرانی ماست.....
- ۷۳..... مروری بر علوم و فنون و حرفه‌ها.....
- ۷۳..... علم ریاضی.....
- ۷۵..... فیزیک.....
- ۷۶..... شیمی.....
- ۷۹..... علم هیأت.....
- ۸۱..... علوم طبیعی.....
- ۸۴..... پزشکی.....
- ۸۷..... جغرافیا.....
- ۹۰..... تاریخ.....
- ۹۳..... هنر.....
- ۹۶..... علوم اجتماعی سیاسی.....
- ۹۹..... آبادی بتخانه ز ویرانی ماست.....
- ۹۹..... ۱- خود باختگی دانشمندان غیر اندیشمند؛.....
- ۱۰۰..... ۲- سادگی برخی علمای دینی؛.....
- ۱۰۰..... ۳- کوچک شمردن دشمن؛.....
- ۱۰۱..... ۴- عدم شناخت اسلام؛.....
- ۱۰۱..... ۵- فاصله گرفتن از خاندان وحی؛.....
- ۱۰۲..... ۶- خط بازی‌های بی تفکر؛.....
- ۱۰۲..... ۷- رفاه زدگی؛.....

- ۸- خود نابوری؛ ..... ۱۰۳
- ۹- فساد گرایی؛ ..... ۱۰۳
- عوامل عقب‌ماندگی مسلمین چیست؟ ..... ۱۰۴
- ترفندهای غرب برای جهان اسلام ..... ۱۰۴
- آیین نامه صادره از سوی اروپاییان ..... ۱۰۶
- اما راه‌های نفوذ استعمارگران ..... ۱۰۷
- دلیل کشورگشایی‌ها چه بود؟ ..... ۱۰۹
- خدمات استعمارگران به ملت‌ها ..... ۱۱۲
- نوع خدمات بیگانگان به ملت‌ها! ..... ۱۱۲
- نابودی ملت‌ها ..... ۱۱۲
- استعمارگران بر ایران مسلط می‌شوند. .... ۱۱۸
- بخشنامه‌ای در غارت ایران ..... ۱۲۰
- اروپاییان مصر را ویران کردند؛ ..... ۱۲۴
- فرهنگی نمایان بی فرهنگ ..... ۱۲۴
- دین‌سازان ضد دین ..... ۱۲۶
- آندلس و تحمیل قراردادی خائنانه ..... ۱۲۷
- هدایایی که پاپ به اسپانیای مسلمان گول خورده داد! ..... ۱۳۱
- عزیز دردانه‌های استعمارگر ..... ۱۳۲
- اتتلاف مکار و پولدار ..... ۱۳۵
- اسرائیل فرزند انگلیس است. .... ۱۳۵
- نیاز به مختاری دیگر ..... ۱۳۹
- نظر دانشمندان درباره اسلام ..... ۱۴۲
- پیامبر اسلام از نظر دانشمندان ..... ۱۴۷
- قرآن از نظر دانشمندان جهان ..... ۱۵۰
- دانشمندانی که از اسلام تعریف کرده‌اند؛ ..... ۱۵۳
- جاذبه‌های دین اسلام ..... ۱۵۵

- ۱- اسلام دینی فطری است؛ ..... ۱۵۵
- ۲- اسلام دینی عقلانی است؛ ..... ۱۵۵
- ۳- اسلام دینی علمی است؛ ..... ۱۵۶
- ۴- دینی سهل و آسان است؛ ..... ۱۵۶
- ۵- اسلام دین کار و تلاش است؛ ..... ۱۵۷
- ۶- اسلام دین آزادی است؛ ..... ۱۵۷
- ۷- اسلام دینی جامع است؛ ..... ۱۵۸
- ۸- اسلام دین صلح و سازش است؛ ..... ۱۵۸
- عَلَّتْ عقب ماندگی مسلمانان ..... ۱۶۱
- مغولان ..... ۱۶۱
- عوامل درون مرزی ..... ۱۶۲
- دنیا گرایی ..... ۱۶۲
- تجبر و واپسگرایی ..... ۱۶۳
- فرقه گرایی ها ..... ۱۶۳
- نکته‌ای قابل تأمل ..... ۱۶۳
- آیا دین داری مایه عقب ماندگی است ؟ ..... ۱۶۶
- عَلَّتْ پیشرفت اروپاییان چیست؟ ..... ۱۶۸
- کینه‌های شتری بر علیه اسلام و مسلمانان ..... ۱۷۰
- مگس‌های روی زخم ..... ۱۷۱
- صهیونیسم ضد بشر ..... ۱۷۳
- ترفندهای دشمنان ..... ۱۷۷
- ۱- استفاده از نام دین ..... ۱۷۷
- ۲- تحریف آیات و احادیث ..... ۱۷۷
- ۳- تبلیغ علیه شیعه ..... ۱۷۸
- ۴- علاقه به مطرح شدن ..... ۱۷۹
- ۵- دستبرد به کتب و اسناد ..... ۱۷۹



- ۱۸۰ ..... شکار طعمه
- ۱۸۱ ..... دست نشاندگان مدعی امامت
- ۱۸۵ ..... ادب از بی ادبان بیاموزیم!!!
- ۱۸۷ ..... نمک خورده‌های نمکدان شکن:
- ۱۸۸ ..... اما روش مسلمانان با دیگران
- ۱۸۸ ..... تهمت‌های واهی



## ۱۰

خود باختگی، خود کم بینی و غریبه پرستی از امراض شایع و رایج امروزه است. خود برزگ بینی و غرور و دیگران را به چشم حقارت دیدن هم از گرفتاری‌هایی است که دست‌آورد دشمنان است. لازم است که ما درد خود را چاره کنیم و به خویشتنِ خویش برگردیم و اندکی باور کنیم که ما آنچنان که به ما تلقین کرده‌اند نیستیم و دشمنان ما، آنچنان که گفته‌اند، نیستند. ما را با قرص خواب‌آور به خوابی عمیق فرو برده‌اند و خودشان قرص توهم‌زا مصرف می‌کنند، لذا ما در خوابیم و خرناسه می‌کشیم و آنها با خیال خام و تصوراتشان بدمستی می‌کنند. جوان ما با عدم شناخت گذشته، مشغول آه کشیدن

است و غیر جوانمان با یک سفر خارج رفتن و برگشتن، مدت‌ها آب و رنگ خارجی‌ها را به رخ می‌کشد.

در یک کلمه باید این جوان و آن میانسال ما بدانند که ریشه تمدن پر زرق و برق امروز دنیای خارج، سرمایه‌ی متفکران ماست و ریشه عقب افتادگی برخی کشورهای اسلامی هم به تلقینات دشمن بستگی دارد. جوان باید بداند که روزگاری دنیای پیشرفته غرب و اروپا با دیدن صنعت لوله بخاری که ما ساخته بودیم تعجب کرده و ما را تحسین کرده، که عجب صنعتی ساخته‌اید!! روزگاری تمامی وسایل و ابزار علمی پزشکی به دست ما مسلمانان ساخته شده و امروز برخی کشورها آب مصرفی معدنی خود را محتاج همان غریبه‌هایند. بهترین سلاح برای دفاع را مسلمانان ساخته و کشف اتم از خلاقیت‌های یک طلبه حوزه بوده است، و امروز ما را برای خریدن سیم خاردار محتاج خود کرده‌اند!

پدر علم شیمی، شاگرد امام صادق (علیه السلام) ما بوده و ما امروز شربت سرماخوردگی خود را با برچسب نام لاتین و مارک خارجی می‌خوریم.

ما باید یک سیلی هشدار دهنده به صورت خود بزنیم و خود را از خواب عمیقی که در آن فرو رفته‌ایم بیدار کنیم.

آری؛ اصل دین را زمانی مسیحیتِ بد بخت و بدنام، به بدنامی کشیده است و اصل مذهب را دولتمردان بدبخت‌تر از آن‌ها یعنی سلسله‌های قاجار و پهلوی.

خوب است جوانان ما بدانند که ما نه دولت خمود قاجاریم و نه ملتِ تحت سلطه‌ی پهلوی. ما را خدا آزاد آفریده و امروز زمینه این آزاداندیشی برایمان فراهم است. پس بیاندیشیم و خود را باور کنیم. هم خودشناس شویم و هم دشمن را بشناسیم و سپس این تفکر را به کلّ جهان به ویژه ملت‌های مسلمان صادر کنیم.

امروزه رهبر اندیشمندان مستقیماً طی نامه‌ای به جوانان اروپا و آمریکا، آنان را به خودباوری و رجوع به متن وحی دعوت می‌کند، چون می‌داند که اگر کسی اسلام را از کتاب اسلام یعنی قرآن بخواهد، مستغنی و مستبصر می‌شود.

سزاوار است تحصیل کرده‌های ما از این فرصت طلایی استفاده کرده، به قرآن و متون مستحکم دینی رجوع کرده و

ابهاماتی که دارند را از اهلش که قرآن آنها را معرفی کرده بخواهند که فرمود: «فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup>.  
اگر چیزی را نمی‌دانید از اهل علم و دانشمندان سؤال کنید.

این مجموعه، اطلاعاتی از آنچه باید بدانیم را فراراه ما قرار داده است تا با سربلندی هرچه بیشتر به اسلامی که از آن دم می‌زنیم، ببالیم و صفحاتی از شناسنامه خود و احوال دشمن را به دیگران بشناسانیم.

امید است خداوند این عمل قلیل را از ما با لطف کثیرش بپذیرد.

سید حسن موسوی خراسانی

ربیع الاول ۱۴۳۶



## آنچه خود داشت زیگانه تمنا می کرد.

اگر اندکی به تاریخ گذشته برگردیم و در نظرات دانشمندان اروپایی در خصوص ابتکارات و خلاقیت‌های اسلام تفکر کنیم، از بسیاری از افتخارات آباء و اجدادی خود و علمی بودن دینمان آگاه خواهیم شد و از این خودکم بینی‌هایی که امروز به خاطر عدم آگاهی گریبان ما را گرفته است، نجات پیدا خواهیم کرد.

گاهی انسان غصّه می‌خورد که جوانی می‌گوید «هر جا که کشوری اسلامی است، مترقی نیست و هر جا که مسلمان نیستند، پیشرفته‌اند!» اگرچه ظاهر مطلب این چنین است، اما خوب است اندکی مطالعه و کمی غیرت و مقداری تعصب دینی داشته باشیم و سابقه‌ی خود و اسلام را به یک جا از یاد نبریم.

آری همچنان که خود برترینی کار درستی نیست، خود کم بینی هم مذموم و ناپسند است.

امروز بلاى جان ما مارک خارجى، مدل خارجى، جنس خارجى است و به قول ظریفى: تخمى هندوانه‌ی خودمان را نیز، با نام خارجى بیشتر مى‌پسندیم!

ما روزگارى آقا بودیم، مبتکر بودیم، خلاقیت داشتیم، چشم زخم روزگار ما را به این روز انداخته است. این ماییم که در برابر این چشم‌های شور و پلید باید «و ان یکاد» بخوانیم تا ماهیت دینی را که همه‌ی ارزش ماست فراموش نکنیم و اگر فراموش کرده‌ایم، شفا یافته و به خودمان برگردیم.

جوان و پیر ما برای تهیه‌ی ساعت مچی‌اش در به در به دنبال مدل خارجى مى‌گردد در حالی که اختراع اولیه‌ی ساعت از مسلمانان است و همه‌ی عالم در این صنعت مدیون اسلام و مسلمانان مى‌باشند.

جرجی زیدان<sup>۱</sup> می گوید:

مردم اسپانیا اعتراف دارند که پاندول (رقاصک ساعت)، تعیین کننده‌ی وقت را عرب‌ها (مسلمانان) به آنان آموختند و مسلم است که همین پاندول اساس بسیاری از اختراعات مربوط به علم نجوم می‌باشد.<sup>۲</sup>

تحصیل کرده‌ی ما وقتی می‌خواهد به مطالعه‌اش افتخار کند، کتابی خارجی معرفی می‌کند و اصطلاح خارجی به کار می‌برد و خود گم کرده، از جیب غریبه‌ها خرج می‌کند، در حالی که اولین علوم از اسلام و اولین کتاب‌های علمی که بعداً به زبان‌های غیر عربی هم چاپ شده، مربوط به دانشمندان مسلمان است.

---

۱ . متولد ۱۸۶۱ در بیروت و درگذشته ۱۹۱۴ در قاهره. نویسنده، روزنامه‌نگار، ویراستار و آموزگار عرب‌زبان لبنانی است که بابت نوشتن ۲۳ رمان تاریخی و تأسیس نشریه الهلال معروف است. طی نهضت بیداری عرب‌ها و شکل‌گیری جنبش النهضة، قصد او از نوشتن رمان‌های تاریخی، آشنا نمودن مردمان عرب با فرهنگ و تاریخ خود بوده است.

۲ . جرجی زیدان، ص ۶۱۸.



ویل دورانت<sup>۱</sup> می‌نویسد:

«در هزاران مسجدِ قلمرو اسلام از قرطبه تا سمرقند، شمار دانشوران کمتر از ستون‌های مساجد نبوده و علم و فضلشان در دیوان‌ها انعکاس داشته است. راه‌های کشور از گروه بی‌شمار جغرافی‌دانان، مورخان و عالمان الهی پر بود که در طلب علم و حکمت بودند... در این دوران (چهار قرن اول) دانشوران مسلمان اساس ادبیات ممتاز عربی را استوار کردند.»<sup>۲</sup>

جوان مسلمان ما می‌گوید باید با زمان جلو بروید. آری همه

---

۱. ویلیام جمیز دورانت، مشهور به "ویل دورانت"، نویسنده و تاریخ‌نگار مشهور در سال ۱۸۸۵ میلادی در ماساچوست به دنیا آمد. مهمترین اثر ویل دورانت، "تاریخ تمدن" نام دارد که در یازده جلد انتشار یافته است و نام این کتابها عبارت است از: "مشرق زمین"، "گاهواره‌ی زمین"، "یونان باستان"، "قیصر و مسیح"، "عصر ایمان"، "رنسانس"، "اصلاح دینی"، "آغاز عصر خرد"، "عصر لویی چهاردهم"، "عصر ولتر"، "روسو و انقلاب" و "عصر ناپلئون". وی همچنین کتاب‌های فلسفی زیادی را تألیف کرد. او برای نوشتن هر بخش از کتاب به گوشه‌ای از دنیا سفر می‌کرد؛ از مصر و ایران تا سیبری و ژاپن.

۲. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ص ۳۸۷.

می‌گویند که باید همپای زمان به جلو رفت و قبل از همه امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «فرزندان را با زمان تطبیق دهید».

این جمله، جمله‌ای حکیمانه است، لکن در چه اموری باید همراه زمانه بود؟ آیا در بی‌بندوباری یا مدپرستی یا تقلید کورکورانه و یا این که مسایل علمی-صنعتی و تکنولوژی؟ آنانی که این رویه‌ی غلط را به ما القا کرده‌اند، خودشان در علم و تکنولوژی لحظه‌ای توقف نکرده و همپای زمان به پیش می‌روند، لکن ما را در ابتدال و فساد به جلو هل می‌دهند و به تقلید وا می‌دارند.

امیرمؤمنان (علیه السلام) که فرمود با زمان هماهنگ باشید، یعنی از تمامی پیشرفت‌های علمی جهان استفاده کنید و به قول قرآن «همه‌ی سخنان عالمیان را بشنوید و بهترینش را انتخاب کنید»، نه این که در لفظ، زبان مادری خودتان را فراموش کرده و در اصلاح سر و صورت، روش ملی خود را کنار گذاشته و در پوشش، از خویش بیگانه شوید.

دکتر آلکسیس کارل<sup>۱</sup> در کتاب راه و رسم زندگی می‌نویسد:

«سعادت بشر وقتی تأمین می‌شود که مغز انسان و قلب انسان با هم پرورش یابند و عیب تمدن اروپا این است که مغز را بیشتر از قلب تقویت می‌کند که ترقی صنایع و علوم مادی از اثر ترقی مغز است، اما قلب به طور کلی فراموش شده و اروپاییان هیچ وقت به فکر ترقی قلبی و روحی نیستند و به همین سبب است که عشق به فضایل اخلاقی و ایمان به خدا که ثمره‌ی ترقی قلبی است نابود شده و تمام عقب ماندگی‌ها، مفاسد، بدبختی‌ها و فجایع، ناشی از تقویت مغز و تضعیف یا ترک تقویت قلب می‌باشد. تز اخلاق اگر بدون مذهب باشد شکست خورده است و تهذیب و اخلاق بدون ایمان به خدا محال است.

---

۱. زیست‌شناس فرانسوی برنده جایزه نوبل فیزیولوژی و پزشکی در سال ۱۹۱۲ است. او به‌خاطر مطالعه سیستم گردش خون موفق به دریافت این جایزه گردید.

## مرغ همسایه غاز است!

افراد بی اطلاع و خودباخته‌ای هستند که گاهی متأسفانه به ناحق خود را در صف اساتید دانشگاه‌ها جا زده و این لباس مقدّس را با وجود خودشان آلوده کرده‌اند. آنان از اسم و رسم کسانی نام می‌برند که جیره خواران همین سفره‌ی اسلامند، لکن به دلیل غروری که دارند نام مذهب و دین و بویژه اسلام را از خود دور می‌کنند و ژست روشنفکری می‌گیرند و با علم دزدی، شخصیت خود را مطرح می‌کنند و این مقلدان بی‌مایه، به مصداق «خوشا دزدی که از دزدی بدزدد» سخن آنان را به کلاس آورده و برای خود کلاس می‌گذارند!

گوستاو فلوگل خاورشناس مشهور آلمانی<sup>۱</sup> می‌گوید:

---

۱ . گوستاو فلوگل یکی از خاور شناسان بنام آلمانی است. خدمات شایانی به علوم اسلامی داشته است از جمله اینکه سبب اتصال شرق با غرب در جهت دست یابی آسان تر به قرآن و استخراج کلمات و آیات آن گشته است. او در کتاب تجوم الفرقان فی اطراف القرآن به این مهم دست یافت و در ضمیمه کلام الله مجید در سال ۱۸۴۲ م به طبع رساند. این

«منتشر کننده‌ی کتاب الفهرست - ابن ندیم - در کشف الظنون لیستی از کتب عربی که قبل از صنعت چاپ انتشار یافته را به دست آورده و آن را در ذیل کتابش درج نموده است. وی می‌گوید: در آن زمان که هنوز صنعت چاپ رونق نداشت فقط در یک استان قسطنطنیه بیست و یک کتابخانه بود که ۲۷۴۴۵ کتاب داشت. در مصر و دمشق و حلب قریب دو هزار و چهارصد مجلد کتاب وجود داشت و با این وصف کلیه‌ی کتاب‌هایی که از دوره‌ی تمدن اسلامی باقی مانده بود به سی هزار مجلد می‌رسید. سپس نام کتاب و محل آن و نویسندگان را در کتاب تاریخ تمدن جرجی زیدان صفحه ۶۴۰ آورده است.»

جان دیون پورت<sup>۱</sup> می‌نویسد:

دانشمند شهیر در سال ۱۸۷۰ م در گذشت.

۱. این دانشمند، اسلام را یکی از قوی‌ترین وسایلی می‌داند که دست قدرت آفریدگار برانگیخته تا مکاتب و فلسفه‌های بشری را تحت تأثیر و نفوذ قرار دهد و بعد با تعبیرات عالمانه‌ای، اسلام را بر مسیحیت برتری می‌دهد؛ وی می‌گوید: این توهم که در ذهن پاره‌ای افراد راه یافته که دینی که قرآن آن را تعلیم داد به وسیله شمشیر ترویج شده است، اشتباه و خبط

"زمانی که اروپا در وحشیگری به سر می‌برد، فیلسوفان مسلمان، مدارس تأسیس کرده بودند که عده‌ای از مسیحیان در آن درس می‌خواندند و در حقیقت باید قبول کرد که کلیه‌ی علوم و از جمله فلسفه، از قرن دهم در اروپا رونق گرفت و مسلمانان، پدران فلسفه‌ی اروپاییان می‌باشند."<sup>۱</sup>

یکی از فیلسوفان معروف عرب، کندی می‌باشد که تنها در علم فلسفه بیست و دو جلد کتاب نوشته و در حساب و کتاب، نجوم و هندسه مجموعاً ۲۴۱ مجلد کتاب تألیف کرده است.

---

خارق‌العاده‌ای است، زیرا به‌طور وضوح همه صاحب‌نظران و متفکران بی‌غرض تصدیق دارند که دین محمد(ص) که به وسیله آن، نماز و زکات جانشین خون قربانی‌های بشری گردید و به جای جنگ و نزاع دائم و مستمر، روح خیرخواهی و بشردوستی و فضایل اخلاقی و آداب اجتماعی را در نفوس دمید و بنابراین حتمی است که در تمدن نفوذ و تأثیر مهمی داشت، در حقیقت خیر و برکتی برای جهان مشرق بود.

۱. جرجی زیدان، ص ۶۰۱.

## چرا به جای تبلیغ، تقلید می‌کنیم؟

سبک معماری در اسلام از زمانی که یا غربی در میان نبود و یا بود و سبکی نداشتند و یا اینکه سبکشان با تعالیم دینی و جنبه‌های انسانی منطبق نبود، بر اساس همان غیرت و منش دینی اسلام، دارای سبک و سلیقه‌ی خاص در خاصّی بود و استحکام بنا و زیبا سازی آن از جمله‌ی دست‌آوردهایش بود. اما امروز پس از سال‌ها و قرن‌ها که خودمان دارای سبک و سیاق معماری بوده‌ایم، چشممان به سوی بیگانگان است که در ساختمان سازی از آن‌ها الگو بگیریم. همین اُپن سازی خانه‌ها که امروز رایج شده و البته عدّه‌ای هم اخیراً از آن برگشته و پشیمانند (چون با سبک دینی و معارف عزت بخش دینی ما سازگاری ندارد) از مصادیق همین سخن است. دیگر این که از قدیم در بنای ساختمان‌های عمومی همچون مسجد دارای روش و سبک بوده‌ایم.

ویل دورانت می‌گوید:

"با معماری اسلام، در عربستان، فلسطین، شام، بین النهرین، ایران، ماوراء النهر، هند، تونس، مصر، مراکش و اسپانیا، مسجدهایی به پا شد که هم قوّت و استحکام برون و

هم زیبایی و ظرافت درون را با هم داشت." بیشتر آثار هنری از میان رفته و از نشانه‌های عظمت و رونق آن دوران به جز مساجد چیزی باقی نمانده است. یکی از یادگارهای معماری اسلامی که در اندلس دیده می‌شود مسجد قرطبه است که در قرن هشتم میلادی بنا گردیده و از آثار عهد اوّل معماری اسلامی بوده است.

جرجی زیدان می‌نویسد:

"بناهای قرطبه و اطراف آن، در دوره‌ی آبادانی شهر قرطبه به قرار زیر است:

خانه‌های عادی مردم ۱۱۳۰۰۰، کارخانه‌ی بزرگ ۴۳۰، عمارات رجال دولت ۶۳۰۰، مسجدها ۳۸۷۳، گرمابه ۹۰۰، که جمعاً ۱۲۴۵۲ ساختمان داشته است."<sup>۱</sup>

تقلید از ملّتی می‌کنیم که نه تنها در قدیم صاحب ابتکارهای چشمگیری نبوده، بلکه با کلیه‌ی مظاهر تمدّن که لازمه‌ی زندگی سالم است میانه‌ی خوبی نداشته است. ولی ما از زمان

---

۱. تابش اسلام در اروپا، ص ۱۱۰.



بنای دینمان همواره تمدنمان همراه با تدینمان بوده است.

### ادکلن زده‌های بدباطن!!

مشام عدّه‌ای را عطر ادکلن‌های خارجی پر کرده و ظاهر اتو کشیده‌ی آنان، اینان را فریب داده است، در حالی که باید با صراحت گفت تمیز بودنشان را مرهون اسلام و تمدن اسلامی هستند. سابقه‌ی بهداشت اسلامی همراه با اسلام است و به خاطر دستوراتی که رهبر اسلام صادر کرد و رفتاری که از خود به جای گذاشت، امروز عدّه‌ای از غرب‌زده‌ها، نام غرب را با کثیفی، ولی غرب را با تمیزی و عطر و کراوات در نظر دارند و به نسل جدید نیز معرفی می‌کنند و گاهی برای اظهار روشنفکری در کمال بی‌وطنی از همه‌ی مواهب اسلام و آباء و اجدادشان می‌گذرند و جمعی را مثال می‌زنند که در اروپا و غرب زندگی می‌کنند و ظاهرشان تمیز است. اما خوب است سابقه‌ی اسلام را با این اتو کشیده‌ها را با هم مقایسه کنیم؛

دانشمندی می‌نویسد: «در زمانی که اروپاییان حمام را کار زشت و زنانه می‌دانستند و اگر کسی به حمام می‌رفت او را

مسخره می کردند، پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت علی (عَلِيٍّ) می فرماید: ای علی! یک روز در میان، حَمَّام برو و اگر یک هفته طول کشید و به حَمَّام نرفتی، برای روز جمعه باید حَمَّام بروی و تأکید می کند که اگر پول برای حَمَّام نداشتی از غذای خود بفروش و روز جمعه خود را به حَمَّام برسان. و به قدری سفارش می کند که گویا واجب است.

یا برای زدودن مو (نظافت موی بدن) می فرماید: یا علی! در هر هفته نوره بکش و اگر وسیله ای برای تو میسر نشد هر دو هفته یکبار، ولی مبادا بگذاری به بیست روز بکشد زیرا ممکن است به امراض ناشی از عدم بهداشت مبتلا شوی.<sup>۱</sup> و در کل، اسلام نظافت را جزئی از ایمان می شمارد؛ (النِّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ).

فیلیپ خلیل حتی، تاریخدان عرب:

"اروپاییان و مسیحیت، حَمَّام را چنان کار بدی می دانستند

۱. تابش اسلام در اروپا، ص ۱۱۹.

که آن را به کار بت پرستی تشبیه می کردند!"  
 او می گوید در همان زمان در بغداد توسط مسلمانان ده  
 هزار حمام ساخته شده بود.<sup>۱</sup>

همین دانشمند می گوید:

"زندگی شهرنشینان اروپا از نظر بهداشت طوری بود که  
 کثافت کوچه‌ها و وجود باتلاق‌های متعفن و آلودگی جوی‌ها  
 که از وسط گورستان‌ها و گذرگاه‌ها عبور می کرد باعث  
 زحمت و ناراحتی سکنه‌ی شهر بود. شهر پاریس که از  
 زیباترین بلاد اروپا به شمار می رفت حکم یک زباله‌دانی را  
 داشت که از کوچه‌های تنگ و تاریک شهر مرتب بوی  
 نجاست آدمی به مشام می رسید و حال آن که به محض طلوع  
 خورشید اسلام در جهان بشریت، محل مخصوص برای  
 نجاست آدمی معین شد و این عمل ناپسند (مستراح روباز در  
 کوچه‌ها) زشت شمرده شد، اما هنوز به اروپا نرسیده بود."

آری اروپا که امروز قبله‌ی حاجات بعضی شده و خانه‌ی اُپن  
 و نوع لباس و بهداشت خود را از آن‌ها تقلید می کنند، روزی در

---

۱. تابش اسلام در اروپا.

کثافات غرق بودند که اسلام برخی جاها را ساخته بود و سپس آنان را تعلیم داد.

گوستاو لوبون<sup>۱</sup> می نویسد:

"در عهد فیلیپ آگوست، روزی ازابه‌ای از وسط شهر می‌گذشت. همین که از میان گل ولای عبور کرد بوی گندی برخاست که هیچکس را تاب تحمل آن نبود. پادشاه که در حیاط قصر خودش گردش می‌کرد، نتوانست خودداری کند و در همان موقع دستور داد چاره‌ای برای آن پیدا کرده و همانند شهر قرطبه مسلمانان کوچه و خیابان را سنگ فرش کنند!"

### ارمغان مضر غرب:

امروز جمعی از مردان مسلمان ما بدون توجه به این که سوغات دنیای غرب آلوده هستند، همانند آنان ناخن‌ها را بلند نگه می‌دارند در حالی که به آنان باید گفت اگر بناست از غرب پیروی کنید، از دانشمندان آنان هم اندکی حرف بشنوید.

فیلیپ پنجم می نویسد:

---

۱. فیلسوف، مورخ، جامعه شناس، پزشک فرانسوی بود.

"بدون شك كثافات در زیر ناخن، خانه پیدا کرده و با تماس با غذاهای مرطوب و غیره اثر خود را منعکس کرده و انسان را مبتلا به مرض می‌کند. خوب است بدانیم که این عمل در اسلام مکروه است و مستحب است هفته‌ای یکبار ناخن‌ها را کوتاه کنیم. گرفتن ناخن در روزهای پنج شنبه و جمعه ثواب دارد و خاک کردن ناخن‌های گرفته شده به خاطر رعایت بهداشت است."<sup>۱</sup>

---

۱. تابش اسلام در اروپا، ص ۱۲۱.

## ارمغان اسلام:

اسلام دستور ختنه برای مردان را به عنوان واجب و برای زنان را به عنوان مستحب می‌دهد که دنیای پزشکی در این باب به ثمراتی که در این کار است، اشاراتی دارد از جمله:

دکتر تومانیاس در کتاب بهداشت در دین اسلام می‌نویسد:

برخی از محسنات ختنه بدین شرح است:

- مواردی از ادرار زیر پوست زاید نمی‌ماند تا اسید اوریک آن موجب زخم‌های مزمن شود.
- موجبات تضعیف قوه باه<sup>۱</sup> نمی‌شود.
- کثافات هنگام جماع توسط پوست زاید جمع نمی‌شود تا باعث سوزاک و سفلیس<sup>۲</sup> شود.

نکته‌ی قابل توجه این که این‌ها امراضی است که در

---

۱. غریزه جنسی.

۲. بیماری‌هایی هستند که باعث تغییر در کیفیت اسپرم و در نتیجه

ناباروری ۲۰ درصدی مردان می‌شوند.

موقع مبتلا شدن، به زودی قابل علاج نیستند.<sup>۱</sup>

پروفسور و گهایت استاد کرسی زنان و مامایی دانشگاه وین:  
"یکی از بیماری‌ها، سرطان دستگاه تناسلی است. من در  
تجربیات شخصی خود به این نتیجه رسیده‌ام که علت اصلی  
کاهش سرطان دستگاه تناسلی بین زنان مسلمان، ختنه کردن  
مردان مسلمان و طهارت پس از ادرار آن‌ها می‌باشد."<sup>۲</sup>

---

۱. تابش اسلام در اروپا، ص ۱۲۱.

۲. تابش اسلام در اروپا، ص ۱۲۳.

## مسلمین و گسترش علوم مختلف:

ریشه‌ی علوم فیزیکی نیز از اسلام و تعالیم آن به دست بشر رسیده است و امروز چون که با نام و اصطلاحات خارجی مطرح است، برای عدّه‌ای از ما دهان پرکن تر است!

فیزیک، علمی است که ماهیت ماده و انرژی و رابطه‌ی بین آن‌ها را بررسی می‌کند و علاوه بر این به بررسی پدیده‌های طبیعی می‌پردازد تا الگوهایی برای آن‌ها بیابد. علم فیزیک به شاخه‌های کوچک‌تری از جمله گرما، الکتریسته، مکانیک، مغناطیس، نور، صوت، فیزیک اتمی و ... تقسیم می‌شود.

ویل دورانت می‌گوید:

معروف‌تر از همه دانشوران مصر اسلامی، حسن بن هشتم بود که نزد اروپاییان به نام الحازن معروف است. وی به سال ۳۵۶ هجری قمری یعنی ۹۶۵ میلادی در بصره تولد یافت و به زودی بر اثر نبوغ خود در هندسه و ریاضیات شهره شد. چیزی که مایه‌ی شهرت کنونی ابن هشتم شده کتاب المناظر اوست که درباره‌ی شناخت نور می‌باشد.



ابن هیثم<sup>۱</sup> درباره‌ی انکسار نور هنگام عبور از اجسام شفاف، همچون هوا و آب مطالعه کرد و به طرح اختراع ذره بینی چنان نزدیک شده بود که سیصد سال بعد راجر بیکن و تیلو و دیگر دانشوران اروپا در کوشش‌هایی که برای اختراع ذره بینی و دوربینی کرده‌اند، بر تحقیقات او تکیه داشتند و خود راجر بیکن در «کتاب اکبر» جلد ششم آن را به تحقیقات ابن هیثم و اثرپذیری‌اش از این فرزند مسلمان جهان عرب تاکید و تکیه

۱. اولین دانشمند فیزیک نور در جهان است که در زمینه شناخت نور و قانون‌های شکست و بازتاب آن نقش مهمی ایفا کرده است. وی در علوم ریاضی، حساب و هندسه، مثلثات، جبر، الابصار و غیره، استادی ماهر و صاحب ابتکار بود. شرح اصول اتاقت تاریک و اختراع ذره‌بین از کارهای برجسته این دانشمند مسلمان است که منجر به ساخت دوربین عکاسی گردید. به دید برخی پژوهشگران ابن هیثم نخستین دانشمند جهان است که سرعت صوت را محاسبه کرده‌است. ابن هیثم با معیار متعارف اندازه‌گیری طول در زمان خود، که واحد ذرع بود، سرعت نور و دور کره زمین را اندازه گرفت. وی نخستین کسی است که ۷۰۰ سال قبل از نیوتن به بررسی ویژگی‌های نور پرداخت. ابن هیثم را اولین دانشمندی می‌شناسند که از روش مبتنی بر آزمایش در کارهایش استفاده کرد.

دارد. دانشمندان معترفند که اگر ابن هیثم نبود، راجر بیکن به آن شهرت نمی‌رسید. ابن هیثم فرضیه‌ی اقلیدس و بطلمیوس را که می‌گفتند عمل رؤیت نتیجه‌ی پرتو نوری است که از چشم خارج می‌شود و به جسم و به وسیله‌ی پرده‌ی شفاف یعنی عدسی منتقل می‌شود، را دنبال کرد.

او در هنگام کسوف تصویر نیمه خورشید را که از سوراخ پنجره به دیوار مقابل عبور داده بود مطالعه کرد و این نخستین گفتگو از اتاق تاریک است که همه‌ی فنون عکاسی بر آن تکیه دارند.

همو می‌گوید: درباره‌ی نفوذ ابن هیثم در دانش اروپایی هرچه بگوییم مبالغه نیست.<sup>۱</sup>

جان دیون پورت می‌نویسد:

"باید قبول کرد که کلیه‌ی علوم اعمّ از فیزیک، نجوم، فلسفه و ریاضیات و... که از قرن دهم به بعد در اروپا رونق

---

۱. تابش اسلام در اروپا، ص ۱۲۸.

گرفته، از مدارس مسلمین اخذ شده و مسلمانان اسپانیا را از هر جهت باید پدران فلسفه‌ی اروپا دانست.<sup>۱</sup>

### یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم.

علم شیمی به عنوان یکی از علوم پایه، تقریباً از ابداعات مسلمین است. این سخن دانشمندی به نام ویل دورانت است.

جابر بن حیّان، معروف ترین کیمیاگر اسلام، فرزند یک داروگر کوفی بود که به طب اشتغال داشت اما بیشتر وقت خود را با انبیب و بوته سر می کرد.

مورخان، یکصد تألیف یا بیشتر را به او نسبت می دهند که در حقیقت از مؤلفان گمنام است!

بسیاری از این کتابها که نویسنده‌ی آنها شناخته شده نیست، به زبانهای لاتین ترجمه شده و مایه‌ی پیشرفت علم



شیمی در اروپا گردیده است!<sup>۱</sup>

فیلیپ.گ. می نویسد:

"جابر که به پدر کیمیایی مسلمان معروف بود و در نزد  
فرنگیان به نام جبر شهرت داشت، در پیشرفت شیمی از لحاظ  
نظری و علمی کوشش کاملی نمود."

دو قرن پس از مرگ وی در حین اصلاح یکی از خیابان‌های  
کوفه، کارگاه او پیدا شد که یک هاون و یک قطعه طلای  
بزرگ در آن به دست آمد.

راویان اروپایی کشف بسیاری از ترکیبات شیمیایی را به  
جابر نسبت می‌دهند و می‌گویند بیست و دو کتاب عربی از  
تألیفات جابر درباره‌ی شیمی است، ولی متأسفانه در حال حاضر  
اثری از آن کتب موجود نیست!

با این حال کتاب‌های منسوب به جابر پس از قرن چهاردهم  
در اروپا و آسیا مهم‌ترین کتب شیمی به شمار می‌رفت.

دانشمندان فرنگ اقرار دارند که مسلمین، اسید نیتریک، اسید

---

۱. ویل دورانت، ص ۴۱۸.

سولفوریک، اسید نیترو، هیدروکلریک، پتاس، جوهر نشادر، نمک نشادر، نترات کلرید، سورفوریک، زاج سبز، الکل قلیا، زرنیخ، بوریک و سایر مواد مربوط به شیمی را کشف کردند و مطالبی را در کتب خود نگاشته‌اند که آنان هنوز به حقایق آن نرسیده و نتوانسته‌اند بفهمند چه بوده و چه هست!

جابر بن حیان هر گاه سخنی می‌گفت آن‌را به امام صادق نسبت می‌داد و می‌گفت: «قال لی جعفر بن محمد علیه السلام» یا می‌گفت: «و ألقى علیّ جعفر علیه السلام» یا می‌گفت: «أخذتُ هذا العلم من سیّدی جعفر بن محمد سیّد اهل زمانه».

سید هبة الدین شهرستانی می‌نویسد:

"من پنجاه جلد از کتاب‌های جابر را که به خط قدیمی است دیده‌ام."<sup>۱</sup>

همو می‌گوید:

"تا کنون پانصد جلد از کتاب‌های جابر به چاپ رسیده

---

۱. تابش اسلام، ص ۱۳۷.

که بیشتر آن کتاب‌ها در کتابخانه‌های برلین و پاریس موجود است!! و دانشمندان بزرگ اروپا جابر را به استاد حکمت لقب داده‌اند و تا آنجایی که اطلاع یافته‌ام دانشمندان اروپا در نظر دارند دانشگاهی به نام جابر بن حیان بنا کنند و در آن دانشگاه منحصرأ از تألیفات او بحث کنند.<sup>۱</sup>

### دست و دل از سفره‌ی نامرد می‌باید کشید.

در رباعیات رایج گاهی اشعار ساده ولی حکیمانه‌ای نهفته است که مایه‌ی عبرت و درس است. مثلاً در این رباعی که یک بند آن نوشته شده، انسان‌ها از حشر و نشر با افراد بی‌صفت و حق ناشناس برحذر داشته شده‌اند. خوب است اصل رباعی را بنویسیم:

تا نَفَس باقیست آه سرد می‌باید کشید  
دست و دل از سفره‌ی نامرد می‌باید کشید

---

۱. تاریخ تمدن گوستاو لوبون، ص ۵۹۰.

هر چه می خواهی طلب کن ناصر از شاه نجف  
مَنّی گر می کشی از مرد می باید کشید

منظور از مرد در اینجا افراد قدرشناس با جنبه و با ظرفیتی هستند که قدر استاد و صاحبان حق را می شناسند، همچون مردان خدا. منظور از نامرد، افراد نمک خورده‌ی نمکدان شکسته‌ای را گویند که این رویه‌ی آن‌ها، انسانیتِ انسان را لکه دار می کند.

دنیای متمدن امروز، تمدن و شهرسازی، بهداشت و درمان و صنعت و هنر را از اسلام گرفته‌اند و با بزرگ کردن آن، آن را به نام خودشان تحویل مردم جهان می دهند و با کمال بی‌شرمی و پررویی جهان را هم به جهان اول و دوم و جهان سوم تقسیم کرده‌اند که واقعاً مایه‌ی تأسف است.

از بحث دور نشویم، سخن بر سر پیشرفت‌های علمی و تمدنی امروز است که از اسلام گرفته شده و با روبان پیچی غربی به نام اروپا و غرب یا شرق تحویل‌مان می شود؟

**مسلمین و گسترش علم پزشکی در اروپا**

زمانی که اروپاییان به خاطر نداشتن پزشک متخصص، بیمارانشان را می‌سوزاندند! مسلمانان، دارای متخصصین و بیمارستان‌های متعددی بودند.

ویل دورانت می‌گوید:

"طیبیان مسلمان به شست و شو دادن هنگام تب و بخصوص به حمام بخار اهمیت فراوان می‌دادند و پزشکی امروز به معالجات آن‌ها درباره‌ی آبله و سرخک چیزی نیافزوده است.

بزرگ‌ترین بیمارستان قلمرو اسلام، بیمارستانی بود که به سال ۸۸ هجری قمری مصادف ۷۰۶ میلادی در دمشق بنیاد شد. این بیمارستان در سال ۳۶۸ قمری بیست و چهار طیب داشت.

بیمارستان‌ها مهم‌ترین جای تدریس طبّ بود، هیچ کس حق طبابت نداشت مگر این که در امتحانی که برای این منظور ترتیب داده می‌شد شرکت کند و از دولت اجازه بگیرد. داروسازی‌ها، سلمانی‌ها و شکسته بندی‌ها تابع مقرراتی بودند که دولت برای مراقبت از اعمال آن‌ها وضع کرده بود. همچنین طیبیانی بودند که همه روزه به زندان‌ها سر



می‌زدند و زندانیان بیمار را معالجه می‌کردند. تنها در بغداد به سال ۳۱۹ هجری قمری، هشتصد و شصت طبیب رسمی بود.<sup>۱</sup>

علی بن عیسی، بزرگ‌ترین چشم‌پزشک اسلام می‌باشد که کتاب تذکرة الکحالیین وی تا قرن هجدهم در اروپا تدریس می‌شد. وی ۱۳۱ کتاب تألیف کرد که قسمت اعظم آن‌ها نابود شده است. از جمله کتاب‌های معروف وی «الحاوی» در بیست مجلد مفصل بود که از همه‌ی فروع طبّ سخن می‌گفت. این کتاب به عنوان «لیدر کونیننس» به زبان انگلیسی ترجمه شد و تا چند قرن، معتبرترین کتاب طبّی و مهم‌ترین مرجع این علم در قلمرو انسان سفید پوست به شمار می‌رفت و یکی از آن‌ها کتاب بود که به سال ۱۹۳۵ میلادی کتابخانه دانشکده طب پاریس را تشکیل می‌دادند.<sup>۱</sup>

رساله‌ی رازی درباره‌ی آبله و سرخک، نمونه‌ی مشاهده‌ی مستقیم و تحلیل دقیق و همچنین نخستین تحقیق علمی درست در زمینه‌ی امراض مسری بود و این رساله برای اولین بار این دو

---

۱. تاریخ تمدن گوستاو لوبون، ص ۱۵۴.

مرض را از هم تمیز می داد. اگر بدانیم که رساله‌ی رازی از سال ۱۴۹۸ تا ۱۸۶۶ میلادی چهل بار به زبان انگلیسی چاپ شده، میزان نفوذ و شهرت آن را در خواهیم یافت...

در مدرسه‌ی طب دانشگاه پاریس دو تصویر رنگی از دو طبیب مسلمان آویخته‌اند که یکی از رازی و دیگری از ابن سینا است.<sup>۱</sup>

آری، ابن سینا برجسته‌ترین اطباء در قرون وسطی و رازی بزرگ‌ترین طبیب و ابوریحان بیرونی بزرگ‌ترین جغرافی‌دان و ابن هیثم بزرگ‌ترین دانشمند نورشناس و جابر بن حیان بزرگ‌ترین شیمیدان این دوران (قرون اولیه‌ی اسلام) بوده‌اند.

---

۱. تاریخ تمدن گوستاو لوبون، ص ۱۵۴.

## طب گیاه

ابن البيطار<sup>۱</sup> در کتاب الجامعة المفردات الادويه و الاغذيه، تاريخ طبّ گیاهی را نوشت و در آن هزار و چهارصد نوع گیاه، غذا و دارو را ذکر کرد که سیصد نوع آن قبلاً ناشناخته بودند. وی ترکیبات شیمیایی و قدرت شفابخشی آن را معین کرد. گوستاو لوبون می نویسد:

"شمار اطباء مسلمان بسیار زیاد است."

جان دیون پورت می گوید:

"به وسیله‌ی مسلمین علم طبیعی و سایر علوم در اروپا منتشر شده است."

ابن ابی حبيب يك جلد از کتاب خود را به اسامی اطباءى

۱. ضياء الدين ابو محمد عبدالله احمد بن محمد مالکى، مشهور به ابن بيطار، گیاه‌شناس و داروشناس اندلسی. او به واقع بزرگ‌ترین صاحب نظر در زمینه دانش گیاهان بود. شاخص‌ترین اثر او «الجامع المفردات و الادويه و الاغذيه» است که آن را در سال ۶۴۶ ه. ق کامل کرد. این کتاب در واقع بزرگ‌ترین دائرةالمعارف داروشناسی برجا مانده از قرون وسطی می‌باشد.

مسلمان اختصاص داده است.

علی بن عیسی یکی از اطبای مشهور مسلمان و همزمان با رازی است.

بوعلی سینا که به امیر طبّ شهرت داشت با اینکه عمرش بسیار کوتاه بود ولی کتب او اثر قابل توجهی در اجتماع اطباء باقی گذاشت و تا پنجاه سال قبل دستورات او در دانشگاه‌های بزرگ مورد عمل بود.

ابوالقاسم قرطبی یکی از جراحان جهان اسلام که وسایل جراحی را اختراع کرد و شکل آن‌ها را در کتاب خود ترسیم نمود و کیفیت آب کردن سنگ کلیه را نیز توصیف کرد، ولی افراد دروغگو و مغرض خدمت او را محو کرده و این اختراع را به علم جدید نسبت می‌دهند!

هالر<sup>۱</sup>، فیزیولوژیست معروف درباره‌ی ابوالقاسم قرطبی

---

۱. کالبدشناس، فیزیولوژیست، تاریخ طبیعی‌دان و شاعر سوئیس قرن ۱۸ بود. از او غالباً به عنوان «پدر فیزیولوژی مدرن» نام برده می‌شود. به علت بیماری‌های مختلف ناشی از ورزش‌های پسرانه او توانست تمرکز

می گوید:

"تمام جراحانی که پس از قرن چهاردهم میلادی به وجود آمده‌اند از روی کتاب‌های ابوالقاسم استفاده کردند."

## طیبیان زن:

اسلام، همچون اروپا، زن را آلت بی بند و باری و شهوت معرفی نکرده است و لذا می‌بینیم در میان زنان نیز دانشمندانی که مبتکر بعضی از علوم پزشکی بوده‌اند فراوانند که به دو سه نمونه اشاره می‌کنیم:

دخت الحقید اندلسی و دو دخترش که در بخش بیماری‌های زنانه سر رشته‌ی کامل داشتند و دکتر زنان حرمسرای خلیفه‌ی وقت بودند.

بیشتری بر روی ذهن خود داشته باشد. گفته می‌شود که در سن چهارسالگی او کتاب مقدس را می‌خواند و به خدمتکاران پدرش می‌آموخت. قبل از اینکه ده ساله شود یک مدل گرامر زبان آرامی و واژگان یونانی و عبری ایجاد کرد.

زینب پزشک بنی داوود طیب زنان امویان که در شام طبابت می‌کرد و در جراحی چشم مهارت داشت.

دانشمندان مسلمان از حرکت نبض؛ وضع قلب مریض، و از دیدن ادرار؛ وضع کبد و اخلاط وی را تشخیص می‌دادند که هنوز هم از همین طریق یعنی نبض و ادرار، بیماری‌ها را تشخیص می‌دهند. نخستین بار، داغ کردن موضع زخم را به کار بردند که هنوز نیز ادامه دارد. برای اولین بار، مرض سل را از راه ناخن مریض درک کرده و معالجه‌ی یرقان و زردی را توصیف کردند و برای جلوگیری از خونریزی، آب سرد استعمال کردند. طریقه‌ی درآوردن سنگریزه و شن و میل زدن چشم هم از پزشکان مسلمان به دیگران رسیده است.

مسلمانان کتاب‌هایی درباره‌ی طب نوشته‌اند که قبلاً سابقه نداشته است.

یوحنا ابن ماسویه نخستین کسی است که کتاب‌هایی راجع به جزام (خوره) نوشته است. ابن رشد که کتابش به نام «کلیات فی الطب» در سال ۱۲۵۵ میلادی به دست یک یهودی ترجمه شد.

ابن الخاسم که طاعون را که توسط دانشمندان مسلمان کشف شد، شرح و بسط داد. علی بن عیسای بغدادی، ابومنصور موفق، علی بن رضوان، ابن وفید اسپانیایی، عمّار موصلی، ابوریحان بیرونی معروف به الاستاد، ابن زهراوی و ابن الخطیب و...

## مسلمانان و داروسازی

درمان و دارو به یکدیگر مرتبط هستند همچنان که در علم طبابت سابقه‌ی دیرینه‌ی دانشمندان مسلمان معلوم است و به بخشی از آن اشاراتی رفت. در این قسمت به تاریخ داروسازی مسلمانان در اروپا می‌پردازیم؛

ویل دورانت می‌نویسد:

"از بازرگانی‌های مهمّ مابین ایتالیا و خاور نزدیک، واردات داروهای اسلامی بود. نخستین بار داروخانه به وسیله مسلمان‌ها ایجاد شد و همان‌ها نخستین مدرسه‌ی داروشناسی را بنیان کردند و در علم قرابادین<sup>۱</sup> (نوعی داروی ترکیبی) کتاب‌های معتبر نوشتند."<sup>۲</sup>

جرجی زیدان می‌گوید:

"داروسازی از فروع پزشکی است و اعراب (مسلمانان)

---

۱. علم به ماهیت و خواص ادویه مفرده و مرکب، لغتنامه دهخدا.

۲. ویل دورانت، ص ۳۱۵.



در این زمینه خدمات زیادی انجام داده و گیاهان طبّی زیادی از هند و سایر نقاط جمع‌آوری کردند. این اقدام ابتدا در زمان یحیی بن خالد برمکی انجام گرفت و بعداً داروسازان و پزشکان نابغه از میان مسلمانان برخاستند و کتاب‌های گیاه‌شناسی و داروسازی را از هندوستان ترجمه کرده و خودشان نیز کتاب‌هایی درباره‌ی داروسازی نگاشتند.

فرنگیان در رستاخیز علمی اخیر خود در فن داروسازی مطالعه و تحقیق نمودند و دریافتند که مسلمانان این علم را پایه‌گذاری کرده بودند."

افسوس که نان پخته، خامان دارند

اسباب تمام، ناتمامان دارند

آن‌ان که به بندگی نمی‌ارزیدند

اکنون غلامان و کنیزان دارند

دکتر ماکس میرهوف در میراث اسلام می‌گوید:

"در زمان موسی بن میمون<sup>۱</sup>، سال ۱۱۰۴ میلادی چندین

رساله‌ی داروسازی و داروشناسی نوشته شده و معروف‌ترین

---

۱. موسی بن میمون یکی از مفسرین مهم تورات و عالم مهم یهودی است.

نویسندگان این موضوع ابن البیطار بوده است. این مرد بزرگ تمام گیاهان و داروهای سواحل مدیترانه را از اسپانیا تا سوریه گرد آورده و در مجموعه‌ای به شرح آن‌ها پرداخته که شامل بیش از ۱۴۰۰ داروی ساده می‌باشد و گذشته از این عمل داروهای مورد بحث را با گفتار و نظریه بیش از ۱۵۰ تن از نویسندگان قدیمی عرب تشریح نموده و مورد مقایسه قرار داده است. پس از آن بود که کتاب‌های عربی در مورد داروهای مرکب نوشته شد که هنوز هم در دنیای اسلامی از آن استفاده می‌شود."

گوستاو لوبون می‌نویسد:

"مسلمانان در علم طب، راه‌هایی را در معالجه‌ی امراض پیش گرفتند که پس از این که قرن‌های زیادی متروک شده بود، دوباره علم طب، همان راه‌ها را تجویز می‌نماید مانند استعمال آب سرد در معالجه‌ی تب تیفوئید.

و نیز در بعضی از موارد روش‌هایی در معالجه‌ی امراض معمول داشته‌اند که امروز پس از آن سال‌های متروک شده

دوباره به نام اکتشافات جدید مورد استفاده قرار می‌دهند!"<sup>۱</sup>

دانشمندی می‌گوید:

"توجه داشتید که مورخین اروپایی یادآور شدند که به واسطه‌ی اسلام و مسلمین، علم طب در اروپا منتشر شد، ولی نمی‌دانیم ما مسلمانان تا چه اندازه به خواب فرو رفتیم که آنچه داشتیم از ما گرفتند و ما را غلامان خویش ساختند!؟"

شیخ محمد عبده، مفتی سابق مصر می‌گوید:

"سعادت و پیشرفت مسیحیت در ترک کردن دین خود و بدبختی و عقب ماندگی و ذلت مسلمانان در ترک دین اسلام می‌باشد! این خطابی به مسیحیت است که (البته دین تحریف شده منظور است) هرگز روی خوشبختی را نمی‌بینند و خطاب به مسلمانان می‌گوید: تا زمانی که به دین اسلام عمل نکنند همچنان عقب مانده و بدبخت خواهند بود.

آری مسیحیت به سوی اسلام آمد و هر روز ترقی کرد، اما مسلمانان هر روز به سوی غرب و اروپای مسیحی رفتند

و بدبخت شدند!"<sup>۱</sup>

## بیمارستان سازی مسلمانان

ویل دورانت می گوید:

"نام سی و چهار بیمارستان که در قرون اولیه در قلمرو اسلام به پا بوده است را می دانیم که ظاهراً همگی به شیوهی انجمن علمی و بیمارستان ایرانی جندی شاپور پدید آمده بود. بزرگ‌ترین بیمارستان قلمرو اسلام بیمارستانی بود که سال ۷۰۶ میلادی یعنی سال ۸۸ هجری قمری در دمشق بنیان شد که در سال ۳۶۸ قمری، ۲۴ طیب در آنجا به طبابت مشغول بودند.

در قاهره، سلطان قلاوون در سال ۱۲۸۵ میلادی بیمارستان منصوری را تأسیس کرد که بزرگ‌ترین بیمارستان قرون وسطی بود. در این بیمارستان بخش‌های جداگانه‌ای برای بیماران مختلف، بیماران در حال نقاهت، چند آزمایشگاه، یک داروخانه‌ی عمومی، درمانگاه برای بیماران سرپایی، چند آشپزخانه و حمام و یک کتابخانه، یک نمازخانه، یک سالن سخنرانی و یک قسمت ویژه از مناظر دل انگیز برای

بیماران روانی داشت که به بیمارستان پیوسته بود.

بیماران اعم از زن و مرد، غنی و فقیر، آزاد و برده در آنجا رایگان علاج می‌شدند. بیماران بهبود یافته هنگام خروج، مبلغی از بیمارستان می‌گرفتند تا برای تحصیل قوت، بلافاصله محتاج کار نباشند. در همه‌ی شهرهای بزرگ اسلامی برای مراقبت دیوانگان بیمارستان‌هایی موجود بود.<sup>۱</sup>

دکتر ماکس میرهوف می‌نویسد:

"از همان اوایل بیمارستان‌هایی به تقلید از جندی شاپور در نقاط مختلف اسلامی تأسیس شد و از همان روزها واژه‌ی فارسی بیمارستان در تمام دنیای اسلامی مصطلح گردید. اغلب این بیمارستان‌ها در ایران، مراکش، سوریه و مصر بود. در قاهره اولین بیمارستان در سال ۸۷۲ میلادی توسط ابن طولون تأسیس شد و تا قرن پانزدهم هنوز باقی بود.

هر بیمارستان به دو قسمت زنان و مردان با اغذیه و ادویه‌ی مخصوص به خود تقسیم شده بود."

فیلیپ. گک. حتی، می گوید:

"آغاز ساخت بیمارستان‌های سیّار به دستور صالح بن علی، وزیر مقتدر عباسی انجام شد."

جرجی زیدان می نویسد:

"مسلمانان بیمارستان‌های سیّار نیز دایر کردند و با شتر و قاطر آن را به این طرف و آن طرف می بردند. از آن جمله در اردوی سلطان محمود سلجوقی بیمارستانی بود که چهل شتر آن را می کشیدند و با اردو به هر طرف می رفت."<sup>۱</sup>

گوستاو لوبون می گوید:

"امروزه مشخص شده بیمارستان‌هایی که اعراب (مسلمانان) در سابق ساخته‌اند از نظر اصول بهداشتی بهتر از بیمارستان‌های کنونی ما بوده است، زیرا آن‌ها خیلی وسیع ساخته شده و آب و هوا در آن‌ها به مقدار زیادی جریان داشته است."

---

۱. جرجی زیدان، ص ۶۰۸.

وقتی به ابوبکر محمد بن زکریای رازی پیشنهاد کردند که بهترین محل را برای احداث بیمارستان در بغداد انتخاب کند، او برای انتخاب محل مزبور طریقه‌ای را انتخاب کرد که مورد قبول عموم میکروب شناسان جدید نیز می‌باشد. بدین ترتیب که دستور داد در هر محله‌ای (در چهار گوشه‌ی شهر) یک قطعه گوشت آویزان کنند و هر جا گوشت دیرتر فاسد شد بیمارستان را در همانجا احداث نمایند.

این مورخ بزرگ می‌نویسد: آنچه من استنباط کردم و در تاریخ تبخّر نمودم آن است که در طب مسلمانان در قرن دهم میلادی، بیش از آنچه طب امروز تلفات می‌دهد، تلفات نداشته است.<sup>۱</sup>

---

۱. تاریخ تمدن، ج ۱۵، ص ۶۱۰.

## گسترش هنر و حرفه توسط مسلمانان

ویل دورانت می‌نویسد:

"در قرن دهم میلادی خط نسخ در زمینه‌ی تزئینی بنا و سفال بر خط کوفی چیره شد بیشتر کتاب‌های اسلامی که از قرون وسطی به جای مانده با خط نسخ نوشته شده و قسمت اعظم این باقی مانده‌ها قرآن است زیرا نوشتن قرآن جزو اعمال شایسته بود که نویسندگان را به ثواب می‌رسانید.

تاریخ نویسان از قالب‌های دوران فاطمیان خیمه‌های مخمل، اطلس و حریر دمشقی و پارچه‌های تافته و زربافت منقش خبر می‌دهند.

از نقوش دوران فاطمی به جز پاره‌ای گچبری که در موزه‌ی قاهره هست، چیزی در دست نیست و از مینیاتوری آن عصر چیزی نمانده است."

جرجی زیدان می‌گوید:

"گرچه بعضی از دشمنان اسلام منتشر کرده‌اند که مسلمانان در عدم ترویج هنرهای زیبا مقصّرند، ولی اگر مختصر دقتی شود معلوم می‌گردد که استعداد مسلمین در



قسمت‌های هنری و حرفه‌ای از دیگران بیشتر است.<sup>۱</sup>

فیلیپ. گ. حتی، می‌گوید:

"هنر خط در اسلام خالص بود و در کار تزئینی اهمیت بسیار داشتند. صنعت و هنر قالبیافی، پارچه بافی، ابریشم بافی، سفالکاری و اشباه آن‌ها از اسلام و مسلمین به اروپا آمد."<sup>۲</sup>

گوستاو لوبون می‌نویسد:

"مسلمین کارخانه‌هایی تأسیس کرده بودند که ظروف سفالین، چینی و بلور محصول آن کارخانه‌ها بود. یکی از مشهورترین کارخانه‌های چینی سازی مسلمین کارخانه‌ی جزیره‌ی میودقه می‌باشد که بسیار قدیمی شناخته شده است.

از روزی که اعراب (مسلمانان) یکسره از اسپانیا بیرون رفتند، صنعت کاشی‌کاری و سایر صنعت‌ها به سرعت عجیبی رو به انحطاط و تنزل نهاد به طوری که کم‌کم به صفر رسید. حرفه‌ی بافندگی فرش در بین مسلمانان رونق گرفت و پارچه

۱. جرجی زیدان، ص ۶۲۱.

۲. تاریخ عرب، فیلیپ. گ. حتی، قرون وسطی.

بافی اعراب بسیار پیشرفت داشت.<sup>۱</sup>

پی یر روسو<sup>۲</sup> در تاریخ صنایع صقاری می نویسد:

"همین بس که در آن زمان اروپاییان از وسیله‌ی ناچیزی که بسیار خنده آور است بی اطلاع بودند و آن دودکشی بود که برای بخاری در منازل از آن استفاده کردند و این اختراع را در قرون وسطی به مسلمین مدیونیم!"

و نیز از قول ژرژ براتیانو می نویسد:

"باید رفت به قبرستان اروپا و با صدای بلند گفت: ای اروپاییان قدیم! سر از خاک بردارید و ببینید که در مقابل این همه خدماتی که اجداد ما به شما کردند نسل‌های بعد از شما به خصومت با مسلمین برخاسته و تا این حد پیشروی کردند که لباس‌های زشت و زننده و... آن روز شما چنان در قلب زنان ما و بعضی از جوانان ما جلوه گر شده که آرزوی نیمی از زنان ما آن است که به وسیله‌ی همان لباس‌های غربی در

---

۱. تاریخ تمدن گوستاو لوبون، ج ۸، ص ۶۳۲.

۲. او یکی از دانشمندان پرکار و نامدار دنیای علم و دانش در جهان کنونی است.

معابر و محافل خودنمایی کنند تا این که اگر به خاطر زشتی صورتش کسی به او توجه نمی کند لاف‌بل به عنوان تمسخر و نامناسب بودن لباسش نظری بر او افکنند!<sup>۱</sup>

### در میان خانه گم کردیم صاحبخانه را

عده‌ای کور کورانه به اسلام و دست آورده‌های آن می‌نگرند و لذا برداشتی کور کورانه دارند. می‌گویند ما عقب مانده‌ایم، اما نمی‌گویند چرا؟! می‌گویند دنیای غرب صنعت و هنر دارد اما فکر نمی‌کنند از کجا آورده‌اند. برخی از تاریک فکران ما به اسم روشنفکری به صنعت کشور خودشان یعنی در حقیقت به خودشان می‌خندند، طعنه می‌زنند، جنس غریبه را به رخ می‌کشند و همه را غیر خود مقصّر می‌دانند، در حالی که غالب قریب به اتفاق این صنعت و هنر و خلاقیت‌هایی که فعلاً سوغات غرب است و نام غربی به خود گرفته است در اصل از مسلمانان و از شرق می‌باشد و زمانی سوغات شرق و مسلمانان برای غریبان بوده است!!

---

۱. تاریخ تمدن گوستاو لوبون، ص ۱۹۱.

ویل دورانت می گوید:

"وقتی مسلمانان، سمرقند را گشودند یعنی در سال ۷۱۲ میلادی، تهیه‌ی خمیر کتان و دیگر گیاهان الیاف‌دار را از چینیان آموختند که از آن خمیر صفحات بسیار نازک می‌ساختند و خشک می‌کردند.

نخستین کارگاه کاغذسازی در قلمرو اسلام به سال ۱۷۸ قمری، مصادف با ۷۹۴ میلادی در بغداد به دست فضل بن یحیی وزیر هارون الرشید گشوده شد. آنگاه مسلمین این صنعت را به سیسیل و اسپانیا بردند و از آنجا به ایتالیا و فرانسه رسید.

این اختراع به هر جا رسید تألیف کتاب را آسان کرد. به گفته‌ی یعقوبی تاریخ نگار معروف در سال ۸۹۱ بیش از یکصد کتابفروشی در بغداد وجود داشت."

جرجی زیدان می گوید:

"همان طور که مسلمانان در بازرگانی جلو رفتند، در صنایع نیز ترقی کردند و به تدریج در بسیاری از صنایع استاد شدند و چیزهایی ساختند که بهتر از آن در جاهای دیگر یافت نمی‌شد.

مسلمانان فن کاغذسازی را تکمیل کرده و از راه اندلس به فرنگستان منتقل ساختند. می گویند نخستین کسی که طرز شیشه ساختن از سنگ را اختراع کرد عباس بن فرناس حکیم اندلس می باشد و چنان چه مشهور است اختراع باروت از مسلمانان است.<sup>۱</sup>

قالی که یکی از لوازم تجملی است، از مشرق به اروپا آمد. سکه های عربی در تمام جهان مشهور است و همه می دانند که این نوع فلزکاری و سکه سازی از مسلمین باقی مانده است.<sup>۲</sup>

---

۱. جرجی زیدان، ص ۹۵.

۲. گوستاو لوبون، ص ۶۴۹.

## اکتشافات مسلمانان:

### تئوری نور:

یکی از بدایع علمی امام جعفر صادق 7 نظریه‌ی او راجع به نور می‌باشد. او گفته است که نور از طرف اشیاء به سوی چشم ما می‌آید. این تئوری به وسیله‌ی شاگرد امام صادق 7 به اطراف رفت و بعد از این که در جنگ‌های صلیبی تماس بین شرق و اروپا زیاد شد به اروپا منتقل گردید و در دانشگاه‌های اروپا تدریس شد.<sup>۱</sup>

جرجی زیدان می‌گوید:

"ابوبکر، رازی و غیره علم طب را توسعه دادند و بسیاری از ترکیبات شیمیایی را کشف کردند و بر اساس آن اکتشافات شیمی جدید استوار شد."<sup>۲</sup>

گوستاو لوبون می‌گوید:

---

۱. متفکر جهان، ص ۲۹۹.

۲. جرجی زیدان، ص ۶۱۶.

"مسلمین ترکیباتی را کشف کردند که علم شیمی و صنعت به آنها نیازمند است، مانند جوهر گوگرد و الکل که رازی آن را کاملاً شرح می‌دهد."

فن داروسازی، رنگسازی، استخراج فلزات، ساختن فولاد، چرم سازی و غیره از اکتشافات مسلمین می‌باشد.

### اسلحه‌ی گرم مصنوع مسلمانان است:

مَلت‌های آسیا از قرن‌های قدیم در جنگ‌ها موادّ محترقه استعمال می‌کردند ولی اروپاییان تا قرن هفتم میلادی اطلاعی از این مواد نداشتند و می‌گویند اولین کسی که آنها را از آسیا به اروپا آورد یک نفر معمار شامی به نام کالینگ بوده است.<sup>۱</sup>

### قطب نما:

قطب نماي معمولی را چینی‌ها اختراع کردند، ولی قطب نمایی را که در کشتی بتوان از آن استفاده کرد از اختراعات

۱. گوستاو لوبون، ص ۵۹۳.

مسلمین می‌باشد که به طور قطع و بدون شک این اختراع را مسلمین به اروپا آوردند.

### ساعت:

اختراع ساعت به گفته‌ی همه‌ی مورّخین اروپایی و غرب به دست مسلمین انجام گرفت و بهترین دلیل بر ادعای ما و مورّخین دیگر، ساعتی است که هم اکنون در مسجد اموی در دمشق می‌باشد و یا ساعتی که هارون الرشید برای شارلمانی هدیه فرستاد و یا ساعتی که بر بالای دروازه‌ی دمشق نصب شده است.<sup>۱</sup>

به گفته‌ی مورّخین از جمله تاریخ شارلمانی، وقتی هارون الرشید یک ساعت به همراه هدایای دیگر برای شارلمانی پادشاه مسیحی فرستاد، شارلمانی ساعت را بالای کاخ سلطنتی نصب کرد. مردم شهر که ساعت را تا آن زمان ندیده بودند و برای اولین مرتبه مشاهده می‌کردند دسته جمعی به طرف کاخ شاه

---

۱. جرجی زیدان، ص ۶۱۷.



حرکت کرده تا آن را خراب کنند! وقتی پرسیدند چرا می‌خواهید خراب کنید؟ در جواب گفتند کشیشان گفته‌اند از شیطان دوری کنید و متوجّه باشید که شیطان به صورت‌های مختلف شما را از راه بیرون می‌کند و ما می‌بینیم که شیطان به کاخ سلطان دست یافته و می‌ترسیم که سلطان را از راه به در کند و به جهنّم بکشاند، لذا می‌خواهیم کاخ را خراب کنیم، آری؛ این سطح فکر اروپا بود.

### کشف اتم:

باروی کارون دوو، ریاضی دان معروف می‌نویسد:

"در عرض این دو قرن (از ظهور اسلام تا دو قرن بعد) کشفیات زیادی که پایه‌ی تمدّن کنونی ما را تشکیل می‌دهد به عمل آمد و دانشمندانی توانا مسائلی مربوط به فلسفه، علوم و طبیعیات را مورد بحث قرار دادند. با این حال بدیهی است که در بعضی مسائل به راه‌حلهایی نرسیدند، ولی تا آنجا که میسر بود درب بسته‌ی پیشرفت علم را گشودند. به مجرد باز شدن این درب و روشن شدن مغزهای تاریک، راه اکتشافات جدید نمایان شد.



پس باید گفت:

مسلمین ریشه‌ی اختراعات و اکتشافات جدید را غرس کردند. مثلاً کندی، یکی از دانشمندان بزرگ و حکمای بزرگ رسائلی در بحث جو، باد و باران، نور و عدسی‌ها نوشته است که تمام آن‌ها به زبان‌های لاتین ترجمه شد و در دست دانشمندان اروپایی قرار گرفت.

یا مثلاً ابن سینا و غزالی که در مورد جزء (اتم) و موارد و حرارتی که از اتم بتوان گرفت، جان کلام را گفته‌اند.

بنابراین با توصیفات مذکور نمی‌توانیم کشف اتم را به زمان جدید نسبت بدهیم، بلکه باید گفت: دانشمندان جدید تکمیل کننده و یا روشن کننده‌ی مطلب بوده‌اند.

خط منحنی و ماشین چاپ را مسلمین کشف و اختراع کردند. آنها به وسیله‌ی سنگ، ماشینی چاپی (سنگی) را به وجود آوردند که بعداً دیگران آن را تکمیل کردند.

ر. ه. کریستی، می‌گوید:

"اروپا اصل و اساس اختراع و ایجاد کتاب و چاپ آن را

به مسلمین قرون وسطی مدیون است."

### ساخت هواپیما:

دانشمندی از شهر فاراب ترکیه به نام اسماعیل ملقب به جوهری بر وسیله و محموله‌ای که ساخته بود نشست و به آسمان حرکت کرد و این قدم اوّل پرواز در آسمان بود که از سوی او شروع شد و بعداً تکمیل و تکمیل‌تر گردید.<sup>۱</sup>

البته نظریه‌ی دیگری نیز معروف است که مخترع هواپیما عباس بن فرناس اندلسی متولد ۸۸۷ میلادی در قرطبه بوده است. او یکصد سال قبل از برادران رایت در سال ۹۵۰ میلادی بر فراز شهر قرطبه به پرواز در آمد.

جرجی زیدان می‌نویسد:

"مسلمین چیزهایی کشف و اختراع کردند که خبرش به ما رسیده اما از چگونگی آن اطلاع کافی نداریم. از جمله ابن اثیر

---

۱. نقح الطیب، ج ۴.

در ضمن شرح واقعه‌ی زنگیان می‌گوید: مسلمان‌ها موادی داشتند که اگر به چوب می‌مالیدند چوب نمی‌سوخت.<sup>۱</sup> همچنین می‌گوید:

"مسلمانان در علم مکانیک تألیفاتی داشته‌اند که قسمتی از آن را دست روزگار در هم پیچیده و قسمت بیشترش به یونانی ترجمه شده است."<sup>۲</sup>

### اختراع ماشین

مسلمین در کتب فنی خود، از ماشین و ساعت آبی و وسایلی دیگر بحث می‌کنند، حال در این که نوع ماشین چه ماشینی است، یقیناً خودرو یا خودکار بوده است.<sup>۲</sup>

### اختراع ابزار جراحی

گوستاو لوبون می‌گوید:

---

۱. جرجی زیدان، ص ۶۰۶.

۲. تابش اسلام، ص ۲۲۵.

"آلات جراحی را مسلمین اختراع کردند و اولین مخترع  
 آلات جراحی ابوالقاسم قرطبی بوده است و نیز کشف  
 کننده‌ی سنگ کلیه و آب کننده‌ی آن نیز همان قرطبی بوده  
 است."

### اختراع بمب اتمی

مواد اتمی و بمب اتمی را شیخ النحاسین اختراع کرد و برای  
 اولین بار در جنگ‌های صلیبی موقعی که می‌خواستند شهر عکا  
 را محاصره کنند در سال ۵۸۵ هجری، این اختراع و کشف به  
 صورت عملی در آمد. جالب این که شیخ النحاسین یک طلبه‌ی  
 گوشه‌نشین بود که در حجره‌ی مدرسه زندگی می‌کرد. وقتی  
 سلطان صلاح الدین بعد از انجام این عمل و فاتح شدن، او را  
 احضار کرد که به او جایزه بدهد، در جواب گفت: من برای  
 رضای خدا این عمل را انجام دادم نه برای پول.

و نیز وقتی از او خواستند که این علم را در معرض عموم  
 قرار دهد و به دیگران بیاموزد گفت: من این کار را برای استفاده

در مسیر حق انجام دادم، ولی ترس آن دارم که بعد از من در مسیر باطل از آن استفاده شود. بنابراین به کسی آموزش نمی‌دهم. آری دوران‌دیشی شیخ النحاسین امروز بیشتر مشهود و قابل تقدیر است.

### کشف آمریکا:

البته کشف آمریکا توسط مسلمانان صورت گرفته و کریستف کلمب اسپانیایی هیچ‌گاه کاشف سرزمین‌های آمریکایی نبوده است، بلکه او فاتح و غاصب سرزمین‌های آمریکا بوده است و نامه‌ای که او به پادشاه اسپانیا می‌نویسد، اذعان به این مطلب می‌کند.

کریستف کلمب می‌گوید:

"آمریکا را از روی علوم مسلمین توانستم کشف کنم. کشف آمریکا وحی و الهامی بود که از آسمان کتاب ابن

رشد بر مغز من وارد شد و توانستم به این هدف برسم.<sup>۱</sup>

### نقش اسلام در تمدن بشری

در اینجا خوب است به عنوان مروری بر آنچه گذشت و این موضوع که نقش دانشمندان بزرگ اسلامی و نقش مکتب حیاتبخش اسلام در تمدن بشری چه بوده و نسل موجود چه میزان از آنها شناخت دارد و چه میزان از آن قدردانی می‌کند، را یادآور شویم.

مکتب اسلام مکتبی عزت آفرین است، ولی گمنام مانده است. این مکتب حیات آفرین در طول تاریخ عمر خود گرفتار دشمنانی از قبیل سلاطین ریاست طلب و خرافات تخریب کننده و خمودگی برخی از مسلمانان و جهل عده‌ای از سردمداران بوده است، و گرنه امروز باید در کل جهان حرف اول را بزند و مکتب و مذهبی غیر از آن در عالم مطرح نباشد. این هفتاد و دو

---

۱. تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۱.



مَلّت شدن مسلمانان و استعمارزدگی ادیان دیگر از ناحیه همان عواملی است که در بالا گفته شد.

### آبادی بتخانه ز ویرانی ماست.

اگر غیرت‌ها برانگیخته شود و اگر اندیشمندان مسلمان ما با دقّت و انصاف به تاریخ برگردند و به جای مباحث کردن به برخی از دیوار کهنه‌ها به عنوان میراث فرهنگی، به سراغ متفکران و مخترعانی بروند که اوّلین و بهترین اختراعات و اکتشافات از آنان نشأت گرفته ولی امروز با نام دیگران و بعضاً با نشان غریبه‌ها می‌شناسند بروند، به یقین وضع ما بهتر از این خواهد شد.

باید بدانیم که مبتکران اصلی صنایع، پدران مسلمان ما بوده‌اند، ولی ما به عنوان وارثانی بی‌مسئولیت، آنان را به فراموشی سپرده‌ایم.



## مروری بر علوم و فنون و حرفه‌ها

### علم ریاضی

علوم ریاضی در میان مسلمانان، گرامی بود بدین صورت که در جبر همیشه اعداد و طریقه شمارشی که مسلمانان اختراع کرده بودند استعمال می‌شد و اصلاً اختراع علم جبر منسوب به مسلمانان است.

جرارد کرمونی می‌گوید:

"کتابی که خوارزمی در علم جبر نگاشته است تحت عنوان جبر و مقابله با نام (الحساب بالرموز) نخستین سنگ بنای تحقیقات فکری ریاضی دانشمندان غربی است که پس از او آمده‌اند."

فیلیپ. گ. حتی، می‌نویسد:

"خوارزمی مردی است که بزرگ‌ترین سهم را در تأثیر فکر ریاضی در قرون وسطی به‌دست آورد.

مثلاً شاخه‌ای از دانش ریاضی است که مسلمانان برای استفاده در اندازه‌گیری‌های نجومی به آن توجه کردند و نخستین گام‌هایی که در زمینه این دانش برداشته شد،

تاریخش به زمان بتانی بر می گردد."

چارلز در کتاب خویش می نویسد:

"دانشمندان ریاضی پس از پانصد سال از مرگ بتانی (مسلمان مبتکر) به اکتشاف ظل که در بحث مثلثات است پرداختند."

جرجی زیدان می گوید:

"در زمینه علوم ریاضی مشهورترین تألیفات اسلامی، کتاب جبر و مقابله خوارزمی است."

حسن بن موسی بن شاکر نیز نخستین کسی است که زاویه را به سه قسمت مساوی بخش کرده و دو خط را میان دو خط متوالی به نسبت (اینطورها) طرح نموده و تا (غیرالنهاییه) برده است.<sup>۱</sup>

---

۱. تاریخ تمدن جرجی زیدان.

## فیزیک

دانشمندی به نام او هنیولد می گوید:

"مسلمانان اعتباری خاص در ایجاد علم فیزیک کسب کرده‌اند و متأسفانه در طول تاریخ بسیاری از کتب اساسی آنها در این مورد به نابودی گراییده و جز اندکی از آنها برای ما باقی نمانده است و همین نمونه‌های کم، اهمیت تحقیقات علمای اسلامی را در این باره به ما نشان می‌دهد."

نقشه‌ای که حسن بن هیشم در علم بَصَرِیَات (آینه‌ها و تلسکوپ‌ها) تنظیم کرده دارای اهمیّت فراوانی در علوم طبیعی است.

چارلز اعتراف می‌کند که:

"این کتاب نخستین تألیفی است که درباره نور و مرئیات نگارش یافته است و در این کتاب مباحثی ارزنده درباره‌ی انعکاس مناظر در آینه‌ها و شکست نور و حجم ظاهری اشیاء و استعمال تاریک‌خانه برای ثبت اهمیّت تصویرهای خورشید نگارش یافته است و همین بحث‌ها بود که به (راجر و بیکن‌ها و کپلر) در اختراع دوربین‌ها الهام بخشید و دانشمندان دیگر در اروپا توانستند با استفاده از این مباحث به اختراع

میکروسکوپ و تلسکوپ ورد نظرات اقلیدس و بطلمیوس  
 بیردازند و (ابن هیثم) نخستین کسی است که تحقیقات کامل  
 درباره‌ی ساختمان چشم و عدسی‌های دوربین به عمل آورده  
 است و همچنین مسلمانان از پیشتازان علم مکانیک بودند.<sup>۱</sup>  
 ابن هیثم را اروپایی‌ها به سبب نامش، "الحسن" می‌خوانند  
 (Alhasen) و برخی از محققان او را در ردیف دکارت  
 شمرده‌اند.

احمد خوارزمی در رساله‌ی خویش توضیحاتی جالب درباره  
 هیدرولیک داده است و عباس بن فرناس قرطبی در قرن نهم  
 میلادی ساعتی با ساختمانی پیچیده ساخت و دستگاهی برای  
 پرواز اختراع کرد.<sup>۲</sup>

### شیمی

اعراب مسلمان با کشف مواد پتاسیم، آمونیاک، نترات نقره

---

۱. تاریخ تمدن اسلام و عرب.

۲. کارنامه اسلام.

و طرز آماده ساختن جیوه، تحوّل در علم شیمی پدید آوردند و همچنین عملاً تقطیر و تبخیر را که از آزمایش‌های مهم شیمی است به کار بستند.

یکی از بزرگ‌ترین شیمی دان‌های مسلمان ابو موسی جابر بن جعفر کوفی است که در نیمه دوم قرن ششم میلادی می‌زیسته است و تألیفات فراوانش به صورت یک دایرة المعارف علمی حقیقی در آمده است. بسیاری از تألیفات جابر به زبان لاتینی ترجمه شده که مهمترین آنها (الاستنام) است که به سال ۱۶۷۱ به فرانسه ترجمه گردید.

زکریای رازی نیز نخستین کسی است که در کتابش (الحاوی) چگونگی ساختن اسید سولفوریک و همچنین الکل را از طریق تقطیر مواد نشاسته‌ای و قندهای تخمیری بیان داشت.

شیمی صنعتی در فنون دباغی، رنگرزی و آب دادن فلزات را بایستی از فنون کمال یافته‌ی مسلمانان دانست.<sup>۱</sup>

---

۱. نقش پیامبران، ص ۱۶۴.

جرجی زیدان می نویسد:

"اعراب (مسلمانان) با پژوهش و بررسی های علمی خویش دانش جدید شیمی را پایه گذاری کردند و (خالد بن یزید) برای اولین بار کتاب شیمی را از مدرسه اسکندریه گرفت و به عربی ترجمه کرد."

دکتر ماکس میرهوف می نویسد:

"در طلیعه دوران تمدن اسلامی قامت یک نفر مسلمان را می بینم که بر علوم قرون وسطی و بر مغرب سایه ای بلند افکنده است. این مرد جابر است که اروپا وی را به نام پدر شیمی می خواند و لابراتوار این مرد بزرگ دوست سال پس از مرگش در خرابه های کوفه پیدا شد.

از جابر هنوز حدود یکصد جلد کتاب در دست است که میزان نفوذ او را در علم شیمی اروپا نشان می دهد."

ابن رشد، دانشمند و فیلسوف بزرگ اسلامی نیز شانزده کتاب درباره ی داروهای گوناگون نگاشت که ترجمه یکی از آنها (کلیات فی الطب) به سال ۱۲۵۵ به نام او ترجمه و چاپ

گردیده است.

مسلمین در بهره‌برداری معادن، آب دادن فلزات، در رنگری، کاغذ سازی، چرم سازی و ساختن سلاح‌های سرد و گرم، برتری خود را قرن‌ها بر مردم اروپا حفظ کردند.<sup>۱</sup>

### علم هیأت

دانشمندی به نام (ابن یونس) که خلیفه فاطمی ریاست رصدخانه‌ای بر فراز کوه مقطم را به او واگذار کرده است، جدول‌هایی دقیق را منتشر کرد که به جای نظریات بطلمیوس در تمام شرق حتی چین رواج یافت.

حسن بن هیشم، با نوشتن کتابی درباره‌ی دوربین‌های آسمانی موجب این شد که نظراتش اساس نظریه‌های علمی (راجر بیکن) و (کپلر) گردید. لازم به ذکر است که بگوئیم او اولین کسی بود که پیشنهاد علمی ایجاد سدّ اسوان را بر روی رود نیل جهت بالابردن سطح آب نمود.

---

۱. کارنامه اسلام.

عبدالرحمن محمد بن احمد بیرونی، در سال ۹۹۷ هجری قمری نزد دربار سلطان محمود غزنوی کار می‌کرد و از کارهای ماندنی او انتشار نقشه‌هایی بود که عرض و طول جغرافیایی شهرهای بزرگ جهان را نشان می‌داد.

تنظیم زیج‌های نجومی یکی از بزرگترین خدماتی است که دانشمندان آسمان‌شناس اسلامی به جهان تمدن بشری انجام داده‌اند و در این زمینه نخست باید از محمد بن موسی خوارزمی، ستاره‌شناس نابغه نام برد.

خدمات دانشمندان اسلامی را در زمینه علم نجوم، مستشرقانی همچون نالینو ایتالیایی-کارادو فرانسوی و... بررسی و معرفی کردند.

گوستاو لوبون فرانسوی می‌گوید:

"اعراب مسلمان نه تنها علم هیئت را به کمال دارا بودند، بلکه جانشینان آنان نیز به گسترش این دانش در همه سوی جهان پرداختند.

و مدرسه عالی و مهم هیئت بغداد از سال ۷۵۰ تا ۱۴۵۰



میلادی یعنی به مدت هفتصد سال دایر بود." <sup>۱</sup>

ابن سینا در علوم طبیعی کتابی در خصوص تشکیل کوه‌ها، سنگها، و مواد معدنی نوشته و تأثیر حوادث طبیعی مانند طوفان، زلزله، باران و اختلاف درجه‌ی حرارت را بررسی کرده است.

از جمله کتاب‌های گیاه‌شناسی که در دنیای اسلام نوشته شده و هنوز شهرت خود را نگه داشته است، کتاب روش دواسازی کهن العطار است.

## علوم طبیعی

گوستاو لوبون می‌نویسد:

"دانشمندان عرب و مسلمان درباره شناخت جماد و نبات و حیوان، نخست از تفسیرها و مشروح کتاب‌های ارسطو بهره می‌بردند و پس از آن خود به پژوهش‌ها و بررسی‌های علمی و طبیعی پرداختند و کتاب‌هایی در این باره نوشتند.

محققان اسلامی در علم گیاه‌شناسی نیز تحقیقاتی

---

۱. تاریخ تمدن اسلام و عرب.

سودمند انجام می‌دادند و مراکزی برای تربیت گیاهان طیّی به وجود می‌آوردند، چنانکه در قرن دهم میلادی در غرناطه و هم چنین در قرطبه باغ‌هایی عالی وجود داشت و گیاهان گوناگون را از همه سوی جهان در آنجا پرورش می‌دادند.<sup>۱</sup>

دانشمندان اسلامی (ابن ابی اصیبعه، ابن سوری، غافقی، و ابن بیطار) شخصاً برای شناخت گیاهان به گردش‌های بیابانی پرداختند و گاهی آنها را نقّاشی می‌کردند و برای اوّلین بار مسئله مجموعه‌ی نباتات محلیّی به وسیله آنان مطرح شد.<sup>۲</sup>

برخی از نویسندگان اسلامی کتاب‌هایی راجع به سنگ‌ها، خاصه سنگ‌های قیمتی ترتیب داده‌اند که بعدها در اروپا ترجمه و تقلید شده است و دانشمندان اسلامی در این باره به حدّی متبحّر بودند که هنوز هم نام برخی از سنگ‌ها به همان زبان عربی و فارسی در السنه‌ی خارجی باقی مانده است مانند کامفور

---

۱. تاریخ تمدن اسلام و عرب.

۲. کارنامه اسلام.

که ایرانی‌ها به آن کافور می‌گویند.

دانشمند بزرگ دیگری به نام مسعودی در کتاب گرانبهای ارجدار خویش راجع به زلزله، آسیاب‌های بادی و فرضیه تکامل تدریجی سخن رانده است.

عبداللطیف بغدادی<sup>۱</sup> طی مسافرت خود به قاهره بررسی‌هایی درباره‌ی قحطی‌ها و زلزله‌های مصر به عمل آورد و مطالعاتی درباره‌ی استخوان‌شناسی انجام داد و اشتباهاتی که (گالن) در مورد استخوان فکّ اسفل کرده بود را تصحیح نمود.

در علم کشاورزی هم کتاب (فلاحة النبطیه) ابن وحشی نگارش یافته و مهم‌تر از آن (الفلاحه) ابن عوام است که مجموعه‌ای است علمی و فنی و مؤلف آن به ششم هجری در

۱. موفق الدین عبداللطیف بن یوسف بن محمد بن علی بغدادی معروف به ابن بلاد و ابن نقطه، در سال ۵۵۷ ق در شهر بغداد دیده به جهان گشود. وی از فلاسفه اسلامی و از پرکارترین و پرتالیف‌ترین نویسندگان در زمینه فلسفه، روان‌شناسی، طب، تاریخ، جغرافیا و ادبیات است. وی نزد پادشاهان و امراء موقعیت ارزنده‌ای داشت.

اشبیلیه‌ی اندلس می‌زیسته. وی با استفاده از بررسی‌های علمی و تجارب شخصی خود از انواع خاک، کود، پیوند، آب، طرز غرس اشجار و طریقه‌ی آبیاری سخن گفته و تعجب این است که در آن زمان برخی مسایل دقیق علمی همچون حرکت شیرهی نباتی در اندام گیاه و تفاوت نباتات نر و ماده و لقاح مصنوعی گیاهان مطرح نبوده است.<sup>۱</sup>

### پزشکی

پس از علوم شیمی و ریاضی، مسلمانان در علوم طبّی و پزشکی با استفاده از مبانی اسلام و رهنمود راهنمایان دین قدم‌های مبتکرانه‌ای برداشته‌اند که دنیا را مبهوت و مدیون خویش نمودند و باید گفت اساس تمامی علوم پزشکی را چند نفر از دانشمندان دینی پایه‌گذاری کردند که از آن جمله ابوعلی سینا، ابوالقیس، ابوزهر و زکریای رازی می‌باشند که در طول قرن‌ها، علم آنان (کتب آنها) مطالب آموزشی دانشگاه‌های اروپا

---

۱. کارنامه اسلام.

را تأمین کرد.

کتاب (قانون ابن سینا) در طبّ در سال ۱۵۹۳ به زبان عربی در پنج جلد در رُم منتشر شد. این کتاب که حاوی مباحثی از قبیل فیزیولوژی، بهداشت شناخت بیماری‌ها و داروها بود و از قرن ۱۲ تا ۱۹ محور تدریس در دانشگاه‌های فرانسه و ایتالیا بود. حتّی بعداً به زبان غیر عربی نیز چاپ شده و تدریس گردید. گسترش فن جراحی، معالجه و عمل جراحی چشم در بیرون کشیدن آب مروارید از عدسی چشم و خروج سنگ مئانه، تصفیه خون و عمل بیهوشی از جمله بهره‌هایی است که از این کتاب گرفته شد.

ابن رشد<sup>۱</sup> چهره شهیر دنیا، شرحی بر کتاب قانون ابن سینا نوشت و تألیفات طّبی جالینوس دانشمند یونانی را شرح کرد. کتابی به نام کلیات که چندین بار در اروپا تجدید چاپ شد از اوست، سوزن بخیه جراحی از اختراعات اوست.

---

۱. ابوالولید محمّد بن احمد فیلسوف معروف قرن ششم و از حکمای مشهور اسلام است.

گوستاو لوبون می نویسد:

"مسلمین بیمارستان‌های وسیع و مجهزی داشتند که آب و هوای نیکو و پاکیزه‌ای داشت و از بیمارستان‌های فعلی نیز در مورد رعایت اصول بهداشتی مرفقی‌تر بود. در رعایت این اصول دانشگاه سالرنو را در زمینه‌ی کسب بزرگترین افتخارات علمی اروپایی به دانشمندان اسلامی مدیون ساخته است."

دانشمندی به نام هیر شِرک آلمانی می گوید:

"اهمیت کارهای مسلمین در باب طبّ و مسایل پزشکی بی‌سابقه بوده است. وفور پزشکان معالج به قدری بود که در اوایل قرن چهارم تنها در شهر بغداد فقط تعداد ۸۶۰ پزشک زندگی می‌کرد."

در سال هزار میلادی دانش چشم پزشکی در بین مسلمین ترقی تمام یافت و مردانی همچون علی بن عیسای بغدادی و عمّار موصلی رساله‌هایی در این باره نگاشتند که به لاتین ترجمه شد.

## جغرافیا

مسلمانان، فرزندان قرآنی هستند که مکرراً دستور به سیر و سیاحت در جای جای زمین می دهد و می گوید:

(فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ)؛<sup>۱</sup>

در زمین سیر و سیاحت کنید پس نظاره کنید که چگونه است عاقبت کسانی که تکذیب کرده و حقایق دین را دروغ پنداشته اند.

مسیورونان می گوید:

"تشنگی مسلمانان برای مسافرت و سیر و گردش، از بزرگترین مزایای خوی آنها بوده و فرمان جهانگردی و جهان بینی امتیازاتی بر این حقیقت بیفزود و در نتیجه مسلمانان تمدن بزرگی به وجود آوردند و این حرکت و جنبش در اروپا نیز اثری ژرف به جای گذاشت و نشاط و عشق به مسافرت و دریانوردی که در قرن های پانزده و شانزده در اسپانیا و پرتغال پدید آمد، زاینده همین حرکت مسلمانان

بود."۱

مسعودی، صاحب مروج الذهب، که در قرن پنجم هجری سراسر امپراطوری اسلامی را سیر کرد و به علاوه به سیلان و ماداگاسکار و زنگبار سفر نمود و در کتاب ارزنده اش مروج الذهب مشاهدات خود درباره‌ی اوضاع جغرافیایی و اجتماعی و سیاسی را به طور کامل تدوین نمود.

ابن حوقل، ابن بطوطه، ابوریحان بیرونی نیز کتبی ارزنده که حاصل سفرهای ارزشمندشان بوده را به یادگار گذاشته‌اند و با صراحت می‌توان گفت همین سیاحت‌های جغرافیایی الهام بخش کشف قاره آمریکا بود.

کریستف کلمب می‌نویسد:

"ابن رشد دانشمند اسلامی از کسانی است که نظریه‌ی وجود دنیای جدید او را در کشف آمریکا به کار بردم و موفق شدم."

اطلاعات جغرافیایی مسلمین محدود به سرزمین‌های اسلامی

---

۱. نقش پیامبران، ص ۲۰۷.



نبوده، بلکه سرزمین‌های دور دست بیگانه مانند چین، کره، هند و حتی ژاپن را نیز می‌شناخته‌اند و کتاب (تحقیق ما للهند)<sup>۱</sup> ابوریحان بیرونی تنها بحث جغرافیایی نیست، بلکه مجموعه‌ای از همه‌ی معلومات سودمند درباره‌ی هند است.

ابن بطوطه، دیگر جهانگرد نامی اسلامی از سال ۱۳۲۵ میلادی شروع به گردش کرده است. وی، آفریقای شمالی، فلسطین و عراق و ایران و روسیه و قسطنطنیه تا بخارا، خراسان، هند، سیلان، سوماترا<sup>۲</sup> و جاوه<sup>۳</sup> را پیموده و به پکن رسیده است. این سفر ۲۴ سال طول کشیده و سپس تا اندلس سیر کرده و به اروپا راه یافته و سفرنامه‌ی او از مهم‌ترین کتب جغرافیایی به شمار می‌رود.

۱. تحقیق ما للهند من مقوله مقبوله فی العقل او مردوله؛ کتابی است نوشته ابوریحان بیرونی، درباره‌ی گذشته و فرهنگ هند است.
۲. جزیره سوماترا؛ ششمین جزیره بزرگ جهان و بزرگ‌ترین جزیره‌ای است که تمام خاک آن در کشور اندونزی قرار دارد.
۳. جاوه؛ یکی از جزایر کشور اندونزی است.

## تاریخ

کتب تاریخی فراوانند و نویسندگان مسلمان با اطلاع و صداقت تاریخ نگاری کرده‌اند. ده‌ها و صدها مورخ معتبر از طایفه‌ی بزرگ مسلمانان در جمع تاریخ نویسانند و اتفاقاً گفته شده آغاز تاریخ نویسی در عصر امویان و توسط ابامناف صورت گرفته است که مسعودی در کتاب تاریخی خود مروج الذهب به اطلاعات او استناد کرده است.

مورخین و تاریخ نگاران اروپایی تحقیقات تاریخی را از تاریخ نویسان عرب گرفته‌اند. نام‌های درخشان‌ی در میان تاریخ نویسان عرب می‌درخشد که تاریخ هرگز نمی‌تواند آنها را محو کرده و از یاد ببرد.

ابوجعفر محمد بن جریر طبری صاحب کتاب تاریخ طبری از جمله آن نامداران است؛ الحسن علی مسعودی که در پایان قرن نهم در بغداد زندگی می‌کرد، پس از طبری، افراد صاحب نام دیگری در تاریخ نگاری شهرت پیدا کرده‌اند.

دانشمندی با نام آنان می گوید:

"مسعودی، از پیشگامان نقد تاریخی و ایجاد سبک‌های نوین فن تاریخ است و او توانسته در سایه‌ی ابتکار و درک فطری خویش پرتو تازه‌ای بر صحنه تاریخ سیاسی و اجتماعی عصر خویش بیفکند و او در مجلدات بیست گانه خود کوشش‌های تاریخی خویش را تحت عنوان «اخبار الزمان» نمودار ساخت."

ابن مسکویه از چهره‌های ماندگار جهان تاریخ و تاریخ نگاری است که صاحب کتاب تاریخی و گران سنگ "تجارب الامم" است.

احمد بن محمد مکاری، اسپانیایی و مسلمان کتابی تحت عنوان "منتخبات" دارد که در سال ۱۸۵۵ نگاشته است.

فضل الله رشیدالدین همدانی از بزرگترین تاریخ نویسان مسلمان شمرده می‌شود و کتابش به نام "مجمع التاریخ" در ۱۴ جلد در سال ۱۱۳۰ چاپ شده است.

در مورد محمد بن جریر طبری که نامش گذشت نقل

می‌کنند به مدت چهل سال هر روزی چهل صفحه تاریخ نگارش می‌کرد.

مسیو کاترمر می‌نویسد:

"بیانات جالب مسعودی، این مورخ مسلمان در مسایل غامض تاریخی، به حقیقت حیرت آور است و چنین بر می‌آید که وی علاوه بر احاطه‌ی تاریخی بر کتب عرب، از تاریخ روم، یونان و تواریخ جدید و قدیم اقوام شرقی به خوبی آگاهی داشته است."<sup>۱</sup>

تاریخ‌های عمومی همچون تاریخ ابوالفرج، تاریخ ابن خلدون، مقریزی تاریخ یعقوبی، تاریخ ابن خلکان، ابن مسکویه، بیهقی، واقدی، خطیب بغدادی و سبط بن جوزی صاحب کتابی به نام "مرآت الزمان" در چهل مجلد، همه و همه از قلم تاریخ نگاران بزرگ و پرتلاش تاریخ اسلام و مسلمین می‌باشد.

---

۱. تاریخ تمدن اسلام و عرب.

## هنر

هنر و هنرمندی از موهبت‌های خدادادی است که مسلمانان از این موهبت بهره‌های زیادی داشته و گرچه در حوادثی همچون حمله هلاکوخان مغول به شهر بغداد بسیاری از آن یادگاری‌های به نمایش گذاشته شده در هم ریخت، لکن آثارهای از آن همچنان باقی است، قسمتی از آنها بر تارک ایوان‌های اسلامی و معماری‌های مساجد و کلیساها همچنان می‌درخشد.

امیل مالی دانشمند اروپایی می‌گوید:

"طاق‌ها و ایوان‌ها و قوس‌های مثلثی و نعل اسبی و سنگ‌های نیم دایره‌ای رنگارنگ که در بناهای مسیحی اسپانیا به چشم می‌خورد، بر اثر تصادف به وجود نیامده بلکه این نمودارهای زیبا و شکوهمند، یاد اندلس و هنرمندان اسلامی را در خاطره‌ی ما زنده می‌کند."<sup>۱</sup>

ف.ریبر اروپایی می‌گوید:

"هنر نقاشی و طلاکاری هنرمندان تُرک مسلمان از طریق

۱. نقش پیامبران، ص ۲۱۷.

ترکیه به اروپا راه یافت و تا شمال این قاره پیش رفت و علت انتشار این فنون و هنرهای اسلامی، مسافرت بازرگانان و پخش کالا و صنایع ممالک اسلامی از سوی جنوب به شمال اروپا بوده و این گسترش فنی از مهاجرت ترکان مسلمان به سرزمین غرب پدید آمد.<sup>۱</sup>

ا.ه. کریستی می نویسد:

"هنرها و نقش و نگارهای مسلمانان به قدری با روح بود که بیشتر به مواهب طبیعی شباهت داشت تا تزئینات مصنوعی. آثاری که از هنرمندان اسلامی باقی مانده به قدری نقش‌های آن با مهارت و تردستی ترسیم شده است که انسان گاهی گمان می کند که این اشیاء و رای ساختمان خود دارای روحی اسرارآمیز است."

او می گوید:

"در مقابل چشمان متفکر شرقی، یک مینیاتور زیبا همانقدر بهجت آور است که یک قطعه موسیقی زیبا به گوش مردان مغرب زمین."

---

۱. نقش پیامبران، ص ۲۲۱.

قالی زیبا و گرانهای مقبره‌ی شیخ صفی در اردبیل به مساحت سیصد و هشتاد فوت مربع از سی میلیون گره کوچک ترتیب یافته و اکنون در موزه‌ی ویکتوریا آلبرت به صورت نفیس‌ترین اشیاء هنری مسلمانان موجود است.

مسلمانان در فن منبت کاری و عاج هم مهارتی عجیب داشتند، چنانکه میز کلیسای سن اینریدور دولئون و صندوقچه عاجی که در قرن یازدهم برای پادشاه اشبیلیه ساخته‌اند و نیز جعبه‌ای از عاج متعلق به کلیسای بایو که در قرن دوازدهم ساخته شده است، دلیلی گویا بر صدق این ادعاست.

وجود کارخانه کاشی‌سازی میورنه در شرق اندلس به دلیل آن است که ایتالیایی‌ها فن کاشی‌سازی را از مسلمین آموخته‌اند.<sup>۱</sup>

---

۱. نقش پیامبران، ص ۲۴۴.

## علوم اجتماعی سیاسی

جمله‌ی معروف مدینه‌ی فاضله که بعضاً از زبان غربی‌ها هم شنیده شده، از جملات معروف فارابی از دانشمندان مسلمان و پس از آن ابن‌سینا بزرگترین فیلسوف اسلامی است. او مطلب افلاطون را که معتقد به زندگی انسان در محدوده‌ی اجتماع است شرح داده و کتابی تحت همین عنوان (مدینه فاضله) نوشته است. بهترین جمع‌آوری‌ها برای بهبود زندگی اجتماعی سیاسی را دانشمندان نافذالکلام مسلمان با سه زبان عربی، فارسی و ترکی نگارش نموده‌اند. آنان بحث تشکیل حکومت اسلامی که بحث اصیل اسلامی است را مطرح و در این راستا نظرها داده‌اند.

جک ریسلر<sup>۱</sup> می‌نویسد:

"کسی نه از اعراب و نه از اروپاییان، نتوانسته است قبل از ابن‌خلدون وجهه‌ی نظری که متضمن فلسفه تاریخ و مضمون حقیقی آن باشد پدید آورد و حتی منتقدین اسلوب ابن‌خلدون معتقدند که او بزرگترین مورّخی است که در دامان

۱. شرق شناس فرانسوی.



اسلام پدید آمده و در همهی روزگاران بی‌همانند بوده است.<sup>۱</sup>

به عقیده‌ی ابن خلدون، تاریخ جزئی جدا نشدنی از فلسفه است. او می‌گوید: ما هنگامی که در تاریخ می‌نگریم آن را جوهره‌ای از تحقیقات و جستجوهای علمی و فکری می‌یابیم. وی درباره حکومت می‌گوید:

"دولت، بازرگان بزرگی است که بایستی بازرگانی خویش را به برابری بین مردم تقسیم کند و همین برابری موجب حیات اجتماع و آرامش و امنیت آنهاست و اگر این برابری و مساوات به صورت ستم در آید و نابرابری‌هایی پدیدار شود اساس دولت و حکومت متزلزل می‌گردد. اسلام برای تشکیل سازمان‌های اجتماعی خود سه اصل را مورد توجه قرار می‌دهد: ۱- خدا ۲- قانون ۳- اجتماع. و معتقد است که توحید در نخستین مرحله به روح انسانی حیات جاودانگی می‌بخشد."

ژان-ژاک روسو<sup>۱</sup> می‌گوید: "قوانینی لازم الاجراست که منشأ آن مقدس باشد."<sup>۲</sup>

مونتسکیو<sup>۳</sup> نیز می‌گوید: "قوانین نیز باید با مذهب مردم و تمایلات آنها موافق و منطبق باشد."<sup>۴</sup>

گوستاو لوبون فرانسوی می‌گوید:

"تمام نظام‌های سیاسی و تدابیر اجتماعی از آغاز تاریخ تا کنون، برای عقاید دینی پدید آمده است."<sup>۵</sup>

فن گروبنام مورخ اروپایی می‌گوید:

"پیغمبر اسلام دین و دولت را به هم آمیخت و قوانین اسلام هم متضمن مبانی احترام به حقوق اجتماعی است و هم طاعت و

---

۱. متفکر سوئیسی، در سده ۱۸ و اوج دوره روشنگری اروپا می‌زیست.

۲. قراردادهای اجتماعی.

۳. یکی از متفکران سیاسی فرانسه.

۴. روح القوانين.

۵. تطور الملل.

عبادت خدا و فرمان آسمانی او شامل دین و سیاست است.<sup>۱</sup>

## آبادی بتخانه ز ویرانی ماست.

حال بینیم علل ویرانی ما که باعث آبادی دشمنانمان شده، چیست؟

### ۱- خود باختگی دانشمندان غیر اندیشمند؛

جمعی از افراد درس خوانده ولی خودباخته را در صف دانشمندان اسلامی قرار داده‌ایم که از خود بیگانه و به دیگران وابسته‌اند. البته اینان با جیره و مواجند، ولی گاهی حتی عدّه‌ای بدون جیره و مواج خدمتگزار حلقه به گوش بیگانه‌اند.

آری، همان کسی که امروز به نام استاد دانشگاه چون مطالب علمی ندارد و چون مطالعه نکرده، می‌خواهد وقت کلاس را پر کند، با شنیدن چند بار استاد استاد، خودش را گم کرده و درباره همه چیز می‌خواهد نظر بدهد و حتی درباره مسایل تخصصی

---

۱. کتاب وحدت و تنوع در تمدن اسلامی



اسلام اظهار نظر می‌کند! و دانشجوی بی‌گناه و بی‌تجربه هم برایش کف می‌زند و چون جوابی نمی‌داند، تسلیم شده و یا به خاطر نمره، دم بر نمی‌آورد.

## ۲- سادگی برخی علمای دینی؛

برخی از علمای دینی به خاطر خصلت ساده‌لوحی، زود باورند و همه چیز از همه کس را حمل بر صحت می‌کنند، در حالی که «حمل بر صحت»، جایگاهش جامعه دینی است نه دنیای ضد دین و بعضاً لائیک که در برخی از مواقع درباره اصولی‌ترین و تخصصی‌ترین علوم نظر می‌دهند.

## ۳- کوچک شمردن دشمن؛

می‌گویند کوچک شمردن دشمن عقلانی نیست ولی در عین حال می‌بینیم جمعی از خوش باوران، گولِ خط و خال دشمن را می‌خورند و از سمّ درون او بی‌خبرند و او هم که طبیعتش نیش زدن است، از ره کین و به اقتضاء طبیعت خود، در موقع لازم نیش خودش را می‌زند.

#### ۴- عدم شناخت اسلام؛

اسلام آیینی است که پایان دهنده همه ادیان و در برگیرنده همه احکام الهی است، همان که کتابش (قرآن مجید) حاوی تمامی رطب و یابس<sup>۱</sup> عالم است، همان که معارف کل ادیان گذشته را در بر دارد، همان که باطل به آن راه ندارد و همان که اخبار گذشته و حال و آینده را در خود دارد. آری این چنین آیینی را اگر انسان شناسد و دستورات حکیمانه خدای این دین و آینده نگری کتاب آن را نداند، مسلماً ره به بی‌راهه خواهد برد.

#### ۵- فاصله گرفتن از خاندان وحی؛

خداوند برای بشر پس از پیامبر خاتم، ائمه‌ای را با همان شرایط پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انتخاب کرده که حقایق عالم را می‌دانند و از گذشته و آینده جهان هستی با خبرند. فاصله با آنها یعنی غرق شدن، یعنی جدا شدن از نجات‌غریق‌های دلسوز و نهایتاً به سراغ

---

۱. وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (هیچ تر و خشکی نیست، مگر آنکه علم آن در کتاب مبین ثبت است). انعام، آیه ۵۹.

دیگران رفتن و گمراه گشتن.

## ۶- خط بازی‌های بی تفکر؛

در دنیا جریانات فکری فراوان بوده و هست و عدّه‌ای کورکورانه به دنبال آن جریانات در حرکت‌اند و برای پیروزی یا شکست در آن خوشحال شده یا غصه می‌خورند و قسمت عمده‌ای از عمرشان را صرف این جدل‌ها می‌نمایند. این پیروی کردن‌ها که به دنبال خطوط غیر وابسته به دستورات آسمانی است، یکی از عوامل عقب ماندگی مسلمان‌ها است.

## ۷- رفاه زدگی؛

توجه بیش از اندازه به تجملات و عیش و نوش‌ها و استفاده از صنعت پر زرق و برق ساخته دست دشمنان و اسراف نمودن و در حقیقت اسراف به همراه تقلید کورکورانه‌ی برخی از ما مسلمانان، به جای اینکه به صنعت یا محصولی ببالیم که از تولید تا مصرف آن از خودمان باشد، از تولید دیگران مصرف می‌کنیم و به آن افتخار هم می‌نماییم و عملاً مُبَلَّغ کالای بیگانه می‌شویم!

## ۸- خود ناباوری؛

مسائلی از قبیل خودکم‌بینی و احساس ضعف، از جمله گرفتاری‌های مسلمانان است. عدّه زیادی از مسلمین از داشته‌های خود غافل‌اند و یا خود را به غفلت می‌زنند و همیشه در منطق آنها مرغ همسایه غاز دیده می‌شود، لذا همواره درجا می‌زنند. برای چنین ملّتی بیگانگان فرش قرمز می‌گسترانند. در نتیجه نبوغ و استعداد درونی آن‌ها شکوفا نخواهد شد و همیشه علی‌رغم امکانات بالقوه‌ای که دارند، خود را محتاج دیگران می‌بینند. اسلام به عنوان مکتبی حیات بخش می‌فرماید: اگر کسی آب و خاک داشته باشد و در عین حال فقیر و نیازمند باشد، از رحمت الهی هم رانده خواهد شد.

## ۹- فساد گرایی؛

گرایش به فسادی که دیکته شده‌ی جهان غرب است، انسان‌های پاک باخته را از اوج قدرت به حضيض ذلّت و خواری می‌کشد. مراکز فسادى که شب و روز تولید مسائل تحریک آمیز غریزه جنسى می‌کنند، از انسان حیوان تولید

می کنند.

## عوامل عقب ماندگی مسلمین چیست؟

دشمنان اسلام و مسلمین در مقابل آن همه خدمات علمی که از ناحیه‌ی مسلمانان نسبت به آنها شده و به اعتراف تمامی دانشمندان آنان هر آنچه از علوم و فنون دارند از اسلام و مسلمانان است، هرچه بدی داشتند به‌سوی ممالک اسلامی سرازیر کرده‌اند که هنوز این پراکندگی و فساد ادامه دارد، همانند آنانی که نمک خورده و نمک‌دان می‌شکنند.

## ترفندهای غرب برای جهان اسلام

بد نیست به طرح‌هایی که دشمنان تا کنون در جهان اسلام پیاده کرده‌اند اشاره کنیم؛

➤ سرقت سرمایه‌ها

آنان ثروت کشورهای هم‌چون هندوستان را به غارت برده‌اند تا مردم آن سامان در فقر و فلاکت بمانند و دستشان برای



کممک پیش آنان دراز باشد و بدین وسیله بتوانند حاکمیت بر آنها را داشته باشند.

### ➤ اغفال پادشاهان

پادشاهان و حاکمان مناطق اسلامی را به فساد اخلاقی سوق داده و آنان را به شراب و فحشاء آلوده کردند تا به قول معروف کدخدا را دیده و ده را بچاپند!

### ➤ افساد در جوانان

با اعزام زنان هرزه، جوانان جامعه اسلامی همچون اسپانیا و جاهای دیگر را به خلاف آلوده کرده و این چنین توانمندان را ناتوان کرده و از پا در آوردند و بر کشورشان مسلط شدند.

### ➤ کشتار مسلمانان

به بهانه‌های مختلفی اجتماعات مسلمان را به خاک و خون کشیده و به خصوص شیعه را قتل عام کردند تا اینکه آنها از دین و آیین خود یا از مکتب آزادی بخش اسلام و تشیع دست بردارند که هم اکنون این ماجرا درباره مسلمانان فلسطین و

منطقه غزه و شیعیان لبنان ادامه دارد.

از غرب و اروپایی که اینچنین در دنیا هرزگی می کند و ملتی هستند که به اعتراف خودشان از هر پنج فرزندشان یکی نامشروع است، کاری غیر از این توقع نمی رود. جوانان ما که سرشتشان پاک است باید به هوش باشند و مطالعه‌ای درباره دشمنان نابکار خود داشته باشند.

### آیین نامه صادره از سوی اروپاییان

- ۱- ما باید مسلمین را فقیر و ضعیف قرار دهیم تا به دلیل احتیاج، دستشان به سوی ما دراز باشد.
- ۲- باید زنان مسلمان را از زیر چادر بیرون بیاوریم و جوانان را تحریک کنیم تا راه برای ما باز شود.
- ۳- باید مسلمانان را از ترقیات علمی باز بداریم تا همواره چشمشان به دروازه‌های ما باشد.
- ۴- باید خود را همواره برترین افراد روی زمین قلمداد کنیم که دیگران در این جهان عرض اندام نکنند.

- ۵- باید مسلمین را با آشوب همیشگی و جنگ‌های منطقه‌ای و محلی و قبیله‌ای و حتی مذهبی به جان هم بیاندازیم.
- ۶- باید مسلمین را به علماء و رهبران مذهبی بدبین کنیم.
- ۷- باید روش اسپانیا که به وسیله شراب و فساد و فحشاء و اعتیاد به مواد مخدر کشورشان را گرفتیم، در مناطق دیگر نیز به کار بیندیم و آنها را از پا در آوریم.
- ۸- باید شبهه پراکنی کرده و مسلمین را از مبانی دینی دور کرده و یا این که شبهه در دلشان ایجاد کنیم و دعوت به ادیانی همچون مسیحیت و یهودیت و... را سرلوحه‌ی کارمان قرار دهیم.
- ۹- باید مذهب بسازیم و همه را سرگرم مذاهب ساختگی و جعلی نماییم.

### اما راه‌های نفوذ استعمارگران

#### ۱- تحریم کشورها

استعمارگران انگلیسی، هندوستان را در قحطی و سختی و



فقر نگه داشتند تا در تیول آنان و تحت استعمار آنان باشد و برای این کار از کشتی‌های منطقه بنگال که زراعت برنج آنان را برای فروش جابجا می‌کرد جلوگیری کردند و نظر به اینکه خوراک اکثر آن مردم برنج بود، از تجارت برنج محروم ماندند و این باعث از بین رفتن صدها هزار بنگالی شد. فقط جرم مردم منطقه این بود که زیر بار سربازی انگلیس نمی‌رفتند.

ویلیام جینسون یکی از وزرای انگلیسی می‌گوید:

"ما هند را برای نفع رساندن به ملتش اشغال نکردیم، بلکه ما هند را فتح کردیم که بازار فروش برای اجناس خود به دست آوریم. ما برای به‌دست آوردن بازار پارچه (لنکیشر) هند را تعریف کردیم.

هند اجناس ما را مصرف می‌کرد. ملت انگلیس ملتی نافهم‌تر از هند پیدا نکرد که اجناس خود را بر آن‌ها تحمیل کند و خسارت‌های خود را نیز بر آن بیفزاید! ملت هند اجناس ما را مصرف می‌کرد و مالیات خود را برای مخارج انگلستان می‌پرداخت. اصلاً منطق دولت بریتانیا این بود که باید ملت‌های مستعمره را عقیم کرد تا فرزند نیاورند!"

## ۲- تضعیف مسلمانان و تقویت اسرائیل توسط آمریکا

ریس جمهور وقت آمریکا که نطق انتخاباتی می کرد با پشتیبانی قاطع از یهودیان صهیونیست، قلب نزدیک به یک میلیارد مردم مسلمان را جریحه دار کرد و سرزمین فلسطین را به یهودیان غاصب واگذار نمود که هنوز که هنوز است قریب یک میلیون نفر از مالکان و ساکنان آن دیار در بیابانهای دنیا متفرق و بی سر و سامانند.

در جای دیگر مسلمانان الجزایری توسط فرانسه به خاک و خون کشیده شدند و آمریکا آرام بود و حتی به فرانسه کمکها کرد تا اینکه در تاراج مَلت الجزایر راحت تر باشند!

## دلیل کشور گشایی ها چه بود؟

جمعی از دولت های بزرگ استعمارگر که کشورها را غارت کرده و کشور گشایی کرده اند، برای پهناور شدن حیطه حکومتشان بوده و اگر چه بعضی از این مناطق فتح شده آبادانی قابل اعتنایی هم نداشته، اما دیوانگی و فزون طلبی آنان باعث

می‌شد که کشورهایمانند هند و پاکستان و... را به‌قول خودشان در تصرف خود قرار دهند، تا ادعای کدخداگری این دهکده جهانی را از آن خود داشته باشند.

مستر بالدوین سیاستمدار انگلیسی می‌گوید:

"نفوق نژادی به این است که قدرت را به چنگ آورده و افکار و انظار را متوجه خود سازند."

گوینده این سخن سه بار به پست نخست وزیری انگلیس دست یافته و با چنین تفکری بر قسمتی از جهان حکومت کرده و در حقیقت او دارای چنین تفکری است که شرف را با بی‌شرفی باید بدست آورد.

استاد جود می‌نویسد:

تکبر و خود فروشی بریتانیا طبقه حاکمه انگلیس را وادار کرد که نقشه‌های خطرناک جنگی بکشند که با ادعای صلح و دوستی باطل سازگار نیست.

کشورهای استعمارگر هر کدامشان منطقه‌ای از جهان را گرفته و زیر سلطه خود آورده و سپس با کشورهای دیگری که آنها هم استعمارگرند دعوا کرده و خود را ذیحق‌تر از آنان

می‌دانند! این درست مانند آن گروه دزدی است که مال مردم را شبانه دزدیده‌اند و سپس بر سر تقسیم آن هر یکی خود را ذیحق‌تر می‌داند.

دانشمند پاکستانی محمد اقبال می‌گوید:

"جنگ دولتهای بزرگ مانند جنگ کفن دزدان است.

می‌خواهند کفن‌ها را عادلانه تقسیم کنند."

جود، استاد انگلیسی می‌گوید:

"جنگ‌هایی زیر نظر سازمان ملل متحد صورت می‌گیرد

و به صورت ظاهر برای اجرای عدالت بین ملت‌ها است، ولی

چنین نیست که پلیس بین‌المللی دست ظالم را بگیرد و

متجاوز را سرکوب نماید."

## خدمات استعمارگران به ملت‌ها

یکی از سیاستمداران غربی که اندکی انصاف به خرج داده است، می‌گوید:

"استعمارگران اروپایی نظری به ترقی اخلاقی و دینی به مستعمرات خود ندارند و نمی‌خواهند مستعمرات خود را با اخلاق و دین صحیح آشنا سازند. این حقیقت از گفتار دولت و رجال سیاسی انگلستان روشن می‌گردد."

## نوع خدمات بیگانگان به ملت‌ها!

### نابودی ملت‌ها

۱- نابود ساختن ملت‌ها به وسیله گسترش شرابخوری، رواج بی‌بندوباری، قمار، زن‌های هرزه و مواد مخدر از سوغات دنیای غرب و از خدمات استعمارگران است.

روزنامه دیلی میل می‌نویسد:

"ملت‌هایی که چندین سال زندگی مرفه و مرتبی داشتند وقتی روشنی اروپا را دیدند در مصیبت خوشگذرانی افتادند.



و هرگاه احوال آنان را مشاهده می‌کنیم از خود سؤال می‌کنیم آیا این ملت غرب در افکار خود نابود شده‌اند؟! آیا یک نفر اروپایی هست که بگوید: من بازرگان دریایی و یا مبلغ دینی بوده‌ام و فایده کوچکی به این ملت‌های اسیر دست اروپا رسانیده‌ام!؟

نه تنها بازرگانان ما نفعی به ملل ضعیف نرسانده‌اند بلکه شرابخوری و امراض مختلف را در ممالک ضعیف به ارمغان برده‌اند."

میچر ریچارد ریک عضو پارلمان در کنگره بائیل هوس لندن گفت:

"مطلبی مهم‌تر از تجارت شراب در فلسطین نیست. در بیت المقدس ۲۵ شراب فروشی آزاد وجود داشت و به مرور زمان تا ۴۰۰ مغازه افزایش یافت و مجموع شراب فروشی‌های فلسطین ۹۷۰ مغازه بود و سه کارخانه شراب سازی وجود دارد و آثار و نتایج شراب روز به روز افزوده می‌شود."

۲- دوری از انسانیت به خاطر صنعتی بودن؛

دیزل راییلی می‌نویسد:

"اروپا تعادل بین علم و اخلاق دنیا و معنویت را از بین

برده است. سیر علم، صعودی و سیر اخلاق نزولی است و این سیر، شکاف عمیقی بین علم و دین و اخلاق انداخته است و آن قدر فاصله گرفته است که گویا از اخلاق و دین خبری نیست."

### ۳- قساوت قلب؛

اروپا در حیوانیت گوئیا گوی سبقت از حیوانات درنده ربوده و با وجود همه‌ی پیشرفت‌های صنعتی، از نظر اخلاق و اعتقادات از اصول اولیه‌ی زندگی فاصله گرفته است. به گفته یکی از دانشمندان، اروپایی‌ها از نظر صنعت و تکنیک زمین را گرفته و اخیراً ماه و فضا را بناست تسخیر کنند، اما با همه این دارایی‌ها همچون کودکی که در خزانه پر از جواهرات باشد و نمی‌داند که باید چه کند، فقط با آن همه جواهرات بازی می‌کند.

دانشمندی به‌نام استاد جود که انگلیسی است، می‌گوید:

"علوم طبیعی، قدرت‌های خدایی به ما داده است، ولی ما با عقل بچه‌گانه و وحشی‌گری خود، از آن بهره برداری می‌کنیم! فاصله اخلاق و پیروزی‌های علمی ما شگفت‌انگیز و خجالت‌آور است."

یک نفر فیلسوف هندی هنگامی که عجایب تمدن اروپا را برایش شرح می‌دادم که اتومبیل‌ها می‌توانند سرعت روی زمین در هر ساعت ۳۰۰ تا ۴۰۰ مایل پیمایند و هواپیماها فاصله مسکو تا نیویورک را در ۲۰ تا ۵۰ ساعت می‌پیمایند، آن فیلسوف به من گفت: شما مانند پرندگان، در هوا پرواز می‌کنید و مانند ماهی زیر دریا می‌روید ولی تاکنون آداب راه رفتن روی زمین را نیاموخته‌اید!!

۴- تقسیم جهان به جهان اول و سوم؛

از ما بهترانی که روزی چشمشان به دست ما بوده و نوکیسه‌هایی که زمانی گدای علم و صنعت جهان اسلام بودند، امروز گداهای متکبری شده‌اند که نمی‌خواهند یادی از گذشته خودشان نمایند و بر همین اساس خود را ملقب به مردم جهان اولی و ما را جهان سوم لقب داده‌اند.

برای روشن شدن فرهنگ خودبرتر بینی جهان غرب و اروپا، خوب است سری به سخنان بعضی از دانشمندان با انصاف آنها بزنیم. آنانی که صدایشان در لابلای اوراق تاریخ ضبط است:

دکتر آلکسیس کارل زیست شناس معروف فرانسوی درباره  
قضاوت بین علم و صنعت و بین اخلاق انسانیت و ناتوانی تمدن  
از ادای رسالت خود بیان دقیقی در کتاب خود ذکر کرده:

"اگر می‌بینیم هم‌دوش ترقی صنعتی، انسانیت ترقی نکرده  
است، این گناه مربوط به نقص رهبران سیاسی و اخلاقی و  
نادانی آنهاست که ملت‌ها را به خطر می‌کشاند.

بنابراین اختراعاتی که مولود عقل و هوش است، به این  
علت از این پیشرفت‌ها خرسند نیستیم که در یک انحطاط  
اخلاقی و عقلی افتاده‌ایم.

ما در عین این که در مادیات و صنعت جلو رفته‌ایم در  
طرز زندگی فوق العاده عقب مانده‌ایم."

آنتونی ایدن سیاستمدار حزب کار انگلستان می‌گوید:

"وقتی غرب میل به درستی و علاقه به نیکی را از دست  
داد و مبانی اخلاقی و فضایل انسانی را زیر پا گذاشت، افکار  
و عقاید آنان نیز دستخوش فساد و تغییر شد."

به‌راستی خنده‌آور است که ممالک روی زمین میلیون‌ها دلار  
خرج می‌کنند که خود را از شر آلتی که خود ساخته‌اند و آنان  
را نابود می‌کند محفوظ بدارند، ولی این دولت‌ها نمی‌توانند

متّحد شوند و آن را مهار کرده و ضبط نمایند.

اگر مسافری از یکی از ستارگان آسمان به کره زمین بیاید و ببیند که ما به فکر نابودی یکدیگر بوده و قدرت‌های تخریبی را مورد بهره برداری قرار می‌دهیم و صحبت ما همواره در اطراف آلت‌های جهنمی است، چه قضاوتی خواهد داشت؟!

#### ۵- رواج تبعیض نژادی؛

از دین فاصله گرفتند و با خود برترینی گسترده‌ای به جهان نگاه کردند و نوارکشی مرزی کردند و بین غرب و شرق یا اروپا و نقاط دیگر جهان و بین آریایی و غیر آریایی جدایی انداخته، عدّه‌ای را آقا و عدّه‌ای را برده معرفی نمودند. آنان معتقد بودند: «اروپا برای آقایی و خوشگذرانی و شرق برای نوکری و اطاعت از اروپا آفریده شده است.»

خلاصه همان امتیازاتی که روم و یونان در عصر قدرت خود برای خود قائل بودند، اکنون اروپا برای خود معتقد است.

موسولینی سیاستمدار ایتالیایی می‌گوید:

"اگر اروپا قدرت نداشته باشد که جهان را استعمار کند،  
مرگ او رسیده است و باید بمیرد."

پروفسور انزنی می گوید:

"چرا ما آلمانی‌ها اولاد خود را به تاریخ ملت اجنبی آشنا  
سازیم؟! چرا داستان‌های ابراهیم و اسحاق را به آنان تعلیم  
دهیم؟ باید خدای ما هم آلمانی باشد!"

### استعمار گران بر ایران مسلط می‌شوند.

پس از آن همه خدماتی که از سوی اسلام و مسلمین نسبت  
به غرب و اروپا صورت گرفته است، از آنجا که می‌گویند:  
انسان وقتی مستغنی شد طغیان می‌کند و نیز گفته‌اند به کسی که  
لیاقت و ظرفیتی ندارد اگر چیزی بدهی به جای تشکر طلبکار  
می‌شود، ببینید رهبران سیاسی و طغیانگران اروپا و انگلیس در  
خصوص خدمت متقابل به مسلمانان چه می‌گویند و چه  
نقشه‌هایی می‌کشند!

جان ویلیام کی مورخ نظامی انگلیس می‌نویسد:

"در ابتدای قرن نوزدهم برای حفظ هندوستان از خطر

ناپلئون موفق به ایجاد یک اتحاد صمیمانه‌ای بین ایران و هند جهت دفع هر دو خطر گردیدیم.

و اینک سیاست ما باید چنین باشد، در حالی که سعی می‌کنیم روابط دوستانه خود را مجدداً با ایران برقرار کنیم، در همان حال هم بکوشیم خودمان را برای مقابله با آن آماده کنیم و گروه‌ها که دوست صمیمی ما می‌باشند را برای جنگ با ایران آماده کنیم.<sup>۱</sup>

سفیر ایتالیا در ایران می‌گوید:

"عقیده صریح و قاطع من این است که چون مقصود نهایی ما فقط صیانت هندوستان می‌باشد، در این صورت بهترین سیاست این خواهد بود که کشور ایران را در همین حال ضعف و توخّش و بربریت بگذاریم و سیاست دیگری مخالف آن تعقیب نکنیم!"

## بخشنامه‌ای در غارت ایران

از قدیم گفته‌اند آبادی بتخانه ز ویرانی ماست. متأسفانه ما در کشورهای اسلامی گرفتار شاهان بی‌لیاقتی بوده‌ایم که از سلطنت فقط تاج و تخت و عیش و عشرتش را مهم می‌دانستند و هر چه در کشور اتفاق می‌افتاد اگر به حرم سرایشان ضرری نمی‌رسانید، مانعی نمی‌انگاشتند!!

این تقسیم بندی عادلانه فرانسه با ایران را بخوانید، سپس یا گریه کنید و یا بخندید! دولت فرانسه با دولت وقت ایران جهت کشف ذخایر ایران قراردادی به قرار ذیل می‌بندد؛

۱- آنچه کارشناسان فرانسوی در ایران کشف کردند،

نصف آن برای ایران و نصف دیگرش برای فرانسه باشد.

۲- اشیاء منحصر به فرد قرعه کشی شود.

۳- طلا و فلزات گرانبها از آن ایران می‌باشد.

اما این موارد قرار داد فقط در نوشتن خلاصه شد و در مقام عمل همه چیز از آن فرانسه بوده است، یعنی حتی یک قطعه از اموال مکشوفه را هم به ایران ندادند و تمام آن‌ها را تکه



شکسته‌هایی بی ارزش قلمداد کردند!

این تقسیم بندی ناعادلانه انسان را به یاد آن برادر بزرگتری که با برادر کوچکتر ارث پدرشان را تقسیم می‌کرد و تمامی اشیاء قیمتی پدر را با لحنی سبک برای خودش بر می‌داشت و اشیاء کم ارزش را با تعریف‌های کذایی برای او می‌نوشت و در نهایت هم شعر زیر را نوشت، می‌اندازد؛

زیباتر آنچه مانده ز بابا از آن تو

بد ای برادر از من و اعلا از آن تو

این تاس خالی از من و آن کوزه‌ای که بود

پارینه پر ز شهد مصفاً از آن تو

یابوی ریسمان گسل میخ کن ز من

مهمیز کله تیز مطلا از آن تو

آن دیگ لب شکسته صابون پزی ز من

آن چمچه هریسه و حلوا از آن تو

این غوچ شاخ کج که زند شاخ، از آن من

غوغای جنگ غوچ و تماشا از آن تو



این استر چموش لگد زن از آن من  
آن گریه‌ی مصاحب بابا از آن تو  
از صحن خانه تا به لب بام از آن من  
از بام خانه تا به ثریا از آن تو<sup>۱</sup>

استکبار، غلامان حلقه به گوشی همچون کمال آتاتورک در ترکیه و رضاخان میرپنج در ایران را که نه از علم بهره‌ای داشتند و نه از انسانیت بویی برده بودند را تحریک کرد که به قیمت ریاست بر این دو کشور، بله‌قربان گو و عبد ذلیل باشند که متأسفانه بودند و کردند آنچه نباید بکنند.

بی‌حجابی، بی‌غیرتی و بی‌دینی را رواج دادند که هنوز که هنوز است آثار و تبعات آن در جامعه شایع است.

همین آتاتورک در ترکیه مساجد را بدل به موزه کرد و مدارس و دانشگاه‌های مذهبی را تعطیل کرد، از رفتن به زیارت حج منع کرد، لباس فرم اروپایی را اجباری کرد و الفبای انگلیسی را به جای عربی رواج داد. رضاخان هم همان

---

۱. وحشی باقعی.

دستورالعمل را داشت و بسیاری از آنها را که توانست در ایران عملی کرد و لکن با بودن روحانیت و حوزه و مقام مرجعیت شیعه به بسیاری از اهدافش نرسید.

حبیب بورقیه رییس جمهور تونس در نطق رادیویی خود به روزه‌ی ماه مبارک رمضان حمله کرد و گفت:

"روزه مانع پیشرفت اقتصادی می‌شود!"

جنایات بی‌شمار فرانسه در الجزایر نیز ارمغان استعمار است!

فرانتس فانون، جامعه‌شناسی فرانسوی می‌گوید:

"ملت الجزایر به یقین می‌داند که استعمار فرانسه نسبت به تمام جریحه‌های وارده به جسم یا روح ملت، تا روز استقلال مسئول است. کشتار بی‌شمار مردان و زنان الجزایری به دست استعمار فرانسه توجّه خاص و عام جهان را جلب کرد و موج عظیم اعتراض را برانگیخت. باید سرزمین الجزایر را متر به متر مورد پرسش قرار داد.

کشوری دیندار و سالم مانند الجزایر را نابود کردند. الجزایر کشوری بود که همین اشغالگران فرانسوی برای پانسمان زخمشان بدنبال پنبه الکلی می‌گشتند و چون فروش الکل ممنوع بود پیدا نمی‌کردند و باید با آب ولرم انجام



می‌گرفت و این غارتگران استعماری بر پیکر مقدّس این کشور کوبیدند و قسمت مهمی از آن را در تیول خودشان قرار دادند.<sup>۱</sup>

### اروپاییان مصر را ویران کردند؛

آثار باستانی مصر مورد هدف استعمارگران اروپایی قرار گرفت و تا می‌توانستند بابهانه‌های مختلف و صد البته با همکاری برخی از خود فروختگان داخلی، آنجا را تخریب کردند.

### فرهنگی نمایان بی فرهنگ

جنگ‌های صلیبی جنگ‌هایی است که به واسطه‌ی رفتار مسیحیان و صلیبیان با مسلمانان که برای گرفتن بیت المقدس از مسلمانان در قرون ۱۱، ۱۲، و ۱۳ میلادی انجام گرفت و ۲۰۰ سال طول کشید.

این جنگ‌ها از سال ۱۰۹۵ تا سال ۱۲۹۱ میلادی ادامه داشت و مجموعاً ۸ جنگ بود که غیر از جنگ اول در باقی جنگ‌ها

---

۱. سال پنجم انقلاب الجزایر، ص ۱۹.

مسیحیان از مسلمانان شکست خوردند، اما ببینید فرهنگ طرفین  
در زمان پیروزی را؛

قساوت مسیحیان؛

اینان با ۴۰ هزار جنگجو وارد شهر بیت المقدس شده‌اند و  
تمام مردم اعم از زن و مرد و پیر و جوان و کودک را کشتند و  
گفته‌اند از حرارتی که از خون‌های تازه‌ی مردم بلند شده بود،  
خودشان اذیت می‌شدند!

اما مسلمانان؛

وقتی که صلاح‌الدین ایوبی سلطان سوریه برای باز پس  
گیری اقدام کرد و این شهر را پس گرفت، حتی یک نفر کشته  
نشد و به اسیرانی که فقیر بودند بدون فدیة حکم آزادی داد.<sup>۱</sup>

---

۱. صلاح‌الدین ایوبی در جهان اسلام به عنوان چهره‌ای جهادگر  
مطرح است و این موضوع سبب شده که محبوبیت او به میزان چشم‌گیری در  
بین مسلمانان زیاد شود، به ویژه آن‌که آزاد شدن بیت المقدس توسط او از  
دست صلیبیان، او را در جهان اسلام چهره‌ای کاملاً مقدس ساخته و  
مسلمانان برای او همواره احترامی خاص قائل‌ند. اما وی که بنیان‌گذار

## دین سازان ضد دین

انگلیس این پیر مگار استعمار، برای اغفال مردم جهان به هر ترفندی دست زده است. مثلاً در کشور هندوستان، تا رسیده، دین و آیین ساخته و مردم ساده لوح آن سامان را فرقه فرقه کرده تا به اهداف مادی خود برسد و راهی برای غارت اموال آنان داشته باشد.

قاعده‌ای است که این قاعده را بیشتر سران کشورهای استعماری به کار می‌بندند تحت عنوان «فَرَّقْ تَسُدْ»؛ تفرقه افکن، آقایی کن. آنان در هند ادیانی رواج دادند که هر عزاداری هم با شنیدن نام آنها می‌خندد؛

گاو پرستی، موش پرستی، میمون و مار پرستی، شیطان پرستی انسان پرستی، آلت پرستی و...

---

سلسله ایوبیان است، یک سنی متعصب و شافعی تمام عیار بود و وقتی به قدرت رسید تمام سعی خود را در نشر این مذهب و جایگزین کردن آن به جای مذهب فاطمیان به کار گرفت. صلاح الدین ایوبی به محض رسیدن به وزارت، فعالیت خود را برای از بین بردن مذهب تشیع آغاز کرد.

خوب است برای آگاهی بیشتر به کتاب ارمغان هند و پاک مراجعه نمایید.

آنان برای هندی‌ها خدایی ساخته‌اند که مدفوعش را در ظروف طلایی می‌گیرند و ذخیره می‌کنند و در شیشه‌های مخصوصی برای سران شهرها و طرفدارانشان می‌فرستند و نهایتاً هم در سفره عمومی آن را به قصد شفا می‌خورند!!<sup>۱</sup>

یکی از مبتکران انگلیسی می‌گوید:

"ملت‌های مستعمره را باید عقیم کرد که فرزند نیاورند! و جمعیتشان از جمعیت اروپا بیشتر نشود!"

### آندلس و تحمیل قراردادی خائانه

برای اشغال اسپانیا توطئه کردند و سپس باترفندی خائانه از ساده لوحی مسلمانان سوء استفاده نمودند و به این نتیجه رسیدند که مسلمانان را با لباس مسلمانی گول بزنند و در حقیقت همان

---

۱. ارمغان هند پاک، ص ۱۰۸.

طرح مذهب علیه مذهب را پیاده نمایند و آن قرار داد از این قرار است؛

### ۱- تجارت آزاد

در مسئله اقتصاد و تجارت یعنی خرید و فروش اجناس و کالاها آزاد باشند و این امر باعث شد کالای حلال و حرام و صنعت کشورهای استعمارگر و نیز ورود آلات قمار و شراب و امثال اینها آزاد باشد.

### ۲- تعلیم و تربیت آزاد

در خصوص تعلیم و تربیت که غنی‌ترین حرف مربوط به اسلام و مسلمین است و قرآن به عنوان آخرین کتاب و رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان آخرین پیامبر الهی و اسلام که به عنوان آخرین دین طلایه‌دار آن است بحث‌هایی مطرح بود، لکن این قرار داد باعث شد فرهنگ تحریف شده انجیل و اهداف نامقدس رهبران نالایق دنیا در مدارس و مراکز علمی جایی پیدا کنند و از کودک و نوجوان و میانسال، همه و همه را از مکتب اصیل اسلام بیگانه کنند و مسایل انحرافی را در مدارس و دانشگاه‌ها



بگنجانند و در نتیجه به اهداف ضد اسلامی خودشان برسند.

### ۳- دین آزاد یا آزادی دین

در کشوری که تعالیم اسلام رایج است، مسئله آزادی در دین یک سخن خطرناکی است زیرا هر کسی هر قرائتی از دین داشته باشد به نام دینمداری تحویل جامعه می‌دهد و در نتیجه در دین خود متزلزل شده و گوشش بدهکار حرف‌های انحرافی سوق داده می‌شود و این هم یک نوع ضدیت دیگری با اسلام بود که عملی شد!

در این قرار که بنا بر آزادی دین است، نشر معارف مسیحیت وارد تعالیم روزانه مردم شد.

رهبران ساده لوح مسلمان این قرارداد ننگین در شهر قرقانطه را پذیرفتند. دشمن بلافاصله پس از گرفتن امضاء از مسلمانان دروازه‌های اندلس را باز کردند، مبلغین مسیحی وارد این کشور شدند و تعالیم مسیحیت را به اجراء گذاشتند و نسل نوجوان و کودک را با این تعالیم به ظاهر زیبای فریبنده آموزش دادند و مدارس مخصوص مسیحیت را باز کردند و به جای افسران

مسلمان، افسران مسیحی را بر سر کار آوردند و با این کار به آسانی و بدون درگیری، سپاه اسلام را تحویل دشمن دادند.

کشیشان مسیحی به ترویج شراب پرداخته و این مفسده‌ی خانمان بر انداز را بین مسلمانان شایع و رایج نموده و علاوه بر ورود شراب از خارج، باغ‌های انگور قرطبه را برای شراب با قیمت مناسب گرفتند و قسم یاد کردند که این شراب را فقط به خورد جوانان مسلمان برسانند!!

در نتیجه‌ی این کار:

- ✓ جوانان، نماز و روزه را ترک کردند.
- ✓ به مراکز فساد و فحشاء روی آوردند.
- ✓ به مواد مخدر به طور علنی مبتلا شدند.
- ✓ لباس‌های نرم زنانه پوشیدند.
- ✓ رسم و رسوم پدران محترم و مسلمان خود را از دست دادند.
- ✓ به عشرتکده‌ها روی آوردند و...

## هدایایی که پاپ به اسپانیای مسلمان گول خورده داد!

او هزار مبلغ مسیحی، چهارصد و هشتاد معلم مسیحی و پانصد هزار فلورین پول را به این منطقه آزاد شده و فتح شده اعزام و ارسال نمود!!

یکی از فرماندهان مسیحی دستور داد هشتاد هزار جلد کتاب مسلمانان را به آتش کشیدند و چهار هزار نفر مسلمان را به قتل رساندند و مسجد بزرگ اموی در شام را ویران کرده و آنجا را مرکز فساد کردند!

بالاخره هر آنچه قرار داد بین مسلمانان و مسیحیان امضاء شد از سوی کلیسائیان مُلحد، زیر پا گذاشته و تا آنجا که توانستند فشارهای گوناگون را بر ملت اسپانیا اعمال کردند.

پرفسور ویلیام مونتگومری وات مورخ و استاد رشته زبان عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند می‌نویسد:

"کتاب‌های مخصوصاً اسلامی سوزانده شد و تغییر عقیده دینی از اسلام به مسیحیت به اجبار عملی شد و بالاخره کشور اندلس به طور کامل از دست مسلمانان خارج شد."

## عزیز دردانه‌های استعمارگر

در دشمنی با اسلام و مسلمانان غالب قریب به اتفاق سران  
مستکبر دنیا سخن پراکنی کرده و برای تسلیم نگهداشتن ملت‌ها،  
اسلام را که محلّ آسایش آنان و ضد ظلم است را کوبیده‌اند.  
فرمانروای روسیه تزاری می‌گوید:

"بایستی جنگ‌های مداوم، گاهی بر ضد عثمانی و گاهی  
بر ضد ایرانی‌ها ایجاد کرد.

در اضمحلال ایران باید تسریع کرد و بر خلیج فارس  
دست یافت و وقتی به آنجا رسیدیم می‌توانیم از طلای  
انگلستان صرف نظر کنیم!"<sup>۱</sup>

سایکس، مأمور حکومت انگلیسی هند می‌گوید:  
"دولت انگلیس برای تسلط کامل بر هندوستان و  
افغانستان و بلوچستان، بسط و توسعه و نفوذ و سیطره‌ی خود  
را در ایران لازم و واجب می‌داند."<sup>۲</sup>

---

۱. مزدوران استعمار، ص ۳۰.

۲. میراث خوار استعمار، ص ۴۳۷.

رئیس دولت انگلستان در سخنرانی اش گفت:

"ما برای انجام وظیفه بشر دوستانه‌ی خود، در راه بسط و نشر تمدن و انسانیت در سراسر جهان مجاهدت می‌نماییم و این رسالت خود را انجام می‌دهیم!!"

یکی از نمایندگان بانصاف (لابوچر) از جا برخاست و گفت:

"ما انگلیسی‌ها بدون استثناء از بزرگترین راهزنان و چپاولگران دوران هستیم که بر روی زمین زندگی می‌کرده‌اند. ما از این جهت که موذی و منافق نیز هستیم، بدتر از سایر جهانیانیم. ما در عین اینکه غارت‌گری و چپاولگری می‌کنیم، غارت و یغمای خویش را به خیر و صلاح جهانیان وا نمود می‌کنیم!"<sup>۱</sup>

در جریان استعمار بریتانیا و دولت فخیمه انگلیسی بد نیست اگر جوانان ماجرای خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیسی که به صورت‌های مختلف به چاپ رسیده را مطالعه کنند تا بدانند که این روایه مکار با نام دولت فخیمه چه جنایت‌های فکری و عملی را در سرزمین‌های اسلامی انجام داده است. آنان بنا را بر

چنگ اندازی به تمام جهان داشته‌اند.

یکی از سران انگلیس می‌گوید:

"دولت ما نسبت به مستعمرات فراوانی که بر آن سیطره داشتیم از هند و چین و خاورمیانه و... بسیار کوچک بود. تمامی این کشورها در شرف سقوط در دست ما بودند و لذا بر ما لازم بود که در دو مورد فکر کنیم:  
الف) به خاطر ابقاء سیطره بر قسمت‌هایی که فعلاً در آن سیطره داشتیم.

ب) به منظور ضمیمه کردن قسمت‌هایی که هنوز سیطره کامل بر آن نداریم به مستعمرات و مملکات خود."

آنچه تاکنون گذشت، مربوط بود به خیانت چهره‌های استعمار و دولت‌های استعمارگر و قضاوت عدّه‌ای از منصفان دنیا در کشف توطئه‌هایی که بر علیه اسلام و مسلمین به کار رفته است.

اکنون فهرستی از دین‌سازی استعمارگران در مشرق زمین و فعالیت‌های مزورانه‌ی دولت‌های انگلیس و اروپاییان و تولید

دین به سبک غربی را به طور اختصار به بحث می گذاریم:

### ائتلاف مکار و پولدار

پیمان دو متحد یکی مکار و دیگری پولدار (محمد بن عبد الوهّاب و محمد بن سعود)

ژان ژاک پیربی مستشرق فرانسوی می نویسد:

"دعوت محمد بن عبد الوهّاب با اسلحه آل سعود رونق گرفت و پیش رفت یعنی با دست پنهان و آشکار انگلیس محمد بن عبد الوهّاب با عبد العزیز محمد بن سعود پیمان بستند که رهبریت دینی مردم بر عهده ابن وهّاب باشد. و در مقابل رهبریت سیاسی و اجتماعی مردم بر عهده آل سعود باشد تا عقاید استعماری محمد بن عبد الوهّاب را رسمیت دهد.

### اسرائیل فرزند انگلیس است.

چرچیل نخست وزیر انگلستان می گوید:

"من می خواهم آل سعود، حاکم مطلق و فرمانروای تمام

خاورمیانه باشد و اولین قدم این است که بین تو و آقای حایم یهودی<sup>۱</sup> و عبد العزیز آل سعود رابطه دولتی برقرار شود و او با شما همکاری صمیمانه داشته باشد. بعد از این اقدام هر چه می خواهید از او بگیرید."

او در ادامه می گوید:

"به وجود آوردن حکومت سعودی اولین مأموریت بریتانیا می باشد و مأموریت دوم بریتانیا ایجاد کشور اسرائیل بوسیله این حکومت، یعنی حکومت آل سعود می باشد."

جاسوسی از جاسوسان انگلستان می گوید:

"پس از کشته شدن کاپیتان شکسپیر فرمانده ارتش سعودی، وظیفه من در سازمان جاسوسی انگلیس این بود که با برنامه ریزی دقیق و حساب شده، عبدالعزیز را در امر حکومت یاری و پشتیبانی کنم تا در انجام مأموریتی که استعمارگران بر عهده او گذاشته اند موفق شود."

گوینده‌ی این سخن در مأموریت گسترده‌ای که از سوی

---

۱. حایم عزرائیل وایزمن اولین رییس رژیم غاصب اسرائیل (از سال

۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲) بود.



دولت انگلیس داشت باید قیافه مسلمانان را به خود بگیرد و در مذهب نیز وهابی باشد!!

جاسوسان انگلیسی با صراحت می گفتند ما حکومت آل سعود و آیین وهابیت را به وجود آوردیم!  
جاسوس انگلیسی می گوید جیره‌ی آل سعود از سهم نفت و... در دست من است!

همو می گوید:

"قدرت تصمیم گیری همه پادشاهان عرب در دست من است و این واقعاً خجالت آور است."

واقعاً انسان شرمنده می شود وقتی این سران بی عرضه و بی دین آل سعود، نام اسلام را بر زبان می رانند و کلید کعبه را در دست خود گرفته اند و به خود مسلمان می گویند.

فکر می کنیم که انسان‌نمایی این قدر بی اراده و این عروسک‌های خیمه شب بازی را، کفار هم در جمع خود راه نمی دهند! یعنی اینان چون انسان نیستند، کفار فقط به رسم واسطه و رابط، از آنها استفاده می کنند کما اینکه کار

استعمارگران کافر در همه جا چنین بوده است! اینان در اندلس نیز چنین افرادی را به عنوان رابط انتخاب کردند و پیروز شدند!

استعمارگران در اندلس به جای دین و شرافت، شراب و فحشاء را رواج دادند و هم اکنون در خاندان کثیف سعودی نیز همان‌ها رواج دارد. اگر سران عربستان، مست باده غرور و شراب و فساد نباشند، نخست وزیر انگلیس جرأت نمی‌کند بگوید:

"هدف ما از همکاری با شما ایجاد یک کشور مستقل به نام اسرائیل است!!"

مأمور دیگر انگلیس می‌گوید:

"مهم‌ترین مأموریت من، زنده کردن افکار وهابیت است!"

آری، این افکار را که مردم و علماء و حتی بسیاری از خویشان محمد بن عبدالوهاب قبول نداشته و با آن مبارزه کرده‌اند را فقط باید انگلستانی که پیر مگار استعمار نام دارد تقویت کند. انگلیسی‌ها باید آنقدر محرم اسرار آل سعود شوند که وقتی جان فیلی او را تهدید می‌کند که یا فلان کار را انجام بده و یا اینکه تمام اسرار خاندان آل سعود را بر ملا می‌کنم،

بلافاصله تسلیم شده و آن را انجام می‌دهد! این خفت و ذلت و سرافکندگی با نام مقدس اسلام چه نسبتی دارد؟  
 آنگاه اینان بقیه مردم را کافر می‌دانند!! اینان طرفداران مذاهب دیگر را واجب‌القتل می‌دانند، اینان خود را طرفدار توحید می‌دانند!!

### نیاز به مختاری دیگر

دنیای امروز نیازمند مختاری دیگر است که بیاید و انتقام این همه تجاوز و دزدی از حرم امام حسین 7 و قتل زائران آن بزرگوار را بگیرد.

مختاری ثقفی لازم است که بیاید و به حساب این نامردان حرام زاده برسد که قبر حمزه سید الشهداء را و قبرستان بقیع را تخریب کردند؟

چرا قبر ابوطالب و خدیجه در مکه و قبور دو امام مسلمانان حضرت جواد 7 و حضرت موسی الکاظم 7 در کاظمین را و خانه حضرت زهرا علیها السلام در مدینه و مسجد سلمان فارسی و ... را

تخریب نمودید؟!

آری تمامی این قبور مظاهر توحید و اسلام ناب هستند و اینان یعنی این انگلیسی‌های حرام خوار حرام کردار، از قبور این منادیان توحید هم می‌ترسند. اینان راه آباء و اجداد و راه ضد خدایی خود را که با ائمه جنگیدند و آن‌ها را به شهادت رساندند را ادامه می‌دهند، لکن به درجاتی خبیث‌تر از آنان، زیرا آنان با خودشان و اینان با قبورشان در جنگ‌اند.

اینان در حمله‌های متعددی، مردم قطیف و احساء و حجاز و مردم بصره و مجاوران حرم امام حسین 7 در کربلا و مردم بیگناه طائف را به قتل رساندند.

اینان قبور ائمه بقیع را تخریب کردند و بالاخره اینان حاجیان حرم خدا را که از ایران رفته و میهمان آن سرزمین بودند را کشتند.

تخریب اماکن مقدسه فقط تخریب آجر و سیمان نیست، بلکه اهانت به شهیدان زنده‌ای است که قرآن آنها را زنده می‌داند و گرنه ما بارها آنجاها که خراب کرده‌اند را با طلا

ساخته‌ایم و باز هم می‌سازیم. اینان اخیراً قبور امامین عسکرین علیهم‌السلام را کلاً تخریب کردند و هم اکنون دوباره توسط شیعیان مُخلص با طلای ناب ساخته شد. اگر ده بار دیگر نیز خراب کنند و از طلا با ارزش‌تر چیزی در دسترس باشد، شیعه به کوری چشم آنان، آن‌را خواهند ساخت.

آنان با بمبِ انگلیس تخریب می‌کنند و ما با سرمایه‌زندگی‌مان آن‌را می‌سازیم. این حاکمان انگلیسی آل سعود اگر بویی از توحید و خداپرستی برده بودند، برای تخریب مسجد الاقصی قبله اول مسلمانان اندکی به خود می‌آمدند و دولت غاصب اسرائیل را برای یکبار هم که شده محکوم می‌کردند.

ابن تیمیه و محمد بن عبد الوهاب فرزندان انگلیس هستند، همچنان که بهائیت فرزند شیخیه و آل سعود دست‌نشانده‌گان آمریکایند و تمامی فرقه‌های نو ظهور هند و پاکستان و ایران دست‌پروردگان اینانند، و گرنه دین حق، یکی است و مذهب حقه در حقیقت همان است که از سوی خدا و رسول معین شده و هرگز قابل انکار و قابل تغییر نبوده و نیست.

## نظر دانشمندان درباره اسلام

دکتر گوستاو لوبون مورخ فرانسوی می‌نویسد:

"بساطت و سادگی و وضوح اصول عقاید اسلامی به علاوه رفتار با مردم از روی عدل و احسان که سکه روشن آن، روی مذهب اسلام خورده است، سبب گردیده که تمام روی زمین را تسخیر نماید."<sup>۱</sup>

امیل درمنگهم مستشرق فرانسوی می‌گوید:

"اسلام، یک دین پاک و بی‌آلایش و منزّه از هر عیب و نقص را برای بشر آورده است. اسلام مانند ندایی رسا که دلها را تکان دهد، باختر و خاور را از بی‌دینی و غفلت بیدار کرد و چنان تأثیری در قلوب گذاشت که تاریخ و دنیای انسانیت چنین انقلاب روحی و نهضت اجتماعی را در هیچ عصر دیگر به یاد ندارد."

جرج برنارد نویسنده معروف انگلیسی می‌نویسد:

"من به مناسبت نیروی حیاتی و نشاط زندگی که در دین

---

۱. تمدن اسلام و عرب.

محمد وجود دارد، آن مذهب را در عالی‌ترین وضعی تقدیر می‌کنم. به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد آن را دارد که بتواند با تحولات اعصار مختلف زندگی بشر همگام گردد."

من راجع به مذهب محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیشگویی می‌کنم که:

"این مذهب را اروپا فردا خواهد پذیرفت، همان طوری که این مذهب به نظر اروپایی‌ها امروز قابل قبول گردیده است."<sup>۱</sup>

ویل دورانت مورخ شهیر می‌گوید:

"اسلام از همه دین‌ها روشن‌تر و ساده‌تر است، اساس اسلام شهادت به «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» می‌باشد."<sup>۲</sup>

لورد هدلی محقق و نویسنده انگلیسی می‌گوید:

"ما انگلیسی‌ها دائماً خود را طرفدار حق و عدل شمرده و بدان افتخار می‌کنیم، ولی بدون آنکه حقیقت اسلام را بدانیم

۱. مذهب در آزمایش‌ها، ص ۱۹۰.

۲. اعترافات، ج ۱، ص ۲۸.

آن را تقبیح می‌نماییم. آیا این کار بی انصافی نیست؟  
بنابراین مسیحیانی که ۹۹ درصد آنان معنی اسلام را  
نمی‌دانند، حق ندارند آن را تقبیح کنند.

به نظر من اگر کلیه متفکرین اروپا در مجمعی گرد آمده  
و درباره ادیان مختلفه غور و بررسی کنند، بدین نتیجه خواهند  
رسید که اسلام بهترین، ساده‌ترین و معظم‌ترین ادیان است.

آیا قبول کردن دینی که با عقل و قلب و اشتیاق درونی  
بشر موافقت داشته باشد، نعمتی بزرگ نیست.<sup>۱</sup>

کرلایل دانشمند معروف می‌گوید:

"در شرق قانونی وجود دارد که محمد فیلسوف عرب،  
آن را وضع کرده است و اگر جهان با تمام ملّت‌ها و  
نژادهایش از روش و برنامه آن فیلسوف عرب پیروی کنند و  
همگی ملتزم قانون‌های او گردند، دیگر در جهان دو دولت  
یافت نخواهد شد، بلکه همه جهان کشوری یگانه خواهد  
گردید و دیگر هیچ دو نفری اختلاف نخواهند داشت و هیچ



کس به دیگری نیاز و احتیاجی نخواهد داشت."

جان دیون پورت اسلام شناسی انگلیسی می نویسد:

"اسلام دینی است منزّه از تضاد و اختلاف و دینی است که هیچ گونه رمز و رازی را با عنف و اجبار بر عقل و استدلال تحمیل نمی کند.

اسلام هیچ گاه در اصول و عقاید هیچ دینی مداخله نکرده و هیچ وقت کسی را به این جرم مجازات نکرده است."

توماس کارلایل مورّخ مشهور انگلیسی می گوید:

"بعضی از مسیحیان در مقام طعن و ایراد بر اسلام می گویند: محمد آیین خود را با شمشیر و نوک نیزه نشر داد، یعنی اگر شمشیر نبود این دین در عالم منتشر نمی شد. گویندگان این حرف چقدر از حقیقت دور و در خطا هستند، زیرا باید نیک تدبیر کنند آن قوه‌ای که این شمشیر را در جزیره العرب از غلاف بیرون کرده و برق آن را در قله کوه‌های فرانسه و اسپانیا و کنگره طاق مدائن تا سمرقند و

روی اهرام مصر در دست موسی بن نصیر و طارق بن زیاد و فاتحین بزرگ ظاهر و نمایان کرده کدام قوه بود؟ بی شک همان قوه آیین محمد بود.<sup>۱</sup>

پرفسور آلبرماله مورخ بزرگ فرانسوی می گوید:

"پیشرفت اسلام در قرون وسطی موجب انتشار تمدنی درخشان و تکمیل قانونی شگفت انگیز شده است.

اسلام از این جهت که شریعتی سهل و آسان و ساده است، از سایر ادیان متمایز شده و به سرعت انتشار یافته است، زیرا درک احکام و انجام عبادات آن از فرط سادگی بسیار آسان است و مطالبی پیچیده و غیر مانوسی در بر ندارد."<sup>۲</sup>

---

۱. اسلام، ص ۲۸.

۲. تاریخ قرون وسطی، ج ۴، ص ۹۳.

## پیامبر اسلام از نظر دانشمندان

ولتر، فیلسوف بزرگ فرانسوی می گوید:

"محمّد، بی گمان مردی بسیار بزرگ بود و مردانی بزرگ نیز در دامن فضل و کمال خویش پرورش داد. او قانون گذاری خردمند، جهانگشایی توانا، فرمانروایی دادگستر، پیامبری پرهیزگار بود و بزرگترین انقلاب روی زمین را پدید آورد."<sup>۱</sup>

او می گوید: در صورتی که مسیحیان با کمک شمشیر و تل آتش، آیین خود را به دیگران تحمیل می کنند، پروردگارا! کاش همه ملت های اروپا روش تُرکان مسلمان را سرمشق قرار می دادند. دینی که محمّد آورد، بی گمان از مسیحیت برتر بود.<sup>۲</sup>

در آیین او، هرگز یک مرد یهودی را به خدایی نگرفتند و یک زن یهودی را مادر خدا نپنداشتند. ایمان به خدای یگانه تنها اصل بزرگ آیین محمّد بود.

۱. اسلام از نظر ولتر، ص ۱۱۰.

۲. همان، ص ۱۹۳.

گئورگیو نویسنده شهیر رومانی می گوید:

"رسالت محمد فقط یک رسالت دینی نبود، بلکه یک رسالت اجتماعی و اقتصادی هم بود. ایجاد یک نهضت اجتماعی و اقتصادی در سرزمینی مثل عربستان، در چهارده قرن قبل از این با آن رسم و رسوم و شعائری که مختصری از آن ذکر شد، واقعه‌ای فوق‌العاده بوده است و محمد این رسالت بزرگ را بر عهده گرفت."<sup>۱</sup>

دکتر واگستون کوستای ایتالیایی می گوید:

"او پرستش خداوند یکتا را که ابراهیم بنیانگذار آن بود و بر اثر مرور زمان به فراموشی سپرده شده بود را دوباره زنده کرد و نظر به اینکه پیامبران آمده، آنچه را که خدا بر پیامبران گذشته مانند موسی و داوود فرستاده بود را تأیید نمود و پیشرفتی که در این راه نصیب او شد دلیل بر یک نیروی عظیمی بود."<sup>۲</sup>

۱. محمد پیغمبری که از نو پایه شناخت، ص ۶۷.

۲. مجله آیین اسلام، ص ۶.

دیسون دانشمند فرانسوی می‌نویسد:

"محمد با حیاترین مردم و پاکیزه ترین آنها بود. در حضور زنان از همه پاک چشم‌تر بود، در شرم و حیا از یک دختر محجوب با حیاتر بود. او از شدت حیا و بزرگی هیچ چیز ناپسندی به کسی نمی‌گفت. از همه بردبارتر و خونسردتر و راستگوتر بود. بزرگان هر قومی را گرامی می‌داشت."<sup>۱</sup>

دکتر جون دی فنیزات دانشمند انگلیسی می‌گوید:

"محمد بزرگ‌ترین خیرخواه نوع بشر است و ظهور محمد نشانه یکی از عالی‌ترین عقول در تمام عالم می‌باشد و اگر آسیا بخواهد به فرزندان خود افتخار کند، سزاوار است که به این رادمرد بزرگ و بی‌مانند در جهان افتخار کند. این همان شخصی است که هنگام ظهورش عرب در درجه‌ای از انحطاط و توحش بوده که بر ما مخفی نیست."<sup>۲</sup>

دکتر مارکس فیلسوف معروف می‌گوید:

"محمد، نخستین پیامبری است که تمام گفته‌هایش نوشته

۱. مجله آیین اسلام، ص ۲.

۲. همان، ص ۴.

و ثبت شده است و از اینجا شخصیت پخته و پر امتیاز انسانی محمد معلوم می‌گردد و ثابت می‌کند که گفتارهای وی از دقت و صحت فراوانی برخوردار است."

## قرآن از نظر دانشمندان جهان

کارلایل :

"هیچ کس قرآن را با تأمل و اندیشه نمی‌خواند، مگر اینکه می‌بیند حقایق جوهری به ذات خود نزد وی آشکار و ظاهر است. به این معنی که قرآن وابسته به اصل حقیقی و پیوسته به مبدئی عالی است. این نکته واضح آمده که هر کلام حقیقی و درست، در دل‌ها نفوذ و تسلطی مخصوص دارد و حق آن است که تمام کتب در برابر قرآن حقیر و کوچکنند و این کتاب از هرگونه عیب و نقص و اصول ناپسندی پاکیزه و مبراست."<sup>۱</sup>

سنایی دانشمند انگلیسی می گوید:

"اگر مسلمانان چنانکه سزاوار است به قرآن متمسک شوند و به موجب تعالیم و احکامش عمل کنند، امروز نیز آقای همه جهانیان و عموم اقوام خواهند شد، همچنانکه در گذشته بودند."<sup>۱</sup>

دکتر گوستاو لوبون محقق فرانسوی می گوید:

"تعلیمات اخلاقی که در قرآن آورده، خلاصه‌ای از آداب عالیه و نتیجه و حاصل مبادی اخلاق کریمه است."

گوته فیلسوف مشهور آلمانی می گوید:

"ما ابتدا از قرآن رو گردان بودیم، ولی طولی نکشید که این کتاب توجه‌ها را به خود جلب نموده و ما را به حیرت در آورد و بالأخره ما مجبور شدیم اصول و قواعد آن را تنظیم نموده و بزرگ بشماریم و در مطابقت الفاظ آن با معانی بکوشیم."<sup>۲</sup>

پروفسور روسکین گیب استاد دانشگاه آکسفورد می گوید:

۱. تاریخ قرآن، ص ۱۵۳.

۲. همان، ص ۱۰۸.

"اگر قرآن را خود محمّد انشاء کرده بود، پس دیگران نیز باید می توانستند لاقبل ده سطر آن را بیاورند و چون آنها نتوانسته اند پس باید قبول کرد که قرآن به طور بدیهی و آشکار، معجزه‌ای است برجسته و ممتاز."<sup>۱</sup>

لئو تولستوی دانشمند بزرگ روسی می گوید:

"هر کس بخواهد مساهله و سادگی دین اسلام را بفهمد، باید که قرآن مجید را با دقت نظر مطالعه نماید، زیرا در آنجا احکامی مبنی بر حقایق روشن و آشکار صادر و تعلیماتی سهل و ساده به عموم داده شده است.

در این قرآن آیات کریمه‌ای نزول نموده که دلالت بر مقام عالی دین اسلام و پاکی روح مقدس آورنده این کتاب دارد که از آن جمله‌اند؛ **وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا**

دکتر گرینه عضو مجلس نمایندگان فرانسوی می گوید:

"تمام آیات قرآنی مربوط به علوم طبیعی و بهداشتی و پزشکی را که من خود از کودکی با آنها سروکار داشتم،

۱. همان، ص ۱۰۷.

۲. آل عمران، ۱۰۳.



خواندم و مورد بررسی قرار دادم و در پایان دیدم که تمام آن آیات با معارف جدید ما هماهنگی دارد و لذا مسلمان شدم. زیرا من یقین پیدا کردم که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیش از هزاران سال قبل بدون آن که معلّم و یا استادی از بشر داشته باشد، دین حق و حقیقت را آورده است و اگر هر عالم و صاحب دانشی تمام آیات قرآنی را که به علم یافتن او مربوط است همان گونه که من مقایسه کردم مقایسه کند، بدون شک اگر عاقل باشد و از غرض ورزی به دور باشد، مسلمان خواهد شد."<sup>۱</sup>

### دانشمندانی که از اسلام تعریف کرده‌اند؛

آیا دانشمندانی که تعریف اسلام کرده‌اند، خودشان به اسلام گرایش پیدا نکرده‌اند؟

البته باید گفت: آنان چهار گروهند:

۱- عده‌ای اسلام را شناخته‌اند و گرویده‌اند که نام و مشخصاتشان در تاریخ موجود است. همانند لرده‌دلی و خانم مارگرت مارکوس که علنی هم اعلام و افتخار به مسلمان

---

۱. اسلام چیست، ص ۱۷.

بودنشان کردند.

۲- عدّه‌ای اسلام را پذیرفته و تقیه کرده‌اند، یعنی با اینکه آیین مقدّس اسلام را پذیرفته‌اند دم برنیاورده و زندگی کرده‌اند! مانند کوپر نیک، مارتین لوتر و گاليله که به دلیل دادگاه‌های غیر منطقی مسیحیت و تفتیش عقاید نامعقول، اظهار نکرده‌اند!

۳- عدّه‌ای به حقانیت رسیده ولی در کیش خود باقی‌اند، یعنی با اینکه حقیقت را قبول داشته‌اند اما به هر دلیلی در همان آیینی که بودند باقی ماندند. این دانشمندان که از اسلام تعریف کرده‌اند، به دید خریداری ننگریسته‌اند، بلکه از باب کارشناسی نگاه کرده‌اند، مانند معماری که ساختمانی را می‌پسندد و تعریف می‌کند.

۴- عدّه‌ای در خدمت سلاطین قرار دارند و قلم می‌زنند. این عدّه یا ترسیده‌اند و یا به خاطر از دست دادن جاه و مقام مادی خود و یا به دلیل خوردن مال حرام و مشکوک و یا به دلایل دیگر بر آیین خود ماندند و مروج السلاطین شدند و آخرت را به دنیا فروختند.

## جاذبه‌های دین اسلام

آنچه از تعاریف دانشمندان معروف جهان درباره دلپذیر بودن دین اسلام در کتاب‌ها نقل شده، خلاصه‌اش این است که مزایایی در این آیین بزرگ آسمانی هست که در جای دیگری یافت نمی‌شود، از جمله اینکه:

### ۱- اسلام دینی فطری است؛

انسان‌ها دارای فطرتی خدادادی‌اند که به‌وسیله آن به‌دنبال حقایق می‌گردند، در مَثَل همچون تشنه‌ای که از درون وجودش احساس تشنگی می‌کند و در بیرون به‌دنبال آب گوارا می‌گردد. فطرت انسان نیز از درون به‌دنبال حقیقت‌ها می‌گردد و خداوند در بیرون حقیقت‌های ناب را خلق و در اختیار قرار داده است و دین و دینداری یکی از آن حقایق است.

### ۲- اسلام دینی عقلانی است؛

در تعریف شرع مقدّس اسلام فرموده‌اند: «كُلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» یعنی هر چه را که عقل به خوبی آن حکم

کند، شرع هم آن را در دستور کار خود آورده و با حکم حلال و واجب و مستحب به انجام دادن آن فرمان داده و یا با بیان حرام و مکروه از آن بر حذر داشته است.

### ۳- اسلام دینی علمی است؛

از اولین امتیازات دین مبین اسلام، همان عملی بودن آن است که در اولین آیات نازلۀ کتاب خدا آمده است که «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»<sup>۱</sup> و لذا امروز دانشمندان منصف عالم با مطالعه آیین اسلام به صورت گسترده‌ای گرایش به آن پیدا کرده و از این آیین مقدس استقبال می‌کنند.

### ۴- دینی سهل و آسان است؛

در دستورات این دین مبین مسئله غیر قابل فهمی نداریم و اسرار مگویی نیز در آن نیست، حتی در نامگذاری این آیین پاک گفته‌اند که اسلام دین سهله است یعنی دینی آسان و همه فهم و محرّمات و مکروهات و مستحبات و مباحات دارد که

تمامی مکلفین می‌توانند آن را به خوبی بفهمند و عمل کنند.

### ۵- اسلام دین کار و تلاش است؛

آیین مقدّس اسلام آیین کار و تلاش و کسب رزق و روزی حلال است، به حدّی این مسئله حائز اهمّیت است که رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خودشان کار می‌کردند و حضرت علی 7 از کارگران قوی و با نشاط بیشتر فعالیت می‌کرد و امام باقر 7 فرمود اگر در حال بیل زدن و تلاش از دنیا بروم در بهترین موقعیت‌ها مرده‌ام.

### ۶- اسلام دین آزادی است؛

با عنوان شدن «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»<sup>۱</sup>، آیین مقدّس اسلام جای خویش را در قلوب همه آزاد اندیشان جهان باز کرد. در این دین، تحمیل و یا تفتیش عقیده بی‌معناست. هر کسی هر آیینی را می‌تواند بپذیرد. آری اگر در مواردی انسانی بخواهد آیین خدایی اسلام را بدنما جلوه دهد و با آن بجنگد، از آن

جلوگیری می‌شود.

### ۷- اسلام دینی جامع است؛

به مصداق قرآن مجید که می‌فرماید: «و لَارْطَبُ وَ لَا يَابِسُ إِلَّا فِي كِتَابِ مُبِينٍ»<sup>۱</sup> هیچ‌تر و خشکی نیست مگر اینکه حکمش در این کتاب آمده است، تمامی حقایق عالم در این آیین شریف بیان شده و دستورالعملش گفته شده است. آیین اسلام آیینی عالم‌گیر و مربوط به تمامی ملت‌هاست. این آیین آخرین دین در آخرین کتاب و بر آخرین پیامبر نازل گردیده است.

### ۸- اسلام دین صلح و سازش است؛

برای مقایسه‌ی مسلمانان صدر اسلام که به اسلام ناب عمل می‌کردند و به هر شهر و دیاری وارد می‌شدند مردم آن سامان را در دین و عقایدشان احترام می‌کردند و تا آنها با مسلمانان سر جنگی نداشتند، از سوی مسلمین جنگ و گریزی صورت نمی‌گرفت، با یهودیانی که به هر دیاری پا می‌گذاشتند هر

جنایتی که از دستشان بر می آمد نسبت به بقیه اعمال می کردند از قبیل قتل عام، آتش سوزی، کتابسوزی و هزاران جنایت دیگر، می بایست به کتبی درباره این جنایات سری بزنید.

مسلمانان به همراه پیامبر رحمت وارد مدینه شدند و با ادیان دیگر توافقنامه‌های صلح امضاء کردند از جمله با یهودیان که سه گروهشان مهمترین قبیله‌های آنها بودند (بنی قنقاع، بنی نضیر، بنی قریظه)، لکن بعدها این یهودیان بودند که پیمان شکستند و جنگ و جدل به را انداختند.

جرحی زیدان می نویسد:

"چه کسی می تواند منکر تأثیرگذاری و دادگستری و پرهیزکاری و خوشرفتاری مسلمانان باشد.

رعایای ایران و روم که تحت استیلای مسلمانان در می آمدند، از دوزخ جور و ستم به بهشت عدل و انصاف انتقال می یافتند و هرگاه سپاهیان اسلام برای ترویج دین اسلام از پایتخت خود (مدینه) بیرون می آمدند، توشه راهشان پند و

اندرز بزرگان درباره خوش رفتاری با زیر دستان بود.<sup>۱۱</sup>

آری سیره‌ی عملی مسلمانان را می‌توان در جریاناتی که در طول تاریخ صدر اسلام برای آنان پیش آمده مطالعه کرد.

محکم بودن دین افرادی همچون عبدالله بن حذیفه که به اسارت در آمد و رهبر مسیحیان او را مخیر نمود بین مرگ و یا قبول مسیحیت! حتی روغن جوشیده زیتون در مقابل چشمش آماده کرده و تهدیدش کردند و او مرگ را پذیرفت، حتی یک مسلمان قوی دیگر را در میان روغن انداختند و او قبول نکرد و مقاومت نمود و گفت کاش هزار جان می‌داشتم تا در راه خدایم بمیرم، اینها و صدها نمونه دیگر از شجاعت و وفاداری مسلمانان در اسلام و دینداری شان بود.

زنانی که برای نگهداری حجاب و عفتشان مجازات‌های سختی را تحمل کردند اما لحظه‌ای از پوشش دینی خود دست برنداشتند نیز در تاریخ کم نیستند.

---

۱. تاریخ تمدن، جرجی زیدان، ص ۵۲.



## علت عقب ماندگه مسلمانان

این اسلامی که به زبان خودی و بیگانه این همه از آن تعریف و توصیف شده، مورد حسد گمراهان و جاهلان قرار گرفته و از آنجا که می‌گویند: مردم دشمن آن چیزی هستند که آن را نمی‌شناسند، تا توانستند بر پیکره مقدس آن تاختند که تاریخ پُر است از آن تاختن‌ها و حمله‌ها. ما در این جا به گوشه‌ای از آن ناجوانمردی‌های دشمنان اسلام و مسلمین اشاره می‌کنیم؛

### مغولان

شرح اینکه «علت حمله مغولان چه بود؟» بماند برای فرصتی دیگر، اما از آثار و آمار این حمله‌ها بشنوید که آنان به هر شهر و دیاری حمله کردند، قتل و غارت کردند. قتل عام مردم هرات، سمرقند، بخارا، نیشابور و طوس و ری و بغداد را تاریخ پر درد در دل خود نگهداشته و همچنان داغدار آن‌همه نامردی است.

آنان وقتی به بغداد حمله کردند، بین هشتصد تا یک میلیون نفر را کشتند و شهر را که مرکز دانشگاه‌های بزرگ جهان اسلام

بود، به ویرانه‌ای تبدیل کردند.

کتابخانه‌ها را سوزاندند و بسیاری از کتب آن را به رودخانه ریختند و یا آتش زدند و مکانش را شخم زدند.

اینان آنقدر کتاب به رودخانه ریختند که پل بزرگی برای عبورشان درست شده بود.

### **عوامل درون مرزی**

مسایلی از قبیل استبداد فکری و اینکه هر صاحب قدرتی دارای منش و روشی خاص و دستورالعملی شخصی شده و عده‌ای را به دور خود جمع کرد و سلیقه شخصی و فردی خود را بر اسلام تحمیل کرد را نیز می‌توان از علل عقب‌ماندگی مسلمان برشمرد.

### **دنیا گرایی**

هر کس دنیایش به نوعی رقم خورد، اسلام را بر دنیای خودش عرضه داشت، درست برعکس آنچه اسلام فرموده است که خود را بر قرآن و دین عرضه بدارید.

## تَحَجَّر و واپسگرایی

عده‌ای مذهب و دین را همان چیزی معنا کردند که خود پسندیده بودند و خواستند همان را به نسل نو تحمیل کنند و توقع داشتند عالی و دانی باید آن را بپذیرند. در مکتبی که علم و بصیرت مورد تأکید فراوان است، چنین کسانی که به وسیله جهل مردم بر مردم حکومت می‌کنند جایگاهی ندارند، ولی متأسفانه هستند و مشغول اغفال مردمند.

## فرقه‌گرایی‌ها

در حالی که اسلام در غالب آیاتش مردم را دعوت به حضور زیر یک پرچم می‌کند و با فریاد «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ»<sup>۱</sup> (بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است) ندای جهانی سر می‌دهد، استعمارگران دانا و ساده‌لوحان نادان دست به دست هم داده و فرقه‌ها و گروه‌هایی را راه انداخته‌اند تا مردم را از صراط مستقیم خدایی به بیراهه‌ها بکشانند. کلیساهای، کنیسه‌ها، خانقاه‌ها و دخمه‌های تاریکی از این

قبیل درست کرده و متأسفانه به قول شاعر که گفته است «متاع کفر و دین بی مشتری نیست»، مشتری هم دارند.

تمامی بلاهایی که نام برده شد به خاطر دوری از اسلام و عدم وابستگی به وحی و اهل بیت به سر مردم آمده است و راه علاج و درمان این بلا، بازگشت به اسلام است و بس.

### نکته‌ای قابل تأمل

اگر مسلمانان همچنان که سزاوار است به قرآن متمسک شوند و به تعالیم و احکامش عمل کنند، امروز نیز آقای جهانیان و عموم اقوام و ملل خواهند شد، همچنان که در گذشته بودند.<sup>۱</sup>

لورد هدلی می‌گوید:

"مسلمین که باید دارای عزم و ثبات و اخلاق سنجیه و اراده باشند، رو به انحطاط می‌روند! راه ترقی و تمدن به مسلمین نشان داده شده است ولی با وجود این در حقیض ذلت دست و پا می‌زنند. شگفتا که چاره‌ای برای آن متصور نیست."

بعضی خیال می‌کنند سیاست خودکامه ملل اروپا سبب انحطاط مسلمین است و برخی گمان می‌کنند فلسفه سقیم و غیر انسانی آن‌ها سبب این وضعیت است، ولی ما متذکر می‌شویم که سقوط ملل مسلمان بر اثر اعمال خود آنهاست. اینان اگر اوامر الهی را رعایت کنند، همه عناصر سقوط را محو می‌کنند.<sup>۱</sup>

شیخ محمد عبده (مفتی سابق مصر) خطاب به دانشمندان مسیحی می‌گوید:

"سعادت و پیشرفت مسیحیت در ترک کردن دین خود و بدبختی و عقب ماندگی مسلمانان در ترک دین خود می‌باشد. به عبارت دیگر؛ عقب ماندگی شما تا موقعی است که به دین مسیحی (به روشی که خودتان فائید) عمل می‌کنید. مسیحیت از اسلام درس گرفت و ترقی کرد اما در مقابل مسلمانان به غرب و اروپای مسیحی توجه کردند و بدبخت شدند و تا زمانی که این گرایش کورکورانه ادامه دارد، این بدبختی و ذلت و خواری نیز ادامه خواهد داشت."

---

۱. ندای اسلام در غرب، ص ۶۳.

طنطاوی مفسر قرآن می‌نویسد:

"انحطاط مسلمین و ترقی اروپا هر دو از یک نقطه شروع شده و آن هم اعراض از دین است. ما مسلمانان از اسلام، دینی که سعادت بخش بوده، رو گردانیدیم، لذا زبون و خوار شدیم و آنها (اروپاییان) از دینی که پر از اوهام و خرافات بود دست کشیدند، لذا جلو افتادند و پیشرفت کردند."

### آیا دین داری مایه عقب ماندگی است ؟

عده‌ای چنین فکر می‌کنند که دین باعث رکود و عقب‌گرد و مانع ترقی است و به برخی از کشورهای اسلامی استناد می‌کنند که ترقی لازم را ندارند، در حالی که خوب است گاهی سری به تاریخ بزنند تا بدانند تمام ترقیات امروز اروپا و همه پیشرفت‌های غرب از دست با کفایت اسلام و مسلمانان به آنها رسیده است و آنان که امروز ژست علم و تمدن به خود می‌گیرند، علم و تمدنشان از مسلمانان است. لیکن به دلایلی که در این کتاب هم نوشته شده، اوضاع به عکس شد، یعنی اروپاییان امروز تمدن دارند و مسلمانان از قافله‌ای که روزی خود قافله سالارش بودند عقب افتادند.

اینان باید بدانند که دین نه تنها عامل رکود و عقبگرد نیست، بلکه حلال مشکلات است و راه و چاه را نشان انسانیت می دهد. صنعت بدون دین باعث ساختن سلاح های میکروبی و کشتار جمعی می شود که امروز دامن اروپا و غرب را گرفته است. آنان این سلاح ها را می سازند و بر سر ملت های به قول خودشان جهان سومی! امتحان می کنند.

تمام فیلم های مبتذل با علم بدون دین درست شده و در اختیار جوانان قرار دارد. یعنی در فضای صنعت بدون دین، سلاح می سازند که هم جسم و هم روح را، یعنی شخصیت انسان را به حیوانیت بدل می کنند.

دکتر آلکسیس کارل می نویسد:

"همچنان که ضعف نیروی عقلانی برای جامعه ای خطرناک است، ضعف عرفان مذهبی نیز خطرناک می باشد. تز اخلاق بدون مذهب را که به سقراط منسوب می دانند، شکست خورده است."

### علت پیشرفت اروپاییان چیست؟

در این خصوص اگر بخواهیم حرف دلمان را بزنیم، باید بگوییم غربیان و اروپاییان با نیرنگ و خیانت این بساط را به پا کردند. نمک خوردند و نمکدان شکستند.

در صدر اسلام چنین سؤالی مطرح بود که معاویه پیشرفت سیاسی دارد و علی علیه السلام چنان نیست. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید:

«وَاللَّهِ مَا مُعَاوِيَةَ بَا دَهَى مِني وَلَكِنَّهُ يُعَدُّرُ وَيُفَجِّرُ»؛

به خدا قسم معاویه از من داناتر و سیاستمدارتر و با تدبیرتر نیست. بلکه او حيله گر متخلف و پيمان شکن است.

آنچه امام را محدود کرده و معاویه را آزاد گذاشته، دینی است که علی علیه السلام دارد و معاویه ندارد.

یعنی ایمان و عقیده به خدا و قیامت دست و پای علی علیه السلام را بسته است لکن معاویه به این مسایل، اعتقادی نداشت.

معاویه در واقعه‌ی صفین بر سرچشمه مسلط می‌شود و دستور می‌دهد آب را به روی لشکر علی علیه السلام بیندند و همان روز



علی علیه السلام بر همان سرچشمه مسلط می‌شود و آب را به روی لشکریان معاویه باز می‌گذارد. این است فرق روش و منش آدم دیندار با بی دین.

در دنیای امروز برخی از غربی‌ها از این قبیل بی‌غیرتی‌ها و ناجوانمردی‌ها فراوان دارند. آنها از آب مضایقه کردند و اینان از یاد دادن علمی که از خود ما گرفته‌اند، مضایقه می‌کنند.

غربی‌ها اگر از پدرانشان پرسند به آنها خواهند گفت که ما در اروپا روزگاری داشتیم که وقتی یکی از ما مریض می‌شد به جای درمان که نمی‌دانستیم، مریض را زنده زنده می‌سوزانیدیم و امروز ژست پیشرفت پزشکی گرفته و بسیاری از معالجات و داروها را انحصاری کرده‌ایم.

غربی‌ها صنعت لوله بخاری را که مسلمان‌ها ساخته و برایشان بردند را صنعتی بزرگ می‌شمردند و برایشان تازگی داشت!

### کینه‌های شتری بر علیه اسلام و مسلمانان

ویلیام گلاستون که نخست وزیر انگلیس بود و به‌خاطر لیاقتش ۴ بار در زمان ملکه ویکتوریا به نخست وزیری رسید و لقب برترین نخست وزیر را به خود گرفت، در مجلس عوام انگلیس در مقابل نمایندگان با صدای بلند گفت:

"همانا آینده‌ی دشوار و خطرناکی ما را تهدید می‌کند و آنچه استقرار ما را در کشورهای اسلامی با مشکل جدی مواجه می‌سازد دو چیز است که ما را موظف و مکلف می‌کند و تا جایی که توان داریم این دو مشکل را باید برطرف سازیم.

آنگاه در حالی که قرآن را با دست بلند کرده بود فریاد زد:

اول این قرآن است و سپس کمی سکوت کرد و با دست چپ خود به طرف شرق مکه اشاره نمود و گفت: و این کعبه!!<sup>۱</sup>

دستوراتی به دستیاران نشان داده‌اند مبتنی بر اینکه باید در

بلاد اسلامی تا می‌توانید رونق بازار اسلام و مسلمانان را از بین ببرید و جوانان مسلمان را از تعالیم دینشان دور نگه دارید.

لویی ماسینیون، مستشرق فرانسوی می‌گوید:

"واجب است دانشجویان شرقی را که به فرانسه می‌آیند به آداب و رسوم و شکل و قیافه مسیحیت در آوریم. باید با مسلمانان طوری عمل کنید که وقتی به کشور خود باز می‌گردند، حتی الامکان از فرهنگ اسلامی خود دور و بیگانه شده باشند و همه چیز خود را فراموش کرده و به طور کامل به صورت یک اروپایی و غربی در آمده باشند."<sup>۱</sup>

### مگس‌های روی زخم

انگلیس و استعمارگران بر اساس طینت خبیث خود برای رواج مکتب فاسدشان، در میان مسلمانان به دنبال نقطه ضعف‌هایی می‌گردند تا آن را عَلم کرده و برای رواج اهداف پلیدشان از آن استفاده کنند. همان کاری که مگس با بدن سالم

۱. نظرات فی القران، ص ۸۸۰.

اما دارای زخم می کند!

امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمودند: «الاشرار يتبعون مساوء الناس و يتركون محاسنهم كما يتبع الذباب المواضع الفاسده من الجسد»؛ انسان های بد در جستجوی ضعف های مردم هستند و خوبی های آنها را نادیده می گیرند.<sup>۱</sup>

آنان در میان جامعه ی مسلمانان می گردند و افراد سست عنصر و قلم به مزدی را پیدا می کنند و با وعده و وعید کاری می کنند که آنان مسایلی جزئی که خودشان نفهمیده اند را در بلندگوها برای مردم فریاد بکشند و به عنوان یک مسئله ی لاینحل اسلامی مطرح نمایند و کسی هم نیست که به آنان بگوید این مسئله را که در تخصص تو نیست و آن را درک نمی کنی، چرا مطرح می کنی؟!

در این کشور همیشه دیوار مذهب کوتاه بوده و هر کس هر گلابه یا عقده ای که دارد بر سر دین و مذهب خالی می کند و

---

۱. شرح نهج حدید، ج ۲۰، ص ۲۶۹.

هرگز نمی‌گوید عیب از من است.

با خواندن چند فرمول در یک رشته‌ای، همین بس است که به او دکتر و مهندس و پروفیسور لقب دهند. حال مدرکش در هر رشته‌ای که باشد، درباره دین هم با همان مدرک نظر می‌دهد.

بد گهر را علم و فن آموختن

دادن تیغی به دست راه زن

تیغ دادن در کف زنگی مست

به که آید علم، ناکس را به دست<sup>۱</sup>

این بد گوه‌رانی که آلت دست بیگانه می‌شوند، امروزی نیستند، بلکه در طول تاریخ در این مرز و بوم بوده‌اند.

### صهیونیسم ضد بشر

یهودیان صهیونیست برای غیرخودشان هیچ هویتی قائل نیستند و لذا با بد زبانی و توهین از دیگران یاد می‌کنند. آنان

برای ادعای بزرگی که با صفت خود برترینی دارند برای خود نسبت به مردم پروتکل‌هایی ترسیم کرده‌اند و قراردادهایی بسته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- پروتکل‌های یهود بر علیه اسلام

زامداران صهیونیست ۲۴ پروتکل یعنی قرار داد را در سال ۱۸۹۷ در یک کنفرانس با حضور عده‌ای از شرکت‌کنندگان ارائه کردند و اولین ترجمه به انگلیسی آن را در سال ۱۹۱۹ بعد از جنگ جهانی اول ارائه شد و آن قرار دادها از این قرارند:

پروتکل اول:

کسانی را باید بر مردم مسلط کنیم که دو خصوصیت داشته باشند: ۱- هوش و استعداد قوی ۲- مکر و فریبندگی!!

حق ما سرچشمه‌اش زور است، منطق ما در یک کلمه این است که: آنچه می‌خواهم به من بده تا ثابت کنم از تو قوی‌ترم!  
ترویج خیانت-رشوه، از شیوه‌های کار ماست. نباید در استفاده از رشوه-خیانت، در صورتی که ما را در تحقق بخشیدن هدفمان کمک کنند، تردیدی به خود راه ندهیم.

به فساد کشیدن خانواده‌ها به وسیله‌ی معلمان، زنان و راه‌اندازی مراکز عیاشی و...

با راه‌اندازی انجمن بانوان باید زنان را به خانه‌ها و جلسات و محیط‌های کار ببریم و بدین وسیله فساد را رواج دهیم.

شعار ما باید زور و فریب باشد تا هرچه را از روی فریب به مردم می‌دهیم راحت بپذیرند و فقط زور می‌تواند در میدان سیاست پیروز شود.

پروتکل دوم: شعاری با این عنوان باید رواج پیدا کند: یک نفر از یهود برابر با هزار نفر از غیر یهود.

پروتکل سوم: غیر از صهیونیست‌ها بقیه‌ی مردم قدرت تفکر ندارند!

پروتکل چهارم: ریشه کن کردن دین و مذهب.

پروتکل پنجم: باید همه‌ی زیر مجموعه‌ها متخصصان ما باشند.

پروتکل ششم: باید مسلمانان را از فکر کردن دور نگه داریم و با صنعت و تجارت طوری سرگرمشان کنیم که به فکر دشمن

نباشند و احزاب را باید به جان هم بیندازیم.

پروتکل هفتم: باید افکار را با تحریک عواطف مشوش کنیم که این کمکی برای حکومت آینده‌ی ما می‌باشد.

پروتکل هشتم: باید صنایع غیر یهود را نابود کنیم و عشق به عیاشی راهکار این راه است و نیز وسایل میگساری را باید ایجاد و ترویج کرد.

پروتکل نهم: منطق یهود این است که ما گرگیم و غیر یهود گله‌ی گوسفند است!

پروتکل دهم: امور سیاسی را فقط ما خوب می‌فهمیم و چه کسی به غیر از ما این مسایل را ابداع کرده است؟!

اگر چنین بشود، نظر همه به سوی جذب نمی‌شود و به همین دل‌مشغولی‌ها گرفتارند و ما هم کار خودمان را انجام می‌دهیم.

در پایان امضاء نمایندگان درجه یک ۳۳ صهیونیسم و جمع فراماسونری جهان ضمیمه آن است.



## ترفندهای دشمنان

دشمنان اسلام و تشیع به تمامی شیوه‌ها متوسل می‌شوند و می‌دانند که بالاخره هر گروهی با شیوه‌ای خاص منحرف می‌شوند، لذا همانند شیطان که برای گروه‌های مختلف مردم برنامه‌های مختلفی به کار می‌بندند، عمل می‌کنند؛

### ۱- استفاده از نام دین

بهائیتی که پایبند به هیچ دین و مرام و مسلکی نیست و به اصطلاح عامیانه‌اش هُرْهَری مذهب هستند، این مسلک بی‌محتوا و این آیین استعماری را به نام دین مطرح می‌کنند تا عده‌ای ساده‌اندیش به راحتی در این دام بیفتند.

ما باید از این ترغیب دشمنان غفلت نکرده و آن را جزئی در ردیف احزاب سیاسی به حساب بیاوریم تا باعث اغفال افراد نشود.

### ۲- تحریف آیات و احادیث

بی‌دینانی همچون احزاب بهائی با قطعه قطعه کردن قرآن و

احادیث، برخی از فرازهای آیات و احادیث را حفظ کرده و برای پیشبرد اهدافشان از آن سوء استفاده می‌کنند که این کاری واقعاً خنده‌دار است، زیرا آنان که اصل اسلام و قرآن و ائمه را قبول ندارند، استناد کردن به قول و سخن آنان به چه معناست؟!

### ۳- تبلیغ علیه شیعه

مسیحیت و یهودیت و بهائیت، همه و همه در زدودن نام اسلام و به ویژه مکتب حیات بخش تشیع همه‌ی همّت خود را به کار گرفته‌اند. جمله‌ای از یکی از سران بهائیت معروف است که گفته است:

"اگر بهائی نمی‌شوید لاقلاً دست از شیعی گری بردارید و از آنان دوری کنید."<sup>۱</sup>

یکی از مستبصرین که به وادی دین اسلام وارد شده‌اند می‌گوید وقتی در میان آنان بودم، شیعه را شیعه می‌گفتند.<sup>۲</sup>

۱. سیری در کتاب‌های بهائیان، ص ۱۳۶.

۲. سایه شوم، ص ۷۸.

#### ۴- علاقه به مطرح شدن

تمامی دشمنان دین اسلام، یک اصل کلی و مشترکی دارند و آن اینکه دوست دارند به نوعی در جامعه مطرح شوند. دو سال قبل در این شهر، شبانه جمعی از جوانان را گرفتند که با وسیله‌ای بر در و دیوار شهر می‌نوشتند و نوشته آن‌ها هم این جمله بود که (مرگ بر بهائی). سپس معلوم شد که خودشان بهائی‌اند و برای مطرح شدن خود این کار را می‌کنند!!<sup>۱</sup>

#### ۵- دستبرد به کتب و اسناد

حیله جدید این گروه‌های منحرف این است که کتبی که علیه آنها نوشته شده را مطالعه می‌کنند و نکته‌های عیناک دینشان که با قلم نویسندگان اسلام از آن انتقاد شده را می‌بینند و دو کار انجام می‌دهند:

الف) آن جمله را تغییر می‌دهند و در چاپ جدیدشان آن را اصلاح می‌کنند!

---

۱. شهر آباد، اطلاعات.

ب) در آنجا که خیلی افترض است، کلاً آن را حذف می‌کنند تا سخن مسلمانان مثلاً دروغ از آب در آید!  
لذا جوانان مسلمانان باید برای مطالبی که جدید چاپ می‌شود به دنبال اسناد اولیه و معتبر بگردند.

### ۶ - شکار طعمه

اینان برای رواج خودشان به دنبال افرادی می‌روند که نقطه ضعفی داشته باشند تا کمکشان کنند. یا از نظر روحی ضعیف و شهوت پرست باشند که باز هم تأمین شان کنند. و یا بی رقیب و یا بی رقیب باشند و دستش را بگیرند و به دام بیندازند!

## دست نشانندگان مدعی امامت

به جای کهربا گاهی نشسته

به جای شیر روباهی نشسته

بدنام کردن چهره‌ی مبارک اسلام توسط استعمارگران بی دین و هوس بازان احمق یک رویه‌ای است که از دیر باز رواج داشته و اکنون نیز دارد.

قبه نورانی اسلام در آخرالزمان یعنی چهره‌ی تابناک امام زمان علیه السلام را که تمام علمای شیعه و غالب علمای منصفِ اهل سنّت از آن یاد کرده و مردم را وعده‌ی زیارت آن داده‌اند، عدّه‌ای از دشمنان دانا و دوستان نادان خراب کرده و بدنام جلوه داده‌اند.

در لوح حضرت فاطمه علیها السلام که نام تمامی امامان معصوم در آن برده شده و حدیثی مستند و متواتر است، از شکل و شمایل فردی امام و از نوع حکومت او پرده برداری کرده است، اما دست نشانندگان مدعی امامت حاضر شده‌اند خود را در مقام آن خلاصه‌ی خوبی‌ها و وارث انبیاء و اوصیاء معرفی کنند و چند

صبحی جولان بدهند و دولتمندان استعمارگر هم از آنها حمایت کنند. ما در اینجا بنام نحس برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- میرزا علی محمد باب:

پسر میرزا رضای شیرازی که خود را در ابتدا باب می‌دانست در سال ۱۲۶۱ دعوت به مهدویت کرد و عده‌ای از خود بی‌سوادتر را به دنبال خود انداخت و هم خود و هم عده‌ای از مردم را به تباهی و بدبختی کشید و عاقبت هم به حکم مراجع تقلید زمان محکوم به اعدام شد و نهایتاً هم قبرش شکم سگ‌های تبریز گردید!

۲- عیدالله فرزند محمد حبیب:

فرزند امام جعفر صادق علیه السلام که مؤسس دولت فاطمیان در مغرب بود در اواسط قرن چهارم هجری شهرهای مصر را فتح نمود و تشکیل حکومت داد.

۳- محمد بن عبدالله:

ملقب به نفس زکیه در سال ۱۴۵ هجری قمری در زمان منصور دوانیقی خلیفه دوم عباسی در مدینه الرسول ظهور کرده

و مردم را به سوی خویش فرا خواند.

۴- محمد بن عبدالله هرعی:

او در اوایل قرن ششم هجری در بلاد مغرب ادعای مهدویت کرد و تشکیل دولتی به نام عبدالمؤمن داد.

۵- سید احمد:

در اوایل قرن سیزدهم در مناطقی از هندوستان شخصی به این نام ادعای مهدویت کرد و نهایتاً هم با سیک‌های هندی جنگید ولی موفق نشد.

۶- محمد مهدی:

او که پدرش در نشر معارف دین انسان موفق بود، پس از مرگ پدرش ادعای مهدویت کرد و به خاطر جمله‌ای که پدرش گفته بود: «فرج مهدی نزدیک است»، عده‌ای از ساده‌اندیشان گمان کردند که او همان مهدی موعود 7 است و به دنبالش به راه افتادند و منحرف شدند.

۷- میرزا غلام احمد قادیانی:

این شخص در سال ۱۸۳۲ میلادی در قادیان پنجاب هند به

دنیا آمد. قادیان محله‌ای است با هزار نفر سکنه. او ملاک و دارای ملک و آب بود و در جنگ هند با انگلیسی‌ها، به هندی‌ها کمک‌هایی کرد. او بعداً با اطلاعاتی که از مکتب شیعه و سنی به دست آورد منشی بعضی از ادارات هند شد. او ادعا کرد که عیسی بن مریم است.

او سه مجله به نام‌های بدر و حکم و ایمان، راه‌اندازی کرده بود.

#### ۸- عباس فاطمی:

او هم یکی از تبار همین دیوانگان مدعی است و در سال‌های آخر قرن هفتم هجری در مغرب ادعای مهدویت کرد و مردمی را اغفال خودش کرد، اما پس از مدتی به چنگال مکر و حيله دنیا گرفتار شد و کشته شد.

#### ۹- مهدی سودانی:

او که از معتقدان دوازده امام بود، نهایتاً مانند سلفش لغزید و ادعای مهدویت کرد و با حماقت، پیشوای عده‌ای نادان‌تر از خودش شد.



## ادب از بی ادبان بیاموزیم!!!

خوب است برای بدی و خباثت ایادی دشمن اندکی به سراغ راه یافتگان و از راه برگشتگان برویم و از آنان پرسیم که در درون دشمن چه خبر است و برنامه‌ی دشمن برای مبارزه با اسلام و مسلمانان چه بوده و چیست؟

کسانی که از فرقه‌های مخالف اسلام توبه کرده و برگشته‌اند، نوعاً کتاب‌هایی بر ردّ آنان نگاشته‌اند که خوب است انسان آن کتاب‌ها و مقالات را بخواند.

برگشته‌های از فرقه‌ی ضاله بهایت شرم دارند که حتی مسائل درون مرزی این فرقه را بازگو کنند یا بنگارند. برخی از آنها می‌گویند ما به تصوّر آب در یک سرابی گرفتار شدیم که غیر از حُقّه و نیرنگ، غیر از فساد اخلاقی و تباهی و غیر از حیوانیت، چیزی در آنجا یافت نمی‌شد.

در نوشته‌های خانم مهناز رئوفی که مستبصر شده و به اسلام تشرّف پیدا کرده، مطالبی هست که ماهیت این گروه ضالّه را بر ملا می‌کند. او می‌گوید:

"ارتباط با علمای دین یکی از ممنوع‌ترین مسایل بهایت  
است."

همو می‌گوید:

"دو گروه در بهایت به چشم می‌خورند. یک عدّه فریب  
خوردگان و گروهی آگاهان و عمّال بیگانه."

در بهائیت تعصب و غیرت معنا ندارد و هر کسی که بی‌حیاط  
و بی‌پروا تر باشد، مقبول‌تر و با کلاس‌تر است. آن‌ها روی مغز  
کودکان جهان کار می‌کنند تا کم‌کم بتوانند آنان را فریفته و  
منحرف سازند.

شعار بسیاری از سران بهایت این جمله است که:

"از این مسلمانان هر چه کشته شوند کم است!"

### نمک خورده‌های نمکدان شکن:

دستور اسلام این است: هرگاه فرد یا افرادی به شما خدمت کردند شما موظفید خدمت آنان را ارج نهید با خدمتی نیکوتر از خدمتی که او در حق شما کرده است.<sup>۱</sup>

این دستور العمل اسلام خطاب به تمامی صاحبان خرد و عقل است، بحث دین و بی‌دین، کفر و شرک در آن مطرح نیست. حال با یک دقت در رفتار غربیان و اروپاییان، می‌فهمیم که روشی غیر از این جریان دارد. آنها نه تنها از فرهنگِ قدردانی بی‌بهره‌اند، بلکه عادت نمک خوردن و نمکدان شکستن در خون آنان است. آنانی که به اقرار بعضی از عقلایشان صنعت و پزشکی و تمدن و شهرنشینی و حتی حمام رفتن و هزاران فن و روش دیگر زندگی را از اسلام و مسلمانان آموخته‌اند، برخلاف عقل و وجدان نه تنها قدردانی نکردند که سنگ برداشتند و بر سر مسلمانان زدند و برای اسلام زدایی، هرجا کتابخانه‌ای بود آتش زدند و هرجا چهره‌ای با نفوذ بود، تخریش کردند و...!

۱. نساء، ۸۶، وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَ.

## اما روش مسلمانان با دیگران

جرجی زیدان می نویسد:

"چه کسی می تواند منکر تأثیر دادگستری و پرهیزکاری و خوش رفتاری مسلمانان باشد؟ چه کسی می تواند منکر شود که بزرگان اسلام در آغاز کار دارای این صفات نبودند؟ رعایای ایران و روم که تحت استیلای مسلمانان در می آمدند، از دوزخ جور و ظلم به بهشت عدل و انصاف انتقال می یافتند و هرگاه سپاهیان اسلام برای ترویج دین اسلام از پایتخت خود (مدینه) بیرون می آمدند، توشه راهشان پند و اندرز بزرگان درباره خوش رفتاری با زیر دستان بود."<sup>۱</sup>

### تهمت های واهی

می گویند اسلام با شمشیر گسترش پیدا کرد. این اتهام ساخته دست دشمن است. برای گسترش اسلام دلایلی داشته و دارد که عوامل ذاتی آن عبارتند از: عقلانی بودن، فطری بودن، ساده بودن، آزادی عقیده، علمی بودن قوانین آن، جامع و جهان شمولی آن و در آخر اخلاص طرفداران و نماز و دعای

۱. تاریخ تمدن اسلام، ص ۵۲، اعتراف ص ۲۳۹.

مستضعفان نیز از جمله همین عوامل هستند.

## داستان

می‌گویند یکی از سرداران صدر اسلام سعد بن ابی وقاص، روزی در مسجد در محضر رسول خدا ﷺ راجع به شمشیر زدن‌های خودش و این که با این شمشیر بود که چنین و چنان کردیم و دشمنان را رد کردیم و اسلام را پیروز کردیم و... صحبت کرد، ولی رسول گرامی اسلام ﷺ به او اعتراض کرد و فرمود:

«انما نصرالله عزوجل هذه الامه بضعفائها بدعوتهم و صلاتهم و اخلاصهم»؛

خداوند عزوجل این دین را با نیت پاک و نماز و دعای  
ضعفای امت تأیید و پیروز نمود.  
یعنی این دینی است که یار و یاور مؤمنان دل شکسته بوده و  
به خواسته و دعای آنان پیروز شد.<sup>۱</sup>

## از همین مؤلف:

- از خاک به افلاک (جلد ۱ و ۲) معاد از دیدگاه قرآن و روایات  
کشتی نجات زندگانی ۱۴ معصوم  
آب و سراب حسد، بخل، تعصب، تهمت، تکبر و...  
انسان آفات انسانی، وجدان، اعتقاد و عقیده، تفکر و اندیشه و...  
مذهب مذهب شیعه و مذاهب ساختگی شیخیه، صوفیه، وهابیه  
لقمه های حرام مال یتیم ربا، رشوه، قمار، احتکار و...  
نماز نیاز من نماز از دیدگاه آیات و روایات  
در مسلخ عشق فلسفه و دلایل قیام امام حسین (ع) و...  
بایدها و نبایدها امر به معروف و نهی از منکر  
جوان جوانان و مسائل مربوط به آنان  
مقام و منزلت زن زنان نمونه، منزلت زن در قرآن، جایگاه زن  
جلوه های عشق و کمال قرآن و دعا  
پیام عرش به فرش قرآن  
تضرع فرش به عرش دعا  
هر عیب که هست حُسن دین و عیب ما  
حق و حقوق شناخت الگوهای حق، انواع حقوق و...

**خانواده دینی** از دواج، حقوق متقابل زن و شوهر و...

**حکومت حق** بحثی پیرامون امام زمان علیه السلام و حکومت جهانی ایشان

**مسجد** فضیلت مسجد، فضیلت اهل مسجد، آداب مسجد و...

**رسم دیدار** سفر حج (اموال، احوال، اعمال)

**دین** دین کامل، دین از نظر فطری، مشترکات ادیان، ارتداد و...

**جامعه دینی** نیاز جامعه به رهبر و قانون، حقوق متقابل و...

**ای دعا از تو...** (جلد ۱) شرح دعای امام زمان علیه السلام

**ای دعا از تو...** (جلد ۲) شرح دعای ایام هفته

**پرسیدن عیب نیست** (جلد ۱ و ۲)

مجموعه پرسش و پاسخ های دانشجویی و دانش آموزی

**بدعت و خرافات**

خرافات مرسوم جامعه، خرافات در دیگر کشورها، و...

**نغمه های عقل و عاطفه**

سی بحث اخلاقی مطرح شده در روزهای ماه رمضان

**معرفت کردگار**

برخی از نعمت های خداوند و شناخت ما نسبت به آن

## الگوهای رفتاری

مبانی و اصول تربیت، عوامل مؤثر در تربیت، مراحل تربیت

کلام الامام، امام الکلام (جلد ۱ و ۲)

مجموعه چهل حدیث همراه با داستان مربوط به حدیث

هان ای دل عبرت بین

داستانهای عبرت آموز شخصی و عمومی

ترک واجب کرده و سنت به جا آورده ایم